

# توفان و کنفدراسیون جهانی

## دفتر اسناد

### ضمیمه فصل چهاردهم

### مندرج در دفتر اول جلد ششم



# توفان و کنفدراسیون جهانی

## دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان

و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی  
(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)





---

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

تارنما: [www.toufan.org](http://www.toufan.org) و [www.toufan.de](http://www.toufan.de)

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf

---



PLI (Toufan)

# فهرست

- توفان و کنفدراسیون جهانی ----- ۱
- دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۱
- سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۲
- اولین سند سازمان توفان در رد "تئوری سه دنیا" ----- ۲
- سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۱۲
- سندی از صورتجلسه نشست هیات مرکزی توفان در تاریخ ۱۹۷۵/۱۱/۰۹ ----- ۱۲
- سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۱۴
- نظریه سازمان توفان درباره مشی بین‌المللی ----- ۱۴
- سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۲۱
- گزارش مذاکرات میان نمایندگان هیات مرکزی توفان، رفقا دکتر غلامحسین فروتن و فریدون منتقمی با رفیق سیامک  
زعیم از اتحادیه کمونیست‌های ایران ----- ۲۱
- سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۲۴
- جلسه مشترک بین دونفر از سران جبهه ملی، کامیز روستا، فرامرز بیانی و دونفر از سران کادرها، مهدی تهرانی و جابر و  
دونفر از اعضای هیات مرکزی سازمان ما رفیق بهرام و رفیق کامران ----- ۲۴
- سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۲۹
- جلسه مشترک با سه نفر از اعضای هیئت مرکزی سازمان انقلابی ----- ۲۹
- سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۳۴
- مسئله مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روژ" ----- ۳۴
- سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۳۶
- خط میانه و مخدوش کردن خط مشی سیاسی جمهوری توده‌ای چین ----- ۳۶
- سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۴۷
- طرح‌ها و مسائلی چند برای کنگره امسال ----- ۴۷
- سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۵۰
- بخشنامه داخلی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان ----- ۵۰
- سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۵۴
- بخشنامه داخلی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان ----- ۵۴
- سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۵۵
- گزارش شعبه دانشجویی ----- ۵۵
- سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۵۶
- بحث در مورد هومانیتیه روژ ----- ۵۶
- سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۵۷
- برنامه و خط مشی حزب "کمونیست مارکسیست-لنینیست" فرانسه رویونیستی است ----- ۵۷

- سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۵۸  
دفاع از سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین به نام "سیاست خارجی چین: سیاست لنینیستی" ----- ۵۸
- سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۶۲  
مصوبات هفدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی ----- ۶۲
- سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۶۵  
قطعه‌نامه در باره مشی ارتجاعی مطرود از جنبش دانشجویی ----- ۶۵
- سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم ----- ۶۷  
قطعه‌نامه در باره سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین در مورد ایران ----- ۶۷

# توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندر ج در دفتر نخست جلد ششم

## سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (در مورد سیاست خارجی چین)

اولین سند سازمان توفان در رد "تئوری سه دنیا"

## اولین سند سازمان توفان در رد "تئوری سه دنیا"

هیئت مرکزی سازمان توفان در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۵ شی سیاسی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه را آنطور که در برنامه کنگره دوم حزب و مقالات مندرج در رهمانیته سرخ " انعکاس یافته است مورد بحث قرار داد . بنظر هیئت مرکزی چنین مینماید که این خط شی در مجموع با اصول واحکام مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائو نمیخواند و تکرار سرگینا همان شی " محافل مارکسیست - لنینیست فرانسه " رهبری ۵۵۵۵/۴۴ است که خود حزب کمونیست م.ل. فرانسه آنرا بحق و درستی شی رویزونیستی بشمار آورد .

## انقلاب سوسیالیستی

حزب کمونیست (م.ل.) فرانسه باتکیه بر وجود دوا بر قدرت، امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی که واقعیتی عینی است، با تکیه بر همکاری و رقابت آنها در صحنه جهان بنظیر استیلاجویی و بودن آزادی واستقلال خلقها وتوسعه مناطق نفوذ خود که باز هم واقعیتی عینی است وبالاخره باتکیه بر این که رقابت دوا بر قدرت دیر یازود به جنگ جهانی خواهد انجامید ، وظیفه دفاع از استقلال ملی را آنچنان عده و برجسته میکند که وظیفه انقلاب پرولتاریائی از قلم می افتد ویا در برنامه فقط نامی از آن برده میشود . حزب کمونیست (م.ل.) فرانسه برآنست که وظیفه انقلاب پرولتاریائی اکنون در دستور روز حزب نیست . " وظیفه مرکزی کنونی انقلاب در فرانسه عبارتست از مبارزه علیه دوا بر قدرت و عمال آنها بخاطر دفاع از استقلال ملی و طبع تسلیم طلبی " ( در برنامه کنگره دوم ) و بنا بر آن مساعی حزب باید از آنجمله در این جهت باشد که :

" - در تمام زمینههای سیاسی واید ثولویک وادی دفاع از استقلال ملی رانایان ، مقاومت طولانی در برابر هر تجاوزی را ، مقاومتی که به انقلاب پرولتاریائی منی انجامد و به استقرار سوسیالیسم امکان میدهد سازمان دهد و رهبری کند " ( همانجا ) البته شرایط وضع انقلابی امروز در فرانسه فراهم نیست و بفرس آنکه چنین شرایطی نیز

فراهم آید عامل ذهنی آنچنان نیرومند نیست که بتواند رهبری انقلاب را در دست گیرد و آنرا به پیروزی برساند. ولی این به آن معنی نیست که توجه از انقلاب منعطف گردد و منحصر بر روی مسئله دیگری متمرکز شود.

البته سخن بر سر این نیست که استقلال ملی فرانسه در معرض مخاطره سوسیال امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا نیست و نباید به دفاع از آن برخاست، سخن بر سر این نیست که نباید سیاست استیلاجویانه و وابهرت بویژه اتحاد شوروی را افشا نکرد و توده ها را برای مبارزه با آن تجهیز نمود، سخن بر سر این نیست که توده ها را برای جنگی که وابهرت تدارک می بینند در کلیه زمینه ها آماده ساخت ولی اکنون که استقلال ملی فرانسه هنوز مورد دستبرد قرار نگرفته، استقلال ملی را در مرکز توجه قرار دادن و دفاع از آنرا وظیفه مرکزی انقلاب شوروی و وظیفه تدارک انقلاب پرولتاریائی را منوط به پیروزی در جنگ بخاطر استقلال ملی دانستن، در افتادن از وظیفه انقلابی حزب طبقه کارگر است.

بنظر ما حزب طبقه کارگر ضمن افشا سیاست استیلاجویی و وابهرت بویژه سوسیال-امپریالیسم شوروی و تجهیز و بسیج توده ها بخاطر مقابله با جنگ و دفاع از استقلال ملی باید طبقه کارگر را در جریان مبارزه طبقاتی در تمام سطح از زیر نفوذ رویزونیست ها بیرون کند، رویزونیسم را منفرد ساخته و درهم گوید، رهبری مبارزات توده ها را در دست گیرد و توده ها را به سوی انقلاب سوسیالیستی رهنمون گردد. اگر در جریان انجام این وظایف خواه بر اثر جنگی که وابهرت برای می اندازند یا مداخله یکی از آنها یا هر دو خارج از دیگر استقلال ملی مورد دستبرد قرار گرفت آنگاه دفاع از آن وظیفه مرکزی روز، وظیفه عمده خواهد شد. آنگاه با منجش روش طبقات مختلف در قبال تجاوز خارجی، جنبه مقاومت در برابر تجاوز بوجود خواهد آمد. جنبه های هر چه وسیعتر که بتواند تمام نیروها و عناصری که آماده اند بخاطر استقلال ملی با متجاوز خارجی بجنگند در برگیرد. در چنین شرایطی است که دقیقاً میتوان روش بورژوازی امپریالیست فرانسه و جناح های آنرا در برابر تجاوز دید و روشی متناسب در قبال آن اختیار نمود، در چنین شرایطی است که حزب طبقه کارگر میتواند برای ایجاد جنبه و تقویت و توسعه آن تاکتیک های مشخص و متناسبی برگزیند.

#### سازش و مصالحه با بورژوازی امپریالیستی

وقتی استقلال ملی در مرحله کمونی برجستگی خاصی پیدا میکند ناگزیر مسئله نیروهای پیش میاید که باید برای دفاع از آن در جنبه واحدی گرد آورند. بورژوازی امپریالیست فرانسه که بخاطر حفظ منافع خود در درون کشور و در جهان با وابهرت در تضاد است میتواند متحدی ولو موقتی و مشروط بآند. در برنامه حزب چنین آمده است.



"در چارچوب مبارزه علیه اقدامات استیلاجویی (هژمونی) و ابرقدرت، حزب کمونیست (م.ل.) فرانسه سیاست سرمایه انحصاری اروپای غربی را کاملاً بحساب می‌آورد که فقط بخاطر دفاع از منافع طبقاتی است که از بین بین با منافع پرولتاریا در تضاد است و در عین حال که میکوشد فشار بحران جهانی امپریالیسم را از طریق استثمار و فشار روزافزون بر روش پرولتاریا و خلق بگذارد. امروز مجبور است در برابر دست اندازی ابرقدرتها به مقاومت بر - خیزد و به کشورهای دنیای سوم نزدیک شود و در مجموع با این کشورهای وابسته براساس برابری برقرار سازد."

در هومانیته سرخ شماره ۲۳۸ چنین می‌خوانیم:

"در بورژوازیهای اروپائی اراده استقلال اقتصادی و سیاسی در برابر امریکا و انگلستان روزافزون در برابر مطامع امپریالیستهای شوروی وجود دارد. بورژوازیهای اروپا باید خود را از جنگال وی آزاد سازند، بازار مستقیم خود را در سراسر جهان توسعه دهند و برای اینکه مجبورند با دنیای سوم براساس تساوی معامله کنند" (تکیه از ما است)

بدیهی است وقتی در بورژوازی فرانسه "اراده حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی در برابر ابرقدرت وجود دارد و این اراده در عمل هم بظهور می‌پیوندد باید به آن ارجح گذاشت و در مبارزه بخاطر استقلال ملی آنرا بحساب آورد و گرنه اینهمه تکیه بر دفاع از استقلال ملی از جانب بورژوازی امپریالیست که حتی در برنامه حزب نیز از آن سخن بیان آمده است، محلی و موردی پیدا نمیکند. بی جهت نیست که هومانیته سرخ سیاست خارجی فرانسه را مثبت ارزیابی میکند. "چگونه باید درباره سیاست خارجی فرانسه اندیشید؟ ما گفتیم که جنبه عده این سیاست در حال حاضر مثبت است. سیاست خارجی هر قدرت امپریالیستی ماهیتاً به استیلاجویی (هژمونی) گرایش دارد. معذک در این سابقه بخاطر استیلاجویی گویا فرانسه قادر است برای تقسیم مجدد جهان با شوروی و امریکا جنگی بر راه اندازد؟ بر - عکس، مناطق او فرومیریزد و تنها وسیله برای خروج از این وضع باز هم اروپا است" (از جزوه سوسیال امپریالیسم، خطر عده در اروپا ص ۳)

بدیهی است اگر سیاست خارجی بورژوازی امپریالیست فرانسه بطور عده مثبت است ناگزیر باید از آن پشتیبانی کرد و هر جا که لازم آید به موفقیت آن یاری رسانید. بدین ترتیب است که پایه همکاری و سازش و مصالحه با بورژوازی فرانسه گذاشته میشود. بیهوده نیست که هومانیته سرخ با حزب U.D.R. و کل برنامه عمل مشترک ترتیب میدهد، بیهوده نیست که از ریسکارد ستن میخواهد خلق را برای دفاع از استقلال مسلح کند.

هومانیته سرخ در جواب به نشریه "کمونیسم" (شماره ۹ صفحه ۱۳) با صراحت می‌نویسد:

"آیا کمونیستهای م.ل. کشورهای امپریالیستی محکوم اند به اینکه تا قدرت بدست



پرولتاریا نیفتاده، هیچ مصالحه‌ای (Compromis) (با بورژوازی خود) نکنند؟  
 هومانیتسرخ در شماره ۲۵۷ مورخ ۲ آوریل ۷۲ ریاسخ به "جبهه" سرخ" مینویسد:  
 "برای آنها (یعنی هواداران جبهه‌سرخ) سخن از سبجهان نیست باین علت که بورژوازیهای  
 انحصاری کشورهای دنیا و برای دفاع از منافع طبقاتی خود و مقابل بپیش‌پیش‌اکنترل و ابرق رت  
 به‌نزد یکی با کشورهای دنیا ی‌سوم کشید شد فاند. بنابراین برای آنها سخن از استفاد از سرمایه  
 انحصاری طلبد و ابرق رت نیست، سخن از جبهه متحد جهانی علی‌این و ابرق رت نیست".  
 روشن است که با برجسته کردن دفاع از استقلال ملی و این که بورژوازی فرانسه با طر استقلال ملی در  
 تضاد با و ابرق رت است. حزب کمونیست هم. ل. م. فرانسه بخود اجازه میدهد نفعها با بورژوازی  
 امپریالیستی سازش و مصالحه کند، بلکه با وی جبهه متحد تشکیل دهد (به‌جمله هم همین را میگفت)  
 بدین ترتیب حزب کمونیست (ملی فرانسه، بورژوازی امپریالیستی فرانسه را اعلام با بورژوازی ملی  
 کشورهای زیرستم امپریالیست ریکارد ی‌میگند ارد، علیرغم این که باعث می‌کوند این واقعیت را نفی کنیم.  
 البته سازش و مصالحه بورژوازی امپریالیستی و تشکیل جبهه متحد با وی و معنی نفی با ریزه طبقاتی و رگر خا  
 مطالبات اقتصادی و اجتماعی آن نیست، چنانکه در مورد بورژوازی ملی کشورهای زیرستم امپریالیست هم  
 نیست، منتها این مبارزه در چارچوبی صورت می‌گیرد و باید صورت گیرد که منافع بورژوازی و طبقه‌نزد  
 وی را نراند، بسوی و ابرق رت شکست و تسلیم و اند ارد، اما این نتیجه هم‌ال‌حال بدست نخواهد  
 آمد چون بنا بر هومانیتسرخ بورژوازی امپریالیستی سرانجام را تسلیم در پیش خواهد گرفت.  
 چنین است نتیجه دیگر ناشی از دفاع از "استقلال ملی" که حزب کمونیست (ل. م.)  
 به آن دست یافته است و چیزی جز سازش طبقاتی نیست.

### "دنیا ی سوم" و بورژوازی امپریالیستی کشورهای اروپای غربی

استقلال ملی در نزد پرولتاریا و بورژوازی امپریالیستی دارای مضمون واحدی نیست.  
 بورژوازی امپریالیستی از آنرو هوادار استقلال ملی است که منافع و مطامع امپریالیستی خود را  
 از دستبرد و ابرق رت حفظ و حراست کند، بتواند بازارهای خود را نگاه دارد، استیلای  
 خود را بر آن مناطق و کشورهای که زیر سلطه و نفوذ وی است همچنان با برجا نگاه دارد.  
 ثروتهای خلقهای دیگر را غارت کند، دسترنج آنها را برباید. سخن کوتاه استقلال ملی در  
 نزد بورژوازی امپریالیست بمعنی حفظ سیاست داخلی و خارجی امپریالیستی است.

استقلال ملی برای پرولتاریا دارای مضمون کاملاً دیگری است. از اینرو حزب پرولتاریا  
 نمیتواند و نباید از استقلال ملی به مضمونی که بورژوازی امپریالیستی از آن در مییابد دفاع کند  
 ولو آنکه در برابر و ابرق رت باشد. چنین دفاعی خصلت انتروناسیونالیستی حزب را در زیر  
 علامت سوال قرار میدهد. چنین دفاعی بمعنی ایستادگی در برابر آزادی خلقها از نوع امپری  
 یالیسم، دفاع از اسارت خلقها و غارت ثروت و دسترنج آنها از جانب امپریالیسم است. هوما  
 سرخ با نگرانی تمام از فرو ریختن مناطق نفوذ فرانسه سخن میراند. "در سابقه بخاطر  
 استیلا جوش آیا فرانسه قادر است برای تقسیم مجد در جهان با شوروی و آمریکا جنگی به راه

اندازد؟ برعکس مناطق نفوذ او فرو میریزد و تنها وسیله برای خروج از این وضع باز هم اروپا است. تنها وسیله برای خروج از گدآم وضع؟ از وضعی که در آن مناطق نفوذ فرانسه فرو میریزد. هومانیته سرخ، با اتحاد اروپا موافق است برای آنکه "مناطق نفوذ فرانسه" فرو نریزد.

حزب کمونیست (م.ل.) فرانسه باتکیه بر وجود دوا بر قدرت و لزوم دفاع از استقلال ملی به دفاع از سیاست غارتگرانه و اسارت آور امپریالیسم های "دنیای دوم" می پردازد. از مقداتی که این حزب می چپند جز چنین نتیجه ای هم نمیتواند بیرون آید.

در واقع اگر بورژوازی امپریالیستی کشورهای اروپا در برابر دوا بر قدرت می ایستند و اگر برای این ایستادگی باید نیرومند باشند و باقی بمانند و چرخهای اقتصادی آنها به بهترین وجهی بگردد، "دنیای سوم" باید بکک این بورژوازی بشتابد و با دادن مواد اولیه لازم و با خرید محصولات صنعتی و کشاورزی وی به قیمت های بازار امپریالیستی یا با هرگونه کک دیگر که از وی ساخته است به تقویت نیروی این بورژوازی - البته بخاطر ایستادگی وی در برابر دوا بر قدرت و حفظ استقلال ملی - بپردازد و وی را از مهلکه به سرور کند. با چنین دیدی است که مسافرت شاه ایران به فرانسه و انعقاد قرارداد ۲۲ میلیارد فرانکی ارزیابی میشود، با همین دید است که قرارداد های فرانسه با کشورهای نفتخیز عربی در ازا "دریافت نفت از یمن" میشود.

۲۲ میلیارد فرانک از درآمد نفت ایران به امپریالیسم فرانسه واگذار میگردد که او را از گرداب بحران برهاند و این درست در زمانی که خلق های ایران از تمام نعم زندگی محروم اند و حتی امکان تهیه قوت لایموت هم برای آنان نیست. حزب کمونیست م.ل. فرانسه به این عنوان که استقلال بورژوازی امپریالیستی فرانسه از دست نرود، برگردنگی، فقر و محرومیت خلق های ایران صده میگذازد. سیاست "مستقل" شاه را می ستاید که گویا مانع از آنست که منطقه نفتخیز خلیج تحت کنترل "این یا آن ابر قدرت" قرار گیرد (مثل اینکه شرکت های نفتی امریکائی نفت منطقه را تحت کنترل خویش ندارند!) "کی به این منطقه بیندیشیم که زیر نظارت این یا آن ابر قدرت قرار گرفته که قانون خود را دیکته میکند. در این صورت مبارز مکشورها سرمایه داری اروپا و ژاپن برای استقلال خود، کشورهایی که بطور حیاتی تابع نفت خاور - میانه اند بکجا خواهد انجامید". برای حفظ و حراست بورژوازی های امپریالیستی کشورهای اروپا و ژاپن منابع نفت منطقه و دیگر ثروتهای "دنیای سوم" باید در اختیار آنها قرار گیرد. کشورهای دنیای سوم باید با کشورهای امپریالیستی اروپا مباحثات کنند تا موضع آنها ضعیف نگردد.

بطور خلاصه کشورهای "دنیای سوم" وظیفه دارند همه وسائل مادی و مالی خود را



نثار کنند تا بورژوازی‌های اروپای غربی از مشکلات برهند و استقلال خود را در برابر و  
 ابرق‌رت حفظ کنند و با اتحاد خود غول تازمای، ابرق‌رت سوسی بی‌آفرینند، جهان دوقطبی  
 را به جهان سه قطبی تبدیل نمایند تا با مبارزه آنها بر سر همونی استقلال و آزادی خلقهای  
 "دنیای سوم"، این "نیروی عده انقلاب" بیشتر و تادی طولانی تر مورد دستبرد واقع شود  
 و این گویا "تسریع" انقلاب پرولتری در سطح جهانی است.  
 در واقع حزب کمونیست م. ل. فرانسه استقلال و آزادی خلقهای دنیای سوم را می‌فروشد  
 برای آنکه اروپای امپریالیستی غربی شکوفان گردد و در برابر ابرق‌رت شوروی ایستادگی  
 کند. حزب کمونیست م. ل. فرانسه بخاطر دفاع از استقلال ملی امپریالیستی انترناسیونالیسم  
 پرولتری را بدست فراموشی می سپارد.

### ابرق‌رت امریکا

هومانیتیه سرخ برآنست که "آماج مرکزی کنونی مبارزه انقلابی در فرانسه مساعی استیلا -  
 جویانه و ابرق‌رت بورژوا سوسیال امپریالیسم روس است که خطر عده در اروپا است."  
 اگر سوسیال امپریالیسم شوروی خطر عده در اروپا است ناگزیر باید آتش مبارزه را بر روی  
 آن متمرکز ساخت، باید نخست سوسیال امپریالیسم شوروی را زبای در آورد، آنکا بمباریا -  
 لیسم امریکا پرداخت. مجله "پرولتاریا" در چگونگی تاکتیک مبارزه چنین مینویسد:  
 "خلقهای اروپا در اتحاد با خلقهای جهان امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم  
 شوروی و سرمایه‌داران انحصاری دیگر را سرنگون خواهند ساخت. این امری محتوم است. اما  
 برای نیل به این هدف لازم است شی تاکتیکی صحیحی اتخاذ کرد، تضادهای میان  
 دشمنان را مورد استفاده قرار داد به دشمنان یکی پس از دیگری حمله برد و در هر لحظه  
 وسیعترین جبهه متحد ممکن را تشکیل داد." از این شی تاکتیکی درست و از این حکم که  
 میان دویزرگترین دشمن خلقهای اروپا دشمن عده سوسیال امپریالیسم روس است، ناگزیر  
 این نتیجه حاصل می‌آید که باید تضادهای میان و ابرق‌رت را مورد استفاده قرار داد. به  
 اتحاد شوروی قبل از امریکا حمله برد و برای نابودی سوسیال امپریالیسم شوروی وسیعترین  
 جبهه متحد ممکن را که امپریالیسم امریکا نیز احیاناً میتواند در آن وارد شود تشکیل داد.  
 در این صورت در مبارزه انقلابی کنونی آماج مرکزی انگونه که هومانیتیه سرخ و برنامه حزب مینویسند  
 و ابرق‌رت نیستند فقط سوسیال امپریالیسم روس است. در واقع هم با آنکه اروپای غربی  
 طیرقم تضاد هایش با امپریالیسم امریکا، در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی تحت نفوذ  
 امریکا است. امپریالیسم امریکا از جانب حزب کمونیست م. ل. فرانسه در پرده قرار میگیرد و  
 حضور او در اروپا و در همان آتلانتیک تلویحا مورد تأیید واقع میشود. در برنامه حزب که شرح

مفصلی درباره اتحاد شوروی و غفلت تجار کارانه و استیلاجویانه آن آمده از امپریالیسم  
امریکا نامی در میان نیست و این امپریالیسم فقط در شکم و ابرق درت گنجانیده شده است.  
بدین ترتیب حزب کمونیست م.ل. فرانسه اگر در همه جا از دوا بر قدرت سخن میراند  
ولی از آنجا که سوسیال امپریالیسم را دشمن عمده می شمارد امپریالیسم امریکا را در برور میگذارد  
و به حضور او در اروپا بارید متائید یا لاق اقل اغراض میگرد و در صورت لزوم آماده است با آن  
"وسیله ترین جبهه متحد ممکن" را علیه شوروی تشکیل دهد.

چنین است در بد حزب کمونیست م.ل. فرانسه و هومانیت سرخ از ابرق درت امریکا.  
مطالب فوق را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- حزب کمونیست م.ل. فرانسه با برجسته کردن وعده کردن دفاع از استقلال ملی،  
مبارزه بخاطر انقلاب سوسیالیستی را رها میکند و آنرا به بعد از پیروزی بر ابرق درتها موکول  
مینماید. "ما مارکسیست - لنینیست ها میگوئیم: خوب است که امپریالیسم فرانسه با دوا برق در  
بمقابله برور از دوا برق درت این امر جبهه متحد جهانی علیه دشمن اصلی، دوا برق درت و بویژه  
سوسیال امپریالیسم را توسعه میدهد" (پرولتاریا ۹ ص ۵۶)
  - ۲- با عده کردن دفاع از استقلال ملی و اینکه بورژوازی امپریالیستی فرانسه بخاطر  
استقلال میزمد و باوی باید علیه سوسیال امپریالیسم شوروی دشمن عمده خلقهای اروپا  
به تشکیل جبهه متحدی دست زد. مبارزه طبقاتی پرولتاریا و دیگر زحمتکشان را در رجا رچوب این  
جبهه متحد در نظر میگیرد چیزی کفناگزیر مبارزه طبقاتی را در رتا سطوح به سازش و مصالحه با  
بورژوازی امپریالیستی می کشاند.
  - ۳- با عده کردن دفاع از استقلال ملی مبارزه خلقهای متحد یده را علیه بورژوازی امپریا-  
لیستی اروپای غربی در رجا رچوب جبهه متحد جهانی علیه سوسیال امپریالیسم روس در نظر میگیرد  
خلقها را به همکاری با این بورژوازی امپریالیستی فرامیخواند، مبارزه خلقها را علیه امپریالیسمها  
اروپای غربی و سگان زنجیری امپریالیسم محکوم میکند (پران) و میگوید مناطق نفوذ این امپریالیسمها  
را توسعه دهد و بدین ترتیب انترناسیونالیسم پرولتاری را بدست فراموشی میرساند.
  - ۴- در میان دوا برق درت امپریالیسم روس را دشمن عمده خلقهای اروپا مینماید و در نتیجه  
امپریالیسم امریکا را که هم اکنون در اروپای غربی در زمینه های اقتصادی، سیاسی و نظامی نفوذ دارد  
در سایه میگذارد و به حضور و نفوذ او در اروپا بدیده رضا میگرد.
- بدینسان میتوان گفت: مشق که حزب کمونیست م.ل. فرانسه دنبال میکند چیزی  
جز اپورتونیسم راست نیست و در صورتیکه این مشق اصلاح نشود حزب غفلت پرولتاری خود را  
از دست خواهد داد.

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم  
مندرج در بخش: (در مورد سیاست خارجی چین)  
اولین سند سازمان توفان در رد "تئوری سه دنیا"

### "اولین سند سازمان توفان در رد "تئوری سه دنیا"

هئیت مرکزی سازمان توفان در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۵ مشی سیاسی حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست فرانسه را آنطور که در برنامه کنگره دوم حزب و مقالات مندرج در "هومانیته سرخ" انعکاس یافته است مورد بحث قرار داد. بنظر هئیت مرکزی چنین می‌نماید که این خط مشی در مجموع با اصول و احکام مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائو نمی‌خواند و تکرار شرمگینانه همان مشی "محافل مارکسیست-لنینیست فرانسه" به رهبری Beaulieu است که خود حزب کمونیست م-ل. فرانسه آنرا بحق و به درستی مشی رویزیونیستی بشمار آورد.

#### انقلاب سوسیالیستی

حزب کمونیست (م.ل.) فرانسه با تکیه بر وجود دو ابرقدرت، امپریالیسم آمریکا و سوسیال‌امپریالیسم شوروی که واقعیتی عینی است، با تکیه بر همکاری و رقابت آنها در صحنه جهان به منظور استیلاجویی و ربودن آزادی و استقلال خلق‌ها و توسعه مناطق نفوذ خود که بازهم واقعیتی عینی است و بالاخره با تکیه بر این که رقابت دو ابرقدرت دیر یا زود به جنگ جهانی خواهد انجامید، وظیفه دفاع از استقلال ملی را آنچنان عمده و برجسته می‌کند که وظیفه انقلاب پرولتاریائی از قلم می‌افتد و یا در برنامه فقط نامی از آن برده می‌شود.

حزب کمونیست (م.ل.) فرانسه برانست که وظیفه انقلاب پرولتاریائی اکنون در دستور روز حزب نیست. "وظیفه مرکزی کنونی انقلاب در فرانسه عبارتست از مبارزه علیه دو ابرقدرت و عمال آنها بخاطر دفاع از استقلال ملی و علیه تسلیم طلبی" (درباره کنگره دوم) و بنابراین مساعی حزب باید از آنجمله در این جهت باشد که:

"- در تمام زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیک و مادی دفاع از استقلال ملی را تا پایان، مقاومت طولانی در برابر هر تجاوزی را، مقاومتی که به انقلاب پرولتاریائی می‌انجامد و به استقرار سوسیالیسم امکان می‌دهد سازمان دهد و رهبری کند". (همانجا)  
البته شرایط وضع انقلابی امروز در فرانسه فراهم نیست و بفرض آنکه چنین شرایطی نیز فراهم آید عامل ذهنی آنچنان نیرومند نیست که بتواند رهبری انقلاب را در دست گیرد و آنرا به پیروزی برساند. ولی این به آن معنی نیست که توجه از انقلاب منعطف گردد و منحصرأ بر روی مسئله دیگری متمرکز شود.

البته سخن بر سر این نیست که استقلال ملی فرانسه در معرض مخاطره سوسیال‌امپریالیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا نیست و نباید بدفاع از آن برخاست، سخن بر سر این نیست که نباید سیاست استیلاجویانه دو ابرقدرت بویژه اتحاد شوروی را افشاء نکرد و توده‌ها را برای مبارزه با آن تجهیز نمود، سخن بر سر این نیست که توده‌ها را برای جنگی که دو ابرقدرت تدارک می‌بینند در کلیه زمینه‌ها آماده نساخت ولی اکنون که استقلال ملی فرانسه هنوز مورد دستبرد قرار نگرفته، استقلال ملی را در مرکز توجه قرار دادن و دفاع از آنرا وظیفه مرکزی انقلاب شمردن و وظیفه تدارک انقلاب پرولتاریائی را منوط به پیروزی در جنگ بخاطر استقلال ملی دانستن، دور افتادن از وظیفه انقلابی حزب طبقه کارگر است

بنظر ما حزب طبقه کارگر ضمن افشاء سیاست استیلاجویی دو ابرقدرت بویژه سوسیال‌امپریالیسم شوروی و تجهیز و بسیج توده‌ها بخاطر مقابله با جنگ و دفاع از استقلال ملی باید طبقه کارگر را در جریان مبارزه طبقاتی در تمام سطوح از زیرنفوذ رویزیونیست‌ها بیرون کشد، رویزیونیسم را منفرد ساخته و درهم کوبد، رهبری مبارزات توده‌ها را در دست گیرد و توده‌ها را به سوی انقلاب سوسیالیستی رهنمون گردد. اگر در جریان انجام این وظایف خواه بر اثر جنگی که دو ابرقدرت براه می‌اندازند یا مداخله یکی از آنها یا هر قدرت خارجی دیگر استقلال ملی مورد دستبرد قرار گرفت آنگاه دفاع از آن وظیفه مرکزی روز، وظیفه عمده خواهد شد. آنگاه با سنجش روش طبقات مختلف در قبال تجاوز خارجی، جبهه مقاومت در برابر تجاوز به وجود خواهد آمد. جبهه ای هر چه وسیع‌تر که بتواند تمام نیروها و عناصری که آماده‌اند بخاطر استقلال ملی با متجاوز خارجی بجنگد دربر گیرد. در چنین شرایطی است که دقیقاً می‌توان روش بورژوازی امپریالیست فرانسه و جناح‌های آنرا در برابر تجاوز دید و روشی متناسب در قبال آن اختیار نمود، در چنین شرایطی است که حزب طبقه کارگر می‌تواند برای ایجاد جبهه و تقویت و توسعه آن تاکتیک‌های مشخص و متناسبی برگزیند.

### سازش و مصالحه با بورژوازی امپریالیستی

وقتی استقلال ملی در مرحله کنونی برجستگی خاصی پیدا می‌کند ناگزیر مسئله نیروهای پیش می‌آید که باید برای دفاع از آن در جبهه واحدی گرد آورد. بورژوازی امپریالیست فرانسه که بخاطر حفظ منافع خود در درون کشور و در جهان با دو ابرقدرت در تضاد است می‌تواند متحدی ولو موقتی و مشروط باشد. در برنامه حزب چنین آمده است.

"در چارچوب مبارزه علیه اقدامات استیلاجویی (هژمونی) دو ابرقدرت، حزب کمونیست (م-ل) فرانسه سیاست سرمایه انحصاری اروپای غربی را کاملاً بحساب می‌آورد که فقط بخاطر دفاع از منافع طبقاتی است که از بیخ و بن با منافع پرولتاریا در تضاد است و در عین حال که می‌کوشد فشار بحران جهانی امپریالیسم را از طریق استثمار و فشار روز افزون بر دوش پرولتاریا و خلق بگذارد. امروز مجبور است در برابر دست اندازی ابرقدرت‌ها به مقاومت برخیزد و به کشورهای دنیای سوم نزدیک شود و در مجموع با این کشورها روابطی براساس تساوی برقرار سازد."

در هومانیت سرخ شماره ۲۳۸ چنین می‌خوانیم:

"در بورژوازی‌های اروپائی اراده استقلال اقتصادی و سیاسی در برابر آمریکا و نگرانی روز افزون در برابر مطالع امپریالیست‌های شوروی وجود دارد. بورژوازی‌های اروپا باید خود را از چنگال وی آزاد سازند، بازار مستقیم خود را در سراسر جهان توسعه دهند و برای اینکار مجبورند با دنیای سوم بر اساس تساوی معامله کنند." (تکیه از ما است)

بدیهی است وقتی در بورژوازی فرانسه "اراده حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی" در قبال دو ابرقدرت وجود دارد و این اراده در عمل هم به ظهور می‌پیوندد باید به آن ارج گذاشت و در مبارزه بخاطر استقلال ملی آنرا بحساب آورد و گر نه اینهمه تکیه بر دفاع از استقلال ملی از جانب بورژوازی امپریالیست که حتی در برنامه حزب نیز از آن سخن به میان آمده است، محلی و موردی پیدا نمی‌کند. بی جهت نیست که هومانیت سرخ سیاست خارجی فرانسه را مثبت ارزیابی می‌کند. "چگونه باید درباره سیاست خارجی فرانسه اندیشید؟ ما گفتیم که جنبه عمده این سیاست در حال حاضر مثبت است. سیاست خارجی هر قدرت امپریالیستی ماهیتاً به استیلاجویی (هژمونی) گرایش دارد. معذالک در این مسابقه بخاطر استیلاجویی گویا فرانسه قادر است برای تقسیم مجدد جهان با شوروی و آمریکا جنگی براه اندازد؟ بر عکس، مناطق او فرومی‌ریزد و تنها وسیله برای خروج از این وضع بازهم اروپا است." (از جزوه سوسیال‌امپریالیسم، خطر عمده در اروپا ص ۷)

بدیهی است اگر سیاست خارجی بورژوازی امپریالیست فرانسه بطور عمده مثبت است ناگزیر باید از آن پشتیبانی کرد و هر جا که لازم آید به موفقیت آن یاری رسانید. بدین ترتیب است که پایه همکاری و سازش و مصالحه با بورژوازی فرانسه گذاشته می‌شود. بی‌هوده نیست که هومانیت سرخ با حزب U.D.R. دوگل برنامه عمل مشترک ترتیب می‌دهد، بی‌هوده نیست که از ژیسکاردستن می‌خواهد خلق را برای دفاع از استقلال مسلح کند.

هومانیت سرخ در جواب به نشریه "کمونیسم" (شمار ۹ صفحه ۱۳) با صراحت می‌نویسد:

"آیا کمونیست‌های م. ل. کشورهای امپریالیستی محکوم اند به اینکه تا قدرت بدست پرولتاریا نیفتاده، هیچ مصالحه‌ای (Compromis)، (با بورژوازی خود) نکنند."

هومانیت سرخ در شماره ۲۵۷ مورخ ۳ آوریل ۷۵ در پاسخ به "جبهه سرخ" می‌نویسد:

"برای آنها (یعنی هواداران جبهه سرخ) سخن از سه جهان نیست به این علت که بورژوازی‌های انحصاری کشورهای دنیای دوم برای دفاع از منافع طبقاتی خود و مقابله بیش از پیش با کنترل دو ابرقدرت به نزدیکی با کشورهای دنیای سوم کشیده شده‌اند. بنابراین (برای آنها) سخن از استفاده از سرمایه انحصاری علیه دو ابرقدرت نیست، سخن از جبهه متحد جهانی علیه این دو ابرقدرت نیست."

روشن است که با برجسته کردن دفاع از استقلال ملی و اینکه بورژوازی فرانسه بخاطر استقلال ملی در تضاد با دو ابرقدرت است، حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه بخود اجازه می‌دهد نه تنها با بورژوازی امپریالیستی سازش و مصالحه کند، بلکه با وی جبهه متحدی تشکیل دهد (Beaulieu هم همین را می‌گفت).

بدین ترتیب حزب کمونیست (م. ل.) فرانسه، بورژوازی امپریالیستی فرانسه را عملاً با بورژوازی ملی کشورهای زیر ستم امپریالیسم در یک ردیف می‌گذارد، علی‌رغم اینکه بعثت می‌کوشد این واقعیت را نفی کند. البته سازش و مصالحه با بورژوازی امپریالیستی و تشکیل جبهه متحد با وی به معنی نفی مبارزه طبقه کارگر بخاطر مطالبات اقتصادی و اجتماعی آن نیست، چنانکه در مورد بورژوازی ملی کشورهای زیر ستم امپریالیسم هم نیست، منتها این مبارزه در چارچوبی صورت می‌گیرد و باید صورت



"نیروی عمده انقلاب" بیش‌تر و تا مدتی طولانی‌تر مورد دستبرد واقع شود و این گویا "تسریع" انقلاب پرولتاری در سطح جهانی است.

در واقع حزب کمونیست م. ل. فرانسه استقلال و آزادی خلق‌های دنیای سوم را می‌فروشد برای آنکه اروپای امپریالیستی غربی شکوفان گردد و در برابر ابرقدرت شوروی ایستادگی کند. حزب کمونیست م- ل. فرانسه بخاطر دفاع از استقلال ملی امپریالیستی انترناسیونالیسم پرولتاری را بدست فراموشی می‌سپارد.

#### ابرقدرت آمریکا

هومانیته سرخ بر آنست که "آماج مرکزی کنونی مبارزه انقلابی در فرانسه مساعی استیلاجویانه دو ابرقدرت بویژه سوسیال‌امپریالیسم روس است که خطر عمده در اروپا است".

اگر سوسیال‌امپریالیسم شوروی خطر عمده در اروپا است ناگزیر باید آتش مبارزه را برروی آن متمرکز ساخت، باید نخست سوسیال‌امپریالیسم شوروی را از پا درآورد، آنگاه به امپریالیسم آمریکا پرداخت. مجله "پرولتاریا" در چگونگی تاکتیک مبارزه چنین می‌نویسد:

"خلق‌های اروپا در اتحاد با خلق‌های جهان امپریالیسم آمریکا و سوسیال‌امپریالیسم شوروی و سرمایه‌داران انحصاری دیگر را سرنگون خواهند ساخت. این امری محتوم است. اما برای نیل به این هدف لازم است مشی تاکتیکی صحیحی اتخاذ کرد، تضادهای میان دشمنان را مورد استفاده قرارداد به دشمنان یکی پس از دیگری حمله برد و در هر لحظه وسیع‌ترین جبهه متحد ممکن را تشکیل داد". از این مشی تاکتیکی درست و از این حکم که میان دو بزرگ‌ترین دشمن خلق‌های اروپا دشمن عمده سوسیال‌امپریالیسم روس است، ناگزیر این نتیجه حاصل می‌آید که باید تضادهای میان دو ابرقدرت را مورد استفاده قرار داد. به اتحاد شوروی قبل از آمریکا حمله برد و برای نابودی سوسیال‌امپریالیسم شوروی وسیع‌ترین جبهه متحد ممکن را که امپریالیسم آمریکا نیز احیاناً می‌تواند در آن وارد شود تشکیل داد. در اینصورت در مبارزه انقلابی کنونی آماج مرکزی آنگونه که هومانیته سرخ و برنامه حزب می‌نمایند دو ابرقدرت نیستند، فقط سوسیال‌امپریالیسم روس است. در واقع هم با آنکه اروپای غربی علی‌رغم تضادهایش با امپریالیسم آمریکا، در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی تحت نفوذ آمریکا است. امپریالیسم آمریکا از جانب حزب کمونیست م. ل. فرانسه در پرده قرار می‌گیرد و حضور او در اروپا و در پیمان آتلانتیک تلویحا مورد تأیید واقع می‌شود. در برنامه حزب که شرح مفصلی در باره اتحاد شوروی و خصلت تجاوزکارانه و استیلاجویانه آن آمده از امپریالیسم آمریکا نامی در میان نیست و این امپریالیسم فقط در شکم دو ابرقدرت گنجانیده شده است.

بدین ترتیب حزب کمونیست م. ل. فرانسه اگر در همه جا از دو ابرقدرت سخن می‌راند ولی از آنجا که سوسیال‌امپریالیسم را دشمن عمده می‌شمارد، امپریالیسم آمریکا را در پرده می‌گذارد و به حضور او در اروپا با دیده تأیید یا لاقل اغماض مینگرد و در صورت لزوم آماده است با آن "وسیع‌ترین جبهه متحد ممکن" را علیه دشوروی تشکیل دهد.

چنین است دید حزب کمونیست م. ل. فرانسه و هومانیته سرخ از ابرقدرت آمریکا.

مطالب فوق را می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱- حزب کمونیست م. ل. فرانسه با برجسته کردن و عمده کردن دفاع از استقلال ملی، مبارزه بخاطر انقلاب سوسیالیستی را رها می‌کند و آنرا به بعد از پیروزی بر ابرقدرت‌ها موکول می‌نماید. "ما مارکسیست-لنینیست‌ها می‌گوئیم: خوب است که امپریالیسم فرانسه با دو ابرقدرت به مقابله پردازد زیرا که این امر جبهه متحد جهانی علیه دشمن اصلی، دو ابرقدرت و بویژه سوسیال‌امپریالیسم را توسعه می‌دهد". (پرولتاریا ۹ ص ۵۶)

۲- با عمده کردن دفاع از استقلال ملی و اینکه بورژوازی امپریالیستی فرانسه بخاطر استقلال می‌رزد و با وی باید علیه سوسیال‌امپریالیسم شوروی دشمن عمده خلق‌های اروپا به تشکیل جبهه متحدی دست زد، مبارزه طبقاتی پرولتاریا و دیگر زحمتکشان را در چارچوب این جبهه متحد در نظر می‌گیرد چیزی که ناگزیر مبارزه طبقاتی را در تمام سطوح به سازش و مصالحه با بورژوازی امپریالیستی می‌کشاند.

۳- با عمده کردن دفاع از استقلال ملی مبارزه خلق‌های ستمدیده را علیه بورژوازی امپریالیستی اروپای غربی و سگان زنجیری امپریالیسم محکوم می‌کند (ایران) و می‌کوشد مناطق نفوذ این امپریالیست‌ها را توسعه دهد و بدین ترتیب انترناسیونالیسم پرولتاری را بدست فراموشی می‌سپارد.

۴- در میان دو ابرقدرت امپریالیسم روس را دشمن عمده خلق‌های اروپا می‌نامد و در نتیجه امپریالیسم آمریکا را که هم اکنون در اروپای غربی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی نفوذ دارد در سایه می‌گذارد و به حضور و نفوذ او در اروپا بدیده رضا مینگرد.

بدین‌سان می‌توان گفت: مشی‌ای که حزب کمونیست م. ل. فرانسه دنبال می‌کند چیزی جز اپورتونیسم راست نیست و در صورتی که این مشی اصلاح نشود حزب خصلت پرولتاری خود را از دست خواهد داد."

\*\*\*\*\*

## سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (در مورد سیاست خارجی چین)

سندی از صورتجلسه نشست هیات مرکزی توفان در تاریخ ۱۹۷۵/۱۱/۰۹

ملینه ۱۵/۱۱/۹  
۱۱۷

رفقار حاضر در جلسه: بهرام، وارز، سز، فرسند، فریرز، کادران

۱- سندی که درباره دوستی رهپیش بنی المللی ۲- ل از طرف  
سازمان تنظیم شده است در نشست رافلسی بجا می‌رسد

باتفاق آراء تصویب شد

۳- هیات مرکزی موافق است که سندی که در برابر رفقار اکبانی و چین  
ارسال شود

باتفاق آراء تصویب شد

۳- قرار شد برابر رفقای چینی نامه‌ای نوشته شود و در طی آن موافق  
سازمان نسبت به شاه و وضع ایران و اثرات سیاست رفقار چینی ترفیع  
دارد شود

باتفاق آراء تصویب شد

رفیق بهرام پیشنهاد می‌کند که بار دیگر به قطعنامه همکاری با سازمانها  
ایندوسین "رای گرفته شود"

باتفاق آراء تصویب شد

۱- طرح گزارش ملی سازمان  
قرار شد گزارش ملی دوباره تنظیم شود

۲- گزارش بنی المللی طرح شد و پس از سؤال در باب باتفاق  
آراء مورد تأیید قرار گرفت



سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در فصل چهاردهم بخش: (در مورد سیاست خارجی چین)

سندی از صورت جلسه نشست هیات مرکزی توفان در تاریخ ۱۹۷۵/۱۱/۰۹

"یکشنبه ۱۹۷۵/۱۱/۹"

رفقای حاضر در جلسه: بهرام، سنجر، خرسند، فریبرز، کامران

۱ - سندی که در باره دو مشی در جنبش بین‌المللی م-ل از طرف سازمان تنظیم شده است در نشریه داخلی به چاپ می‌رسد.  
به اتفاق آراء تصویب شد.

۲ - هیات مرکزی موافق است که سند مذکور را برای رفقای آلبانی و چین ارسال شود.

به اتفاق آراء تصویب شد

۳ - قرار شد برای رفقای چینی نامه‌ای نگاشته شود و در طی آن مواضع سازمان نسبت به شاه و وضع ایران و اثرات سیاست  
رفقای چینی توضیح داده شود.

به اتفاق آراء تصویب شد

رفیق بهرام پیشنهاد می‌کند که باردیگر به قطعنامه "همکاری با سازمان‌های اپوزیسیون" رای گرفته شود.

به اتفاق آراء تصویب شد.

۱ - طرح گزارش مالی سازمان

قرار شد گزارش مالی دوباره تنظیم شود.

۲ - گزارش بین‌المللی مطرح شد و پس از سؤال و بحث به اتفاق آراء مورد تأیید قرار گرفت."

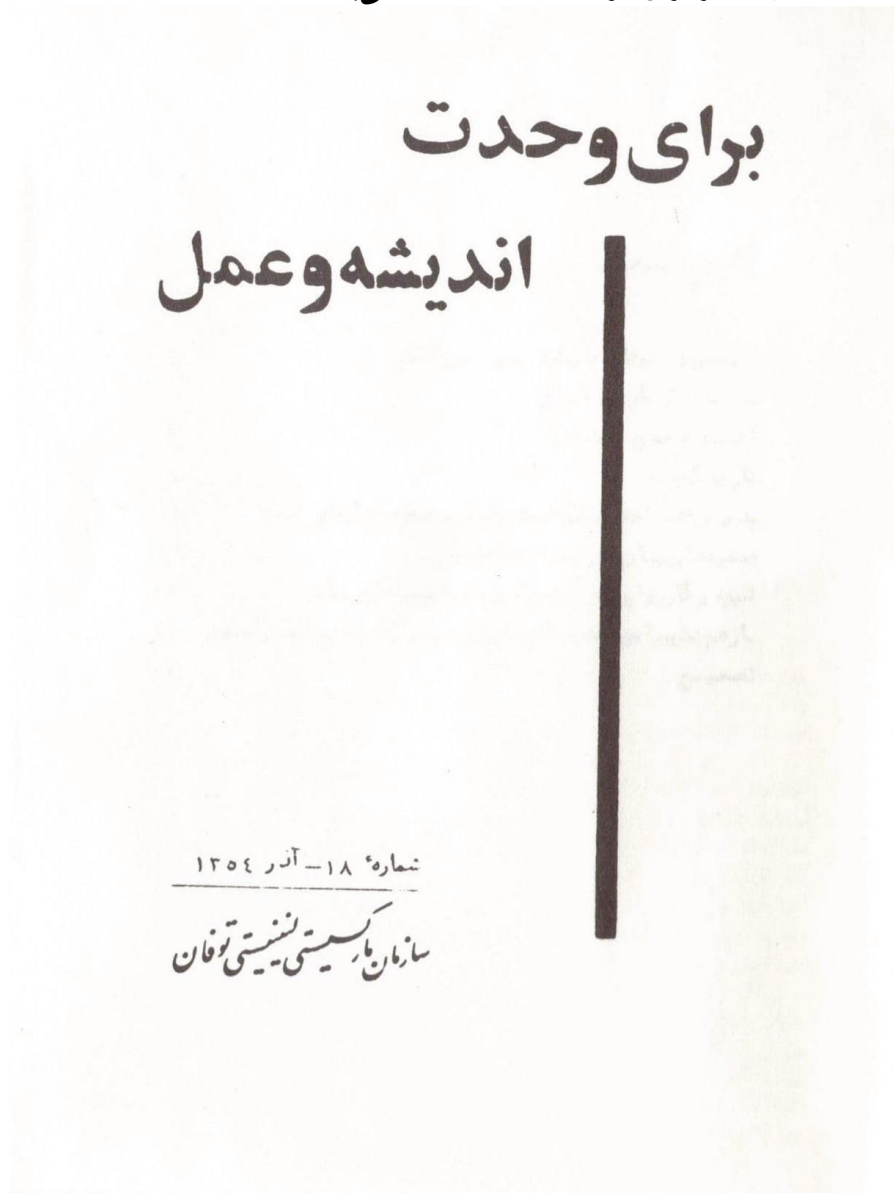
### سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در فصل چهاردهم بخش: (سندی در تحلیل اوضاع جهان و افشاء تئوری "سه دنیا")

نظریه سازمان توفان درباره مشی بین‌المللی

سندی در تحلیل اوضاع جهان و افشاء تئوری "سه دنیا"

سند زیرمصوب نشست هیئت مرکزی در ۱۹۷۵/۰۹/۲۱ می‌باشد



## نظر سازمان توفان دربارهٔ مشی بین‌المللی

چندی است در درون جنبش مارکسیستی - لنینیستی بر سر یک رشته از مسائل جنبش چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی اختلاف نظرهایی پدید آمده است. این اختلافات بر سر مسائل کوچک و بزرگ اهمیت نیست، هر سر صائلی است که با اصول مارکسیسم - لنینیسم و اشتراک‌یونانیسم پیروانری سرگاز دارند، اختلافاتی است که وحدت جنبش مارکسیستی - لنینیستی را متزلزل ساخته و به روزیونیم برای حمله به احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست و پیروزه حمله به دو حزب کمونیست پراگدخار چین و آلمانی دستاویزی بدست داده است.

بنظر ما آنچه که موجب پیدایش مشی جدید در جنبش مارکسیستی - لنینیستی شده بر ارگان زیر استوار است:

- ۱- تقسیم جهان به سه دنیا و جدا کردن دوایر قدرت از امپریالیسم جهانی.
- ۲- قبول سوسیال امپریالیسم شوروی بهانه دشمن عده خلق‌ها و لایا اقل خلقهای اروپا و قریب - الوقوع بودن حمله در اروپا و در نتیجه تجاوز نظامی شوروی.
- ۳- طرح کردن دفاع از استقلال ملی بهانه مسئله عده و قبول این امر که پیروانری امپریالیستی اروپا بخاطر حفظ استقلال ملی در برابر تجاوز خواهد ایستاد.

۱- کسانی به این عنوان که تجاوز نظامی شوروی به اروپای غربی قریب الوقوع است، کار امروز و فردا است موضوع دفاع از استقلال چین را وظیفه عده حزب مارکسیست - لنینیست قرار داده اند و انقلاب سوسیالیستی را به آینده‌های دور به بعد از نابود کردن دوایر قدرت موقت ساختند، بدین ترتیب انقلاب را از دستور کار خود خارج کردند و با روگردانیدن از انقلاب بایه مبارزه طبقاتی راست گردیدند.

۲- به این بهانه که پیروانری امپریالیستی کشورهای اروپای غربی و ژاپن (دشمن دوم) حتی برای حفظ ضایع خود از استقلال ملی دفاع خواهند کرد و در برابر تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی خواهند ایستاد، پیروانری امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن را از صورت آماج اصلی پرولتاریا دور کرده و صورت متحد پرولتاریا را در آوردند. و از آنجا که برای دفاع از استقلال ملی باید وسیعترین جبهه ممکن علیه دشمن خارجی بوجود آید، ساکنین پیروانری امپریالیستی در این جبهه در کنار پرولتاریا قرار گرفت و بصورت متحد پرولتاریا درآمد. آنها پیروانری امپریالیستی اروپای غربی را با پیروانری کشورهای روزیونینستی که بصورت نیمه مستعمره شوروی درآمد و اند و حتی با پیروانری ملی کشورهای تحت ستم امپریالیسم مطایمه کردند و بدینسان اتحاد پرولتاریا و پیروانری امپریالیستی را توجیه نمودند.

۳- با قرار گرفتن پیروانری امپریالیستی در کنار پرولتاریا بعنوان متحد وی در جبهه وسیع علیه تجاوز خارجی، پیروانری امپریالیستی در زمره نیروهای درون خلق در میاید در نتیجه تضاد عده و آشاکونیستی، پیروانری امپریالیستی با پرولتاریا به تعادلی غربی و آشتی پدید میاید میتردد. نتیجه اینکه بر آن مترتب میگردد اینست که مبارزه طبقاتی پرولتاریا و پیروانری ضد و آشاکونیسم خود را از دست میدهد و در چهارچوب مبارزه اقتصادی بخاطر بهبود شرایط کار و زندگی آنها تا آن اندازه که به تضعیف پیروانری امپریالیستی نیانجامد. چون تضعیف این پیروانری ضمنی تضعیف نیروهای مدافع استقلال ملی در برابر دشمن ضماوز خواهد بود.

محدود میباید. مبارزه سیاسی که هدف آن تصرف قدرت سیاسی است از قلم می افتد زیرا که مسئله سرنگونی بورژوازی در دستور کار حزب مارکسیست - لنینیست نیست. بعلاوه روابط پرولتاریا با بورژوازی امپریالیستی فقط بمبارزه محدود نمیکرد و همکاری پرولتاریا و حزب وی را با احزاب و سازمانهای وابسته به طبقه حاکمه در بر میگرفت. دولت بورژوازی امپریالیستی بخاطر جهات " مثبت " فعالیت خود مورد ستایش و پشتیبانی واقع میشود از همه بدتر تقویت و تحکیم ارتش بورژوازی این آلت سرکشی پرولتاریا توصیه میشود.

در اینجا حزب مارکسیست - لنینیست که از انقلاب روی گردانیده اکنون از مبارزه طبقاتی نیز روی میگرداند و ضعیفی سازش با بورژوازی امپریالیستی را در پیش میگیرد.

۴ - برای استنادگی و پیروزی در برابر تجاوز نظامی دشمن نیروی خارجی باید بورژوازی را از بحران رها کند. اهرار لحاظ اقتصادی و نظامی تقویت کرد. در اینجا است که " دنیای سوم " باید به گفت " دنیای دوم " بشتابد. کشورهای " دنیای سوم " که مواد خام و مواد اولیه را اختیار دارند باید آنها را به قیمت ارزان در اختیار بورژوازی امپریالیستی " دنیای دوم " بگذارند، از تحریم مواد اولیه در مقابل این بورژوازی خودداری ورزند، پولهای افسانهای حاصل از درآمد نفت را به بورژوازی امپریالیستی بازگردانند تا به موازنه پرداخت های آنها یاری رساند. " دنیای سوم " باید با بورژوازی امپریالیستی " دنیای دوم " قراردادهای اقتصادی منعقد سازد برای آنکه صنایع " دنیای دوم " از بحران برهد و رشد سریع خود را از سر گیرد. خودداری از " دنیای سوم " که به بدینگونه عمل کند سیاستی مستقل از دوا بر قدرت دارد، طبی است و دوا بر قدرت در مبارزه است ولو آنکه بیک از دوا بر قدرت عمیقاً وابستگی داشته باشد. چنین دولتی در سیاست جهانی نقش مثبت و ارزنده ای بازی میکند و باید از جانب خلق خود و حزب مارکسیست - لنینیست خود مورد تایید و پشتیبانی واقع گردد. هرگونه مبارزه خلق و حزب مارکسیست - لنینیست علیه چنین دولتی، هرگونه مبارزه خلق علیه امپریالیسم اروپای غربی، محاصر آزادی و استقلال، محاطر افشا و جلوگیری از عارت ثروت توسط امپریالیسم محکوم است چون به همزونی سوسیال امپریالیسم یاری میرساند.

در اینجا اتحاد پرولتاریای کشورهای صنعتی اروپا و ژاپن با خلقهای تحت ستم امپریالیسم اروپا و پشتیبانی از مبارزه این خلقها علیه امپریالیسم اروپا یا به عبارت دیگر این تظاهر انترناسیونالیسم پرولتری بدست فراموشی سپرده میشود. آنچه در مرکزید قرار میگیرد صانع بورژوازی امپریالیستی خودی است البته سام دفاع از استقلال ملی، هر سیاستی - از هر مرجعی که منشا میگیرد - در ارتباط با این صانع منجمد میشود و در ارتباط با این منافع مثبت یا منفی، انقلابی یا ارتجاعی ارزیابی میشود. در همین ارتباط است که شاه ایران که یکجا ۲۲ مملواری فرانک در پای امپریالیسم فرانسه صریح مورد مهر و صحبت این مردمان قرار میگیرد و سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان که از این ضعی پیروی میکنند مورد سی صبری آنان واقع میگردد.

و اما در مقابل مساعدت دولتهای " دنیای سوم " بورژوازی امپریالیستی باید با این دنیا بر اساس عدالت و انصاف و تساوی رفتار کند یعنی از امپریالیسم حواسته میشود که از استثمار و ستم و عارت دست بردارد و ماهیت امپریالیستی خود را تغییر دهد. در واقع این مردمان بر آنند که بر اثر وجود دوا بر قدرت ماهیت امپریالیسم اروپا و ژاپن گویا تغییر پذیرفته است و اگر کسی خلاف آن بگوید برخلاف مارکسیسم - لنینیسم سخن گفته است. این یکی از نتایج حدائی دوا بر قدرت از امپریالیسم است که این فکر را برمی انگیزد که امپریالیسم در حال حاضر در دوا بر قدرت خلاصه میشود. بورژوازی اروپای غربی و ژاپن در ماهیت خود با دوا بر قدرت متفاوتند.

البته در اینجا منظور این نیست که واقعیت دوا بر قدرت، نقش آنها در صحنه جهان، هدفهای استراتژیک آنها، ولع آنها برای همزونی بر جهان انگار شود، منظور تکیه بر این امر است که ماهیت بورژوازی امپریالیستی اروپا و ژاپن بمشابه امپریالیسم همان ماهیت دوا بر قدرت است و آنها نمیتوان نادیده گرفت.

۵ - دوا بر قدرت در جایی بعنوان دو دشمن عمده خلق های جهان معرفی میشوند اما در جای دیگر عمده بودن امپریالیسم آمریکا بمشابه دشمن عمده لااقل در مورد خلق های اروپا پس گرفته میشود. با این ترتیب خلق های اسپانیا که در دست تحت سلطه امپریالیسم آمریکا قرار دارند گویا باید امپریالیسم سلط را



رها کنند و به دشمن عده که گویا سوسیال امپریالیسم شوروی است بپردازند. وقتی عده بودن امپریالیسم آمریکا برای خلق های اروپا مطرح نباشد میتوان با این ابر قدرت علیه سوسیال امپریالیسم شوروی مداخلات کرد او را نابوده گرفت و در صورت لزوم در حیطه هرجه مملکت وسیعتر که باید علیه شوروی بوجود آید وارد نمود. ناتو بعنوان پایگاه امپریالیسم آمریکا میتواند بر جای بماند، بروحود ارتش آمریکا در کشورهای اروپا میتوان جنم فروست، پایگاه های هوایی و دریائی آمریکا را در نقاط دور و نزدیک میتوان تخریب کرد. بدین ترتیب شعار "دو ابر قدرت دو دشمن عده" بشنیت اند. که معلوم نیست از کجاست گرفته. هم در شوروی و هم در غرب نادرست از آب در می آید. سوسیال امپریالیسم شوروی در دست این مردمان در واقع وسیله ای برای حفظ منافع آمریکا است چیزی که بورژوازی امریکایی بسیاری از کشورها اروپا (اگر نه همه آنها) و وابستان به امریکا لیس آمریکا در "دنیای سوم" خواهند آمد.

۶- در مورد اتحاد کشورهای امریکایی اروپای غربی، ما پس از بررسی موقف، در اوضاع و احوال کنونی جهان بر آنیم که آموزش نین در این مورد هموز قوت خود باقی است. اتحاد اروپای امریکایی بفرع آنکه چنین اتحادی بتواند صورت وفور بپذیرد اتحادی است ارتجاعی برزبان یولتاریا و همه رحتششان اروپا و جهان از این اتحاد ابر قدرت سوسیال سوسیال خواهد آمد که البته در برابر دوا بر قدرت دیگر خواهد ایستاد اما نه برای آنکه آزادی و استقلال از خلق های "دنیای سوم" را از دستبرد دوا بر قدرت برونه تا من حفظ کند. نه بحاطر آنکه به انقلابات سوسیالیستی و رشد سوسیالیسم امثال رشد دهند بلکه ابر قدرت سوسیال است که بدنیال هدفهای استراتژیک دوا بر قدرت دیگر خواهد رفت و خود داعیه همزمنی بر جهان را در سر خواهد پیروند با دوا بر قدرت دیگر برای سرکوبی نیروهای انقلابی عظمی خواهد کرد و در عین حال با آن دو بر قاتل بر خواهد حاست برای آنکه در غارت جهان سهم بیشتری داشته باشد، ضایع شود وسیعتری در اختیار گیرد. برهالتاریا و حلقهای جهان در آموخ برای مبارزه بحاطر آزادی و استقلال بجای دوا بر با سوسیال رویو خواهند بود و معطفا و خود ابر قدرت سوم مشکلی خلق ها را نخواهد کشود و مشک آنها را روچند ان خواهد کرد.

۷- اگر بحوا هم صریح سخن گفته باشیم باید بگوئیم که ما با رویزونیسم نو سروکار داریم. رویزونیستی که دفاع از منافع بورژوازی امریکایی آمریکا و اروپای غربی و ارتجاع جهانی وابسته به آنها را در دستبرد سوسیال امپریالیسم شوروی بر عهده گرفته است. اگر رویزونیست های حروچجفی مقاصد حد افندی و اسار آور خود را در لاف فاهی نشانند و عطا بدفاع از بورژوازی خودی بر نمیخیزند رویزونیسم حد بد دفاع از بورژوازی امریکایی را صریح و بی پرده و باکساحی بر عهده گرفته است و عستر آنکه آنها هم ضاع مارکسیسم - لنینیسم با منطاباند.

اینست نظریات مارکس و لنینیسم اساسی مربوط به منی جدید در جنبش مارکسیستی - لنینیستی. این منی هم اکنون به جنبش مارکسیستی - لنینیستی زبان بسیاری رسانیده است و مارمان ما هم از اینس زبان بی عیب نموده است.

خدا را وصفه همه احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست است که برای اصلاح این منی نادرست بکوشند با احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست دوباره وحدت خود را باز یابند.

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

نوامبر ۱۹۷۵



سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در فصل چهاردهم بخش: (سندی در تحلیل اوضاع جهان و افشاء تئوری "سه دنیا")

سند زیر مصوب نشست هیئت مرکزی در ۱۹۷۵/۰۹/۲۱ می باشد.

نشریه داخلی: "برای وحدت اندیشه و عمل"، شماره ۱۸- آذر ۱۳۵۴، سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

### "نظریه سازمان توفان درباره مشی بین المللی"

چندی است در درون جنبش مارکسیستی- لنینیستی بر سر یک رشته از مسائل جنبش چه در سطح ملی و چه در مقیاس بین المللی اختلاف نظرهایی پدید آمده است. این اختلافات بر سر مسائل کوچک و بی اهمیت نیست. بر سر مسائلی است که با اصول مارکسیسم- لنینیسم و اترناسیونالیسم پرولتری سر و کار دارند. اختلافاتی است که وحدت جنبش مارکسیستی- لنینیستی را متزلزل ساخته و به رویزیونیسم برای حمله به احزاب و سازمان های مارکسیست- لنینیست و به ویژه حمله به دو حزب کمونیست پر افتخار چین و آلبانی دستاویزی به دست داده است.

به نظر ما آنچه که موجب پیدایش این مشی جدید در جنبش مارکسیستی- لنینیستی شده بر ارکان زیر استوار است:

۱ - تقسیم جهان به سه دنیا و جدا کردن دو ابرقدرت از امپریالیسم جهانی.

۲ - قبول سوسیالیسم امپریالیسم شوروی به مثابه دشمن عمده خلق ها و یا لاقال خلق های اروپا و قریب الوقوع بودن جنگ در اروپا و در نتیجه تجاوز نظامی شوروی.

۳ - مطرح کردن دفاع از استقلال ملی به مثابه مسئله عمده و قبول این امر که بورژوازی امپریالیستی اروپا بخاطر حفظ استقلال ملی در برابر تجاوز خواهد ایستاد.

۱ - کسانی که به این عنوان که تجاوز نظامی شوروی به اروپای غربی قریب الوقوع است، کار امروز و فردا است، موضوع دفاع از استقلال میهن را وظیفه عمده حزب مارکسیست- لنینیست قرار داده اند و انقلاب سوسیالیستی را به آینده ای دور، به بعد از نابود کردن دو ابرقدرت موکول ساختند، بدین ترتیب انقلاب را از دستور کار خود خارج کردند و با روی گردانیدن از انقلاب پایه مبارزه طبقاتی را سست کردند.

۲ - به این بهانه که بورژوازی امپریالیستی کشورهای اروپای غربی و ژاپن (دنایای دوم) حتی برای حفظ منافع خود از استقلال ملی دفاع خواهند کرد و در برابر تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی خواهند ایستاد، بورژوازی امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن را از صورت آماج اصلی پرولتاریا دور کرده و به صورت متحد پرولتاریا در آوردند. از آنجا که برای دفاع از استقلال ملی باید وسیع ترین جبهه ممکن علیه دشمن خارجی به وجود آید ناگزیر بورژوازی امپریالیستی در این جبهه در کنار پرولتاریا قرار گرفت و به صورت متحد پرولتاریا در آمد. آنها بورژوازی امپریالیستی اروپای غربی را با بورژوازی کشورهای رویزیونیستی که به صورت نیمه مستعمره شوروی در آمده اند و حتی با بورژوازی ملی کشورهای تحت ستم امپریالیسم مقایسه کردند و بدینسان اتحاد پرولتاریا و بورژوازی امپریالیستی را توجیه نمودند.

۳ - با قرار گرفتن بورژوازی امپریالیستی در کنار پرولتاریا به عنوان متحد وی در جبهه وسیع علیه تجاوز خارجی، بورژوازی امپریالیستی در زمره نیروهای درون خلق در می آید. در نتیجه تضاد عمده و آنتاگونیستی بورژوازی امپریالیستی با پرولتاریا به تضادی فرعی و آشتی پذیر تبدیل می گردد. نتیجه ای که بر آن مترتب می گردد این است که مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی حذف و آنتاگونیسم خود را از دست می دهد و در چهارچوب مبارزه اقتصادی بخاطر بهبود شرایط کار و زندگی آن هم تا آن اندازه که به تضعیف بورژوازی امپریالیستی نیانجامد - چون تضعیف این بورژوازی به معنی تضعیف نیروهای مدافع استقلال ملی در برابر دشمن متجاوز خواهد بود - محدود می ماند. مبارزه سیاسی که هدف آن تصرف قدرت سیاسی است از قلم می افتد، زیرا که مسئله سرنگونی بورژوازی در دستور کار حزب مارکسیست- لنینیست نیست. به علاوه روابط پرولتاریا با بورژوازی امپریالیستی فقط به مبارزه محدود نمی گردد و همکاری پرولتاریا و حزب وی را با احزاب و سازمان های وابسته به طبقه حاکمه در بر می گیرد، دولت بورژوازی امپریالیستی بخاطر جهات "مثبت" فعالیت خود مورد ستایش و پشتیبانی واقع می شود از همه بدتر تقویت و تحکیم ارتش بورژوازی این آلت سرکوبی پرولتاریا توصیه می شود.

در اینجا حزب مارکسیست-لنینیست که از انقلاب روی گردانیده اکنون از مبارزه طبقاتی نیز روی می‌گرداند و مشی سازش با بورژوازی امپریالیستی را در پیش می‌گیرد.

۴- برای ایستادگی و پیروزی در برابر تجاوز نظامی دشمن نیرومند خارجی باید بورژوازی را از بحران رهانید. او را از لحاظ اقتصادی و نظامی تقویت کرد. در اینجا است که "دنیای سوم" باید به کمک "دنیای دوم" بشتابد. کشورهای "دنیای سوم" که مواد خام و مواد اولیه در اختیار دارند باید آنها را به قیمت ارزان در اختیار بورژوازی امپریالیستی "دنیای دوم" بگذارند، از تحریم مواد اولیه در قبال این بورژوازی خودداری ورزند، پول‌های افسانه‌ای حاصل از درآمد نفت را به بورژوازی امپریالیستی بازگردانند تا به موازنه‌پرداخت‌های آنها یاری رسانند. "دنیای سوم" باید با بورژوازی امپریالیستی "دنیای دوم" قراردادهای اقتصادی منعقد سازد برای آن که صنایع "دنیای دوم" از بحران برهد و رشد سریع خود را از سر گیرد. هر دولتی از "دنیای سوم" که بدین گونه عمل کند، سیاستی مستقل از دو ابرقدرت دارد، ملی است و با دو ابرقدرت در مبارزه است ولو آن که به یکی از دو ابرقدرت وابستگی داشته باشد. چنین دولتی در سیاست جهان نقش مثبت و ارزنده‌ای بازی می‌کند و باید از جانب خلق خود و حزب مارکسیست-لنینیست خود مورد تایید و پشتیبانی واقع گردد. هرگونه مبارزه خلق و حزب مارکسیست-لنینیست علیه چنین دولتی، هرگونه مبارزه خلق علیه امپریالیسم اروپای غربی بخاطر آزادی و استقلال، بخاطر اقیانوس و جلوگیری از غارت ثروت توسط امپریالیسم محکوم است چون به هژمونی سوسیال‌امپریالیسم یاری می‌رساند.

در اینجا اتحاد پروتاریای کشورهای صنعتی اروپا و ژاپن با خلق‌های تحت ستم امپریالیسم اروپا و پشتیبانی از مبارزه این خلق‌ها علیه امپریالیسم اروپا یا به عبارت دیگر این تظاهر انترناسیونالیسم پرولتری به دست فراموشی سپرده می‌شود. آنچه در مرکز دید قرار می‌گیرد منافع بورژوازی امپریالیستی خودی است البته به نام دفاع از استقلال ملی و هر سیاستی - از هر مرجعی که متشابه بگیرد - در ارتباط با این منافع سنجیده می‌شود و در ارتباط با این منافع مثبت یا منفی، انقلابی یا ارتجاعی ارزیابی می‌شود. در همین ارتباط است که شاه ایران که یک‌جا ۲۲ میلیارد فرانک در پای امپریالیسم فرانسه می‌ریزد مورد مهر و محبت این مردمان قرار می‌گیرد و سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان که از این مشی پیروی نمی‌کند، مورد بی‌مهری آنان واقع می‌گردد.

و اما در قبال مساعدت دولت‌های "دنیای سوم" بورژوازی امپریالیستی باید با این دنیا بر اساس عدالت و انصاف و تساوی رفتار کند، یعنی از امپریالیسم خواسته می‌شود که از استثمار و ستم و غارت دست بردارد و ماهیت امپریالیستی خود را تغییر دهد. در واقع این مردمان بر آنند که بر اثر وجود دو ابرقدرت ماهیت امپریالیسم اروپا و ژاپن گویا تغییر پذیرفته است و اگر کسی خلاف آن بگوید بر خلاف مارکسیسم-لنینیسم سخن گفته است. این یکی از نتایج جدایی دو ابرقدرت از امپریالیسم است که این فکر را بر می‌انگیزد که امپریالیسم در حال حاضر در دو ابرقدرت خلاصه می‌شود. بورژوازی اروپای غربی و ژاپن در ماهیت خود با دو ابرقدرت متفاوتند.

البته در اینجا منظور این نیست که واقعیت دو ابرقدرت، نقش آنها در صحنه جهان، هدف‌های استراتژیک آنها، ولع آنها برای هژمونی بر جهان انکار شود، منظور تکیه بر این امر است که ماهیت بورژوازی امپریالیستی اروپا و ژاپن به مثابه امپریالیسم همان ماهیت دو ابرقدرت است و آن را نمی‌توان نادیده گرفت.

۵- دو ابرقدرت در جایی به عنوان دو دشمن عمده خلق‌های جهان معرفی می‌شوند، اما در جای دیگر عمده بودن امپریالیسم آمریکا به مثابه دشمن عمده لاقابل در مورد خلق‌های اروپا پس گرفته می‌شود. با این ترتیب خلق‌های اسپانیا که درست تحت سلطه امپریالیسم آمریکا قرار دارند گویا باید امپریالیسم مسلط را رها کنند و به دشمن عمده که گویا سوسیال‌امپریالیسم شوروی است بپردازند. وقتی عمده بودن امپریالیسم آمریکا برای خلق‌های اروپا مطرح نباشد، می‌توان با این ابرقدرت علیه سوسیال‌امپریالیسم شوروی مداخلات کرد، او را نادیده گرفت و در صورت لزوم در جبهه هرچه ممکن وسیع‌تر که باید علیه شوروی بوجود آید وارد نمود، ناتو به عنوان پایگاه‌های هوایی و دریایی آمریکا می‌تواند برجای بماند. به وجود ارتش آمریکا در کشورهای اروپا می‌توان چشم فرو بست، پایگاه‌های هوایی و دریایی آمریکا را در نقاط دور و نزدیک می‌توان تحمل کرد. بدین ترتیب شعار "دو ابرقدرت دو دشمن عمده بشریت‌اند" که معلوم نیست از کجا متشابه گرفته، هم در تئوری و هم در عمل نادرست از آب در می‌آید. سوسیال‌امپریالیسم شوروی در دست این مردمان در واقع وسیله‌ای برای حفظ سلطه آمریکا است چیزی که بورژوازی امپریالیستی بسیار از کشورها اروپا (اگر نه همه آنها) و وابستگان به امپریالیسم آمریکا در "دنیای سوم" خواهان آنند.

۶ - در مورد اتحاد کشورهای امپریالیستی اروپای غربی، ما پس از بررسی موضوع در اوضاع و احوال کنونی جهان برآنیم که آموزش لنین در این مورد هنوز به قوت خود باقی است. اتحاد اروپای امپریالیستی به فرض آن که چنین اتحادی بتواند صورت وقوع پذیرد، اتحادی است ارتجاعی به زیان پرولتاریا و همه زحمتکشان اروپا و جهان. از این اتحاد ابرقدرت سومی بیرون خواهد آمد که البته در برابر دو ابرقدرت دیگر خواهد ایستاد اما نه برای آنکه آزادی و استقلال خلق‌های "دنیای سوم" را از دستبرد دو ابرقدرت دیرینه تأمین و حفظ کند، نه بخاطر آنکه به انقلابات سوسیالیستی و رشد سوسیالیسم امکان رشد دهد، بلکه ابرقدرت سومی است که به دنبال هدف‌های استراتژیک دو ابرقدرت دیگر خواهد رفت و خود داعیه هژمونی بر جهان را در سر خواهد پروراند، با دو ابرقدرت دیگر برای سرکوبی نیروهای انقلابی همکاری خواهد کرد و در عین حال با آن دو به رقابت برخواهد خاست برای آنکه در غارت جهان سهم بیش‌تری داشته باشد، مناطق نفوذ وسیع‌تری در اختیار گیرد. پرولتاریا و خلق‌های جهان در آن روز برای مبارزه بخاطر آزادی و استقلال به جای دو غول با سه غول روبرو خواهند بود و محققا وجود ابرقدرت سوم مشکل خلق‌ها را نخواهد گشود و مشکل آنها را دوچندان خواهد کرد.

۷ - اگر بخواهیم صریح سخن گفته باشیم باید بگوئیم که ما با رویزیونیسم نوئی سروکار داریم. رویزیونیسمی که دفاع از منافع بورژوازی امپریالیستی امریکا و اروپای غربی و ارتجاع جهانی وابسته به آنها را از دستبرد سوسیال‌امپریالیسم شوروی برعهده گرفته است. اگر رویزیونیست‌های خروشچفی مقاصد ضد انقلابی اسارت آور خود را در لفافه می‌پوشانند و علنا به دفاع از بورژوازی خودی بر نمی‌خیزند، رویزیونیسم جدید، دفاع از بورژوازی امپریالیستی را صریح و بی‌پرده و با گستاخی برعهده گرفته است و عجیب‌تر اینکه آن را هم به مثابه مارکسیسم - لنینیسم ناب می‌نمایاند.

این است نظریات ما در مورد پاره ای مسائل اساسی مربوط به مشی جدید در جنبش مارکسیستی - لنینیستی. این مشی هم اکنون به جنبش مارکسیستی - لنینیستی زیان بسیاری رسانیده است و سازمان ما هم از این زیان بی‌نصیب نمانده است. بنظر ما وظیفه همه احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست است که برای اصلاح این مشی نادرست بکوشند تا احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست دوباره وحدت خود را بازیابند.

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

نوامبر ۱۹۷۵"

## سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تئوری رویزونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان)

گزارش مذاکرات میان نمایندگان هیات مرکزی توفان، رفقا دکتر غلامحسین فروتن و فریدون منتقمی با رفیق سیامک زعیم از اتحادیه کمونیست‌های ایران

۷۱

در تاریخ دوشنبه ۱۷/۳/۷۵ <sup>سیاه</sup> با <sup>خاک</sup> غاس گرفته شد و در مورد کنفدراسیون بحث شد. نظر او بر این بود که اساس اختلاف بین ما و صیه یمن است و ما باید آنها را حل کنیم. نظر او باید برداشت در کار کنفدراسیون تکیه نمود بر سر آن وقت وجود آورد. که از نظر یمن با ما نیز مورد بررسی آید.

در مورد ارزیابی دست برخی افراد برادر بحث شد. بنظر برخی میباید که کنستار ایران بر علیه جمعیت اکثر، هوادار صیه و برخی شرایط دیگری که با صیت رژیم ایران را از برعلات سترال قرار داده اند موضعگیری نمود. در حقیقت بود که هوادار صیه و سایر سازندگان تقویات اخوانی در ضمیمه م - لام هستند. این سازندگان برخی از این جنبش اند و نه تمام آن. لذا ای جهت تمام غرب بر خود نهاده اند و بر خود ما به آنها بر فرد به جنبش م - لاسی است که در آن اخلاف اساسی وجود آمده است. اینکه غرب کنیت جنبی آنها را به صیت میانه برابر با صیت ما آنها را بر صیت نمی شناسیم. سازان زمان هم در زمانیکه سازان انقلابی را قبول نداشتند در عین اینکه سازان انقلابی از خوف رفقا و برخی بر صیت شرافت میانه بآن حمله کرد. لذا می شود در زمانیکه جنبش مرکز و واحد کنیستی در سطح جهانی نیست بلکه محاذات صیه و جمعیتها بر آنکه م - لاسی هستند و با هم سازنده و این صفحه دوران **کونی** میباش

م - لاسی است در مقابل این سازندگان سکوت اختیار کرد.

در مقابل سترال که تفاوت موضع هوادار صیه و یا همو بر توده ایرانی



۷۳  
 ۱۷  
 بهجت عتقہ برد: کہ چینی در سطح یک کشتی عمل میکنند و کما اگر روزی  
 حمید بر تردها بر چینی و در کشتیهای ایران تعیین تکلیف  
 کرد کہ مثلاً ثابت و همکار کنند یا طلافکار را شناخته یا علیه چینی  
 موضع بگیریم همانگونه کہ توفان در مورد سفر اشرف گرفت  
 در مورد توفان آنها در باره سینه سازان کہ تقدم سازان انقلابیون  
 شمرده شد بود بهجت کردم و در پیسیم چه نسبت بمان باسخ  
 تلفتہ اند: اظهار کردند کہ بعثت گرفتار باس داخلی قادر نیستند  
 کہ ضلالت به ان باسخ دهند



سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تئوری رویزیونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان)

"در تاریخ دوشنبه ۷۵/۳/۱۷ با سیاه تماس گرفته شد و در مورد کنفدراسیون بحث شد. نظر او بر این بود که اساس اختلافات بین ما و جبهه ملی است و ما باید آنها را حل نمائیم. بنظر او باید بر دستاوردهای کنفدراسیون تکیه نمود و بر سر آن وحدت بوجود آورد. لذا نظریه سازمان ما نیز مورد پذیرش او بود.

در مورد ارزیابی نادرست برخی احزاب برادر بحث شد (منظور احزابی نظیر "هومانیته روژ" که از خط مشی چین دفاع می‌کردند - توفان) به نظر او (سیامک زعیم - توفان) می‌باید کمونیست‌های ایران برعلیه "جمعیت اکبر" (تشکیلی در آمریکا نظیر "هومانیته روژ" در فرانسه به نام "اکبر لیگ" - توفان)، "هومانیته سرخ" و برخی نشریات دیگری که ماهیت رژیم ایران را زیر علامت سؤال قرار داده‌اند، موضع‌گیری نمود. او معتقد بود که "هومانیته روژ" و سایر سازمان‌ها نظریات انحرافی در جنبش م - ل هستند. این سازمان‌ها برخی از این جنبش‌اند و نه تمام آن، لذا بی‌جهت نام حزب بر خود نهاده‌اند و برخورد ما به آنها برخورد به جنبش م - لامی است، که در آن انحراف اساسی بوجود آمده است. اینکه حزب کمونیست چین آنها را برسمیت می‌شناسد برای ما مهم نیست، ما آنها را به رسمیت نمی‌شناسیم. سازمان توفان هم در زمانی که "سازمان انقلابی" را قبول نداشت در عین اینکه "سازمان انقلابی" از طرف رفقای چینی به رسمیت شناخته می‌شد به آن حمله کرد. لذا نمی‌شود در زمانی که جنبش متمرکز واحد کمونیستی در سطح جهانی نیست، بلکه سازمان‌ها، جنبش‌ها و جمعیت‌های پراکنده م - لامی هستند و با هم مبارزه می‌کنند و این مشخصه دوران کنونی جنبش م - لامی است در مقابل این سازمان‌ها سکوت اختیار کرد.

در مقابل سؤال ما که تفاوت موضع هومانیته سرخ با جمهوری توده ای چین چه هست، معتقد بود: که چین در سطح یک کشور عمل می‌کند ولی اگر روزی جمهوری توده‌ای چین برای کمونیست‌های ایران تعیین تکلیف کرد که مثلاً با شاه همکاری کنید یا فلان کار را بنمائید ما علیه چین موضع می‌گیریم همانگونه که توفان در مورد سفر اشرف (موضع) گرفت."

در مورد نظر آنها در باره سند سازمان که تقدیم سازمان انقلابیون کمونیست شده بود صحبت کردیم و پرسیدیم بچه مناسبیت به آن پاسخ نگفته اند. اظهار کردند که بعلت گرفتاری‌های داخلی قادر نیستند که فعلاً بدان پاسخ دهند."

## سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تئوری رویزیونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان)

جلسه مشترک بین دونفر از سران جبهه ملی، کامبیز روستا، فرامرز بیانی و دونفر از سران کادرها، مهدی تهرانی و جابر و دونفر از اعضای هیات مرکزی سازمان ما رفیق بهرام و رفیق کامران

۶۷  
۱۸  
در تاریخ ۷۵/۳/۲۵ جلسه مشترک بین دونفر از سران جبهه ملی کامبیز روستا  
فرامرز بیانی و دونفر از سران کادرها مهدی تهرانی و جابر و دونفر از اعضا  
هیات مرکزی سازمان ما رفیق بهرام و رفیق کامران برگزار شد.  
در مورد دستاورد این کنفدراسیون بحث شد.  
۱- مشور کنفدراسیون، سازمانی با تفویضات را در این باره گفت بی‌شک  
تأسیس کرد که چرا جبهه ملی تفویض را در مورد مشور تغییر داده است. جبهه ملی  
مدعی شده بخاطر جلوگیری از سوءاستفاده و اغراض کنفدراسیون جهت همکاری  
با رژیم با این شعار موافقت کرده است و همان رژیم که شخصاً همه امکار  
سوءاستفاده باز است باز آنرا تشویق خواهد کرد.  
با وضع خود را که کنفدراسیون سازمانی بوده است و نمیتواند فواید  
سرگونی رژیم شاه باشد تو ضیح دادیم و گفتیم که این شعار خونی است که  
در این جهت گام بر میدارد. اگر شعار از این تبلیغ علیه شاه است  
و تبلیغ سرگونی است آنگاه باید کلماتی را به خود را بیان  
کند. چون ما خود را سرگونی ندانیم که در مقام هستیم معصوم یا تبلیغ سرگونی  
رژیم محمد رضا شاه را میکنیم نیست.  
۲- در مورد شوروی بحث شد و نقطه نظر دو باره موسیال ابیرا لیس  
گفته شد. ولی در کنفدراسیون بر سر آنکه شوروی بطور مشخص  
بر خود رشود توافق نظر بود. ما دشمن کردیم که سازمان ما با اعتماد  
باینکه موسیال ابیرا لیس هم ابیرا لیس است بر اثر عامه فهم کردن این  
شعار بر اثر تفهیم موسیال ابیرا لیس بر اثر توده که بدین رفته شدن از



۹۸

این اصطلاح

ما روزه خواهر کردی مرکز هدفش آن نیست که ~~را~~ امروز در سوره  
کشفه را سرک قرار دهد. ما با آوردن آن مخالف بوده ایم اگر چه  
باعث تفاق در کنفدراسیون است مخالفیم ولی در آئینه ای در  
باز دیگر مورد توافق بعضی شکسته در کنفدراسیون باشد مخالفی  
ما آوردن آن نداریم.

۳- در مورد ضلش ظفار اعتقاد بر این بود که باید از این جنبش  
دفاع نمود. شرط دفاع از آن نباید شدن سوسیال ابریکسم باشد  
بلکه ما باید مصالح خلق ظفار را در مبارزه علیه دشمنانش در نظر  
گیریم. نه آپریشن از آنها برابر ما در درجه اول اهمیت است  
در آنکه چهار ظفار البته که ما معتقدیم برابر سازمانها را دیگر  
تبعین تکلیف کنیم. اگر مبارزه در ظاهر است مشترک را ما خود  
ضلش ظفار تعداد کمی هستیم باید در چارچوب خواست خلق  
ظفار باشیم البته این بدان معنی نیست که سازمانها را دیگر  
حق تبلیغ تفریات سیاسی خود را در مورد سوری ندارند.  
آنها مستدانه در ~~استاد~~ خود در این زمینه موضع بگیرند.

۴- باید مبارزه ما مخصوص در شرایط فعلی علیه رژیم شاه باشد  
نمود و نه اینکه مبارزه مشترک علیه رژیم شاه بخاطر ضلش  
ظفار دیده شود.

۵- در مورد گستره مرکزی صحبت شده آنها بر سر اینکه باید از  
حکومت خود دفاع نمود اینها کسی میگردند و کسی در مورد فرزند خلق



۹۹

خیزش را بر کف قیامت نهاده اند. تکلیف آنها بر این بود که حتی بر فقار عالم بادعای  
از حکمت خود موافق بوده اند ولی بعد از دامن سازش آن انقلابی افتاده اند  
در حالیکه خورشید سازش انقلابی شده و هلمز را پس گرفت و دیگر بر آن  
تکلیف نداشتند. آنها معتقد بودند که در مجرای بعدی مسئله از روی حکمت خود  
عصودت او در مسئله مرکزی و پس حمله به کسبه مرکزی کشیده شد و این آخر  
بود که در کنفدراسیون آلمان برابر اولین بار اظهار شده بود و بر فقار جهان  
در مقابل آن حکومت کرده بودند. با درهای جامع اعلام کردیم که اگر استقامت  
ما در مورد عدم حمله به کسبه مرکزی و اوردن دست می پذیریم  
صبر ملی پس اعلام کرد که ما کسبه مرکزی را بازه خواهد کرد و خرد برود  
بودن آنها مفهوم خلقی بودن آن نیست زیرا ما معتقد نیستیم که همه  
خود برود و از این خلقی است. جنبشی از خود برود و از این جنبه  
خلق بریده است

۶- در مورد هر یک از نظرات این بر این بود که ما از سازش خلق ایران  
دفاع میکنیم. این جنبش کنفدراسیون است و نه از جنبش آنها. ما از روحانیون  
دفاع کرده ایم. از یالیزاد دفاع کرده ایم. یادداشتها از زن این ادین  
را چه کرده ایم و غیره. این نشان داد که دفاع کنفدراسیون از همه نیروهاست  
ولی سازشات خلق با امروز بیشتر در این قالب بتکرار یافته و لذا گاهی  
بگردن ما نیست. در مقابل سؤال که اگر جنبش م-ل در ایران اوج  
بگیرد چه میکنید گفتند که اعلام جنبش را چاپ خواهند کرد. ما پس طرح  
کردیم که کنفدراسیون گوئی برنامه و جنبش خاصی ندارد و در میان حکومت

۷۰  
 اسلامی، اگر در زمان معینی چوبکی و سیل طوفان ۲-۱ است  
 و این از سردرگمی کنفدراسیون حکایت میکند. در این زمینه چوبکی  
 به راز آگهی قرار شده در دفعه دیگر از این بحث کنیم  
 سپس پیشنهاد شده که در دفعه آینده هر کس تظریات خود را کتباً  
 بفرستد و طلب مشترک دوباره برابر بحث کنند داریم  
 در روز ۱۵ ماه آوایل دوباره با آنها تماس گرفته شد. ما برنامه عملی  
 خود را برابر همین آگهیها داریم و در روز دیران موقت به هم اظهار  
 نظر می‌نماییم. جبهه ملی نیز اظهار نظر خود و قرار شده ملاقات دیگر در  
 ۲۳ آوایل صورت گیرد.



سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تئوری رویزونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان)

"در تاریخ ۷۵/۳/۲۵ جلسه مشترکی بین دونفر از سران جبهه ملی، کامییز روستا، فرامرز بیانی و دونفر از سران کادرها، مهدی تهرانی و جابر و دونفر از اعضای هیات مرکزی سازمان ما رفیق بهرام و رفیق کامران برگزار شد. در مورد دستاوردهای کنفدراسیون بحث شد.

۱ - منشور کنفدراسیون، سازمان ما نظریاتش را در این باره گفت و اظهار تأسف کرد که چرا جبهه ملی نظرش را در مورد منشور تغییر داده است. جبهه ملی مدعی شد بخاطر جلوگیری از سوءاستفاده و انحراف کنفدراسیون بسمت همکاری با رژیم با این شعار موافقت کرده است و هر آن دیگر هم که تشخیص دهد امکان سوءاستفاده باز است باز آنرا تشدید خواهد کرد. ما مواضع خود را که کنفدراسیون سازمانی توده‌ای است و نمی‌تواند خواهان سرنگونی رژیم شاه باشد توضیح دادیم و گفتیم که این شعار خوبی است که در این جهت گام برمی‌دارد. اگر منظور از آن تبلیغ علیه شاه است و تبلیغ سرنگونی است آنگاه باید کلماتی را پیدا نمود که منظور را بیان کند. چون ما خواهان سرنگونی رژیم محمد رضاشاه هستیم به مفهوم ما تبلیغ سرنگونی رژیم محمد رضاشاه را می‌کنیم، نیست.

۲ - در مورد شوروی بحث شد و نقطه نظرها در باره سوسیال‌امپریالیسم گفته شد. ولی در کنفدراسیون برسر اینکه به شوروی بطور مشخص برخورد شود توافق نظر بود. ما روشن کردیم که سازمان ما با اعتقاد به اینکه سوسیال‌امپریالیسم هم امپریالیسم است برای عامه‌فهم کردن این شعار برای تفهیم سوسیال‌امپریالیسم برای توده‌ها و پذیرفته شدن آن مبارزه خواهد کرد ولی هرگز هدفش آن نیست که این اصطلاح را امروز در منشور کنفدراسیون قرار دهد. ما با آوردن آن مخالف بوده‌ایم. اکنون هم که باعث نفاق در کنفدراسیون است مخالفیم ولی در آینده ای دور یا نزدیک که مورد توافق جمعی شکنده در کنفدراسیون باشد مخالفتی با آوردن آن نداریم.

۳ - در مورد جنبش ظفار اعتقاد براین بود که باید از این جنبش دفاع نمود. شرط دفاع از آن نباید مسئله سوسیال‌امپریالیسم باشد، بلکه ما باید مصالح خلق ظفار رادرمبارزه علیه دشمنانش در نظر بگیریم. لذا پرسش از آنها برای ما در درجه اول اهمیت است. در آکسیون‌های ظفار البته که ما نمی‌توانیم برای سازمان‌های دیگر تعیین تکلیف کنیم. اگر مبارزه و تظاهرات مشترکی را با خود جنبش ظفار تدارک می‌بینیم باید در چارچوب خواست خلق ظفار بمانیم، البته این بدان معنی نیست که سازمان‌های دیگر حق تبلیغ نظریات سیاسی خود را در مورد شوروی ندارند. آنها می‌توانند در اسناد خود در این زمینه موضع‌گیری کنند.

۴ - باید مبارزه ما بخصوص در شرایط فعلی علیه رژیم شاه تشدید شود و تدارک یک مبارزه مشترک علیه رژیم شاه بخاطر جنبش ظفار دیده شود.

۵ - در مورد کمیته مرکزی صحبت شد. آنها بر سر اینکه باید از حکمت جو دفاع نمود ایستادگی می‌کردند. ولی در مورد فرزند خلق چیزی برای گفتن نداشتند. تکیه آنها براین بود که حتی رفقای ما هم با دفاع از حکمت جو موافق بوده‌اند، ولی بعدا در دام سازمان انقلابی افتاده‌اند. در حالی که خود سازمان انقلابی مسئله هلمز را پس گرفت و دیگر برآن تکیه نمی‌کند. آنها معتقد بودند که در بحث‌های بعدی مسئله از روی حکمت جو به عضویت او در کمیته مرکزی و سپس حمله به کمیته مرکزی کشیده شد و این آن چیزی نبود که در سمینار فدراسیون آلمان برای اولین بار اظهار شده بود و رفقای توفان در قبال آن سکوت کرده بودند. ما در همانجا هم اعلام کردیم که اگر انتقادی به ما در مورد عدم حمله کمیته مرکزی وارد هست می‌پذیریم.

جبهه ملی سپس اعلام کرد که با کمیته مرکزی مبارزه خواهد کرد و خرده بورژوازی بودن آنها به مفهوم خلقی بودنشان نیست زیرا ما معتقد نیستیم که همه خرده بورژوازی خلقی است. بخشی از خرده بورژوازی نیز به ضد خلق پیوسته است.

۶ - در مورد چریک‌ها نظرشان براین بود که ما از مبارزات خلق ایران دفاع می‌کنیم. این مشی کنفدراسیون است و نه از مشی آنها. ما از روحانیون دفاع کرده ایم. از پاک‌نژاد دفاع کرده ایم، یادداشت‌های زندان اوین را چاپ کرده ایم و غیره. این نشانه دفاع کنفدراسیون از همه نیروهاست. ولی مبارزات خلق ما امروز بیش‌تر در این قالب تبلور یافته و لذا گناهی به گردن ما نیست. در مقابل سؤال ما که اگر جنبش م- ل در ایران اوج گیرد چه می‌کنید؟ گفتند که اعلامیه اش را چاپ خواهند کرد. ما سپس مطرح کردیم که کنفدراسیون گوئی برنامه و مشی خاصی ندارد روزی مدافع حکومت اسلامی، دگر روز مدافع مشی

چریکی و سپس طرفدار م- ل است. و این از سردر گمی کنفدراسیون حکایت می‌کند. در این زمینه چون بحث به درازا کشید قرار شد در دفع دیگری آنرا بحث کنیم

سپس پیشنهاد شد که در دفعه آینده هر کس نظریات خود را کتباً بنویسد و جلسه مشترکی دوباره برای بحث بگذاریم.

در روز ۷ ماه آوریل دوباره با آنها تماس گرفته شد ما برنامه عملی خود را برای رهبری آکسیون‌ها دادیم و در مورد "دیران موقت" هم اظهار نظر نمودیم. جبهه ملی نیز اظهار نظر نمود و قرار شد ملاقات دیگری در ۲۳ آوریل صورت گیرد."

## سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تئوری رویزیونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان)

جلسه مشترک با سه نفر از اعضاء هئیت مرکزی سازمان انقلابی

۷۶

در تاریخ ۷۵/۴/۲۱ جلسه مشترک با سه نفر از اعضاء هئیت مرکزی سازمان  
انقلابی تشکیل گردید. رفق بهرام و کاروان از سازمان که در آن حضور داشتند  
در مورد طبع و تربیت و موضوعات زیرین بود

- ۱- کفدراسیون
- ۲- هفته م - ل د
- ۳- چریکی
- ۴- حزب رستاخیز دهنده درس تحصیلی
- ۵- تبادل نظر در مورد مسائل تفرقه
- ۶- محبوسان و وضعیت جنبش جهانی کمونیستی

در باره کفدراسیون و گوناگونی اداء مبارزه در صورت پیروزی شش نداشت  
در آن دو نقطه نظر کلی تفاوت موجود بود. با اعتقاد داشتیم در صورت غلبه  
شش نداشت مبارزه ما در آن چهار حزب اعلان پذیر نیست، آنها مدعی بودند  
که مبارزه ما مبارزه اسر طولانی است، با پیرو به جلب نموده ابرضا و غیره.  
در مقابل استدلال ما ناچار شده ایم این بحث را بین خود مجدداً تکرار کنیم  
و نتیجه قطعی را با اطلاع دهند. در رابطه با کار اعضاء شان در آمریکا که  
بما همکار با سازمانها در پائین کشیدن مجلس حکومت جو هستند با (س) (س) (س)  
(ک) شده اند از خود استقلال نمودند؟

و مطالب زیر را در مورد سیاستان فرموده کردند

- ۱- تمرکز نیرو در ایران دشمن اصلی (که همه چلی آتش ترانس در مقابل  
نمودار دکتیونکرای می باشد)
- ۲-

۷۷

۳- سازه طائرین برار تقویم تطویرت نادرست و مل کام گفام تفادار  
 ۴- سبب است مایه برافرا از انخاب برار توده د با س  
 ۵- ارتقا تا کتگی طرح عدم قبلیست " مرکزیت " منلی است  
 نیت . مایه جنبشی بود و آدم که اکثر نایب برار مل  
 شده باشد .  
 ۶- سده تقویم درست است ولی مایه برستی مناسبش را  
 مل کرد .  
 ۷- در مورد منبرج که اکثر نیش مکتوب گشته اردن شده است  
 در مورد سده تقویم قرار شد بر آمدن دشت کت کتجه در هر  
 نگیه شود تنها در زمان فلو تفرقه و بن بست کنگره به عدم حضور  
 یکی از طرفین رضایت داده شود در صورتیکه باز تقویم لازم  
 وجود داشته باشد .  
 ۸- در مورد سایل بنی الملک حامله بنی اطلاع بودند از اعتقادنا و نیز از غیبت  
 تفادار ساس بنی فلقی اسیر ایسم سیرگردش اسیر ایسم اسیر ایسم و سایل



۷۸

امیر و لیس را غیبت استند و بیشتر در حق سر رفع غلط تصورات با دوا بر قدرت  
گواه برداشته از ترس دنیا و فاع میگردند و از جویان عظیمی که موجود  
است میفرورزند و در شان اقرار کرده که مطالب اقرار  
برادر را غیبتی است حتی یکی از آنها ملکیت این مایل با مربوط  
نیست ما باید بکار خودمان را بکنیم.

در این زمینه ما تقویات فادریست آنها را متذکر شیم و در اختلافات  
افراط برادر تنها به ترس و استیلاست موجود و مطرود است افتاد کردیم و بخیر  
آنها را از وجود اختلافات که بطور ما میرسد مطلع کنیم چون ممکن است  
جنبه خوبی نداشته باشد.

در مورد سایر مایل نیز به ترس و استیلا افتاد میگردند و اظهار نظر مشخص  
را به مطالعه بیشتر جمع آمدن فالتها داشتن در طولانی و غیره توکل  
میگردند این روش آنها بیشتر از عدم اطلاع از عدم توانایی برای پاسخ به  
سائل شخص بود. مطالب مطرود از جانب ما برای آنها حقی  
نازگی داشت و لذا این جلب طلب از برابر آغوش آنها بود  
قرار شد در مورد استیسی تبادل اطلاعات شود. تجربه از علم با  
آموخته.

از جهت سایر آنها بر میآید که با رفقا چینی در تماس اند و در آفرین  
تماس آن که باید در همین اواخر برده باشد در مورد ایران صحبت کرده اند  
و ظاهراً رفقا چینی آنها را قانع نموده اند که سیاستشان درست است  
و شاه علیه دوا بر قدرت مبارزه میکنند. از جهت سایر آنها بر میآید که



۷۹ ۷۸  
 رفقا چینی مقصد حرکت ۵۰ را دارند  
 قرار شد در مورد گنبد شرف قوه تبادل استاد شود و آن  
 سند در مورد املاک ارضی را که ۳۰ صفحه است بهار مطالعه با  
 بهینه  
 پیشنهاد شد در جلسه آینده در مورد حرکت ۲۰۰ ل را بحث و تبادل  
 نظر گردد  
 جلسه مشترک در بعد از ظهر ۲۲/۴/۷۵ میان اسیران

سند شماره ۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تئوری رویونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان)

" در تاریخ ۷۵/۴/۲۱ جلسه مشترکی با سه نفر از اعضای هیئت مرکزی سازمان انقلابی تشکیل گردید. رفقا بهرام و کامران از سازمان ما در آن حضور داشتند. دستور جلسه در مورد موضوع‌های زیرین بود:

۱ - کنفدراسیون

۲ - وحدت م-ل ها

۳ - چریک‌ها

۴ - حزب رستاخیز و مسئله بورس تحصیلی

۵ - تبادل نظر در مورد مسائل متفرقه

۶ - بحث در مورد وضعیت جنبش جهانی کمونیستی

در باره کنفدراسیون و چگونگی ادامه مبارزه در صورت پیروزی مشی نادرست در آن دو نقطه نظر بکلی متفاوت موجود بود. ما اعتقاد داشتیم در صورت غلبه مشی نادرست مبارزه ما در آن چارچوب امکان‌پذیر نیست، آنها مدعی بودند که مبارزه ما مبارزه ای طولانی است، باید به جلب توده‌ها برخاست، و غیره. در مقابل استدلال‌ات ما ناچار شدند این بحث را بین خود مجدداً تکرار کنند و نتیجه قطعی را به ما اطلاع دهند. در رابطه با کار اعضای‌شان در آمریکا که برای همکاری با سازمان ما در پائین کشیدن عکس حکمت‌جو همصدا با (س.ا.ک.) منظور سازمان انقلابیون کمونیست است - توفان) شده‌اند از خود انتقاد نمودند؟

و مطالب زیر را در مورد سیاست‌شان فرموده کردند:

۱ - تمرکز نیرو برای زدن دشمن اصلی ( که جبهه ملی است و تزلزلش در مقابل شوروی و کمیته مرکزی می‌باشد).

۲ - مبارزه طولانی برای تصحیح نظریات نادرست و حل گام بگام تصادها.

۳ - سیاست ما باید افشاء انشعاب برای توده‌ها باشد.

۴ - از نظر تاکتیکی طرح عدم قبولیت "مرکزیت" فعلی درست نیست. ما باید جنبشی بوجود آوریم که آلترناتیوی برای حل مسئله باشد.

۵ - مسئله تضمین درست است ولی باید به درستی مناسباتش را حل کرد.

۶ - در مورد مونیخ حداکثر نرمش مسکوت گذاردن مسئله است.

در مورد مسئله تضمین قرار شد بر آمدن و شرکت همه در رهبری تکیه شود تنها در زمان خطر تفرقه و بن‌بست کنگره به عدم حضور یکی از طرفین رضایت داده شود در صورتی‌که باز تضمین لازمه وجود داشته باشد.

\*\*\*

در مورد مسائل بین المللی کاملاً بی اطلاع بودند. از اختلافات چیزی نمی‌دانستند تضاد اساسی بین خلق‌ها، امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و سوسیال‌امپریالیسم را نمی‌دانستند. و بیش‌تر در همان موضع غلط تضاد اساسی با دوا بر قدرت گمراه بودند. از تز سه دنیا دفاع می‌کردند و از جریان عظیمی که موجود است بی خبر بودند. خودشان اقرار کردند که مطالب احزاب برادر را نمی‌خوانند. حتی یکی از آنها می‌گفت این مسائل به ما مربوط نیست ما باید کار خودمان را بکنیم.

در این زمینه ما نظریات نادرست آنها را متذکر شدیم، در مورد اختلافات احزاب برادر تنها بذكر سؤالات موجود و مطروحه اکتفاء کردیم و خواستیم آنها را از وجود اختلافاتی که به نظر ما می‌رسید مطلع کنیم چون ممکن است جنبه خوبی نداشته باشد.

در مورد سایر مسائل نیز به ذکر کلیات اکتفاء می‌کردند. اظهار نظر مشخص را به مطالعه بیش‌تر، جمع آوری فاکت‌ها، داشتن **ید طولانی** و غیره موکول می‌کردند. این روش آنها بیش‌تر از عدم اطلاع از عدم توانائی برای پاسخ به مسائل مشخص بود. مطالب مطروحه از جانب ما برآی آنها همگی تازه‌گی داشت. و لذا این جلسه، جلسه ای برای آموزش آنها بود. قرار شد در مورد مسائل امنیتی تبادل اطلاعات شود. تجربه ای هم به ما آموختند.

از صحبت‌های آنها بر می‌آمد که با رفقای چینی در تماس‌اند و در آخرین تماس‌شان که باید در همین اواخر بوده باشد در مورد ایران صحبت کرده‌اند و ظاهراً رفقای چینی آنها را قانع نموده‌اند که سیاست‌شان درست است، و شاه علیه دو ابر قدرت مبارزه می‌کند. از صحبت‌های آنها بر می‌آمد که رفقای چینی قصد دعوت شاه را دارند.

قرار شد در مورد گذشته حزب توده تبادل اسناد شود و آنها سندی در مورد اختلافات ارضی را که ۳۰۰ صفحه است برای مطالعه به ما بدهند.

پیشنهاد شد در جلسه آینده در مورد وحدت م-ل ها بحث و تبادل نظر گردد

جلسه مشترک در بعداز ظهر ۷۵/۴/۲۲ پایان رسید."

## سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تئوری رویزیونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان)

## مسئله مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روز"

۱/ مسئله مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روز"

در ماه ژوئن سال گذشته (۱۹۷۴) شاه خائن برای بیشتر تاراج گذاردن ثروتهای ملی خلقها/ بفرانسه آمد. بنابر سنت کنفدراسیون/ که هیچگاه مسافرتهای این خائن بمنافع خلقها را بیجواب نمیگذارد/ فدراسیون فرانسه وارد یک کارزار وسیع افشاگرانه شد و از سازمانهای موقی فرانسوی و خارجی در راه این هدف کمک گرفت. یکی از سازمانهای که فدراسیون فرانسه با آن تماس گرفت سازمان "اومانیته روز" بود که پس از سمبله بحث و گفتگو که بیش از ۸ ساعت طول کشید اعلام کردند که از مواضع فدراسیون فرانسه در افشای سیاست وابسته با امپریالیسم شاه دفاع نمیکنند. آنها نفعها از مواضع موقی ما دفاع نکردند/ بلکه در جهت مواضع ارتجاعی خویش تابند اینجا پیش رفتند که اعلام نمودند که شاه سیاستی مستقل ملی دارد و در منطقه براند و بر قدرت مبارزه میکند. تجزیه و تحلیل غلط آنها را بدانجا کشاند که واندانم شماره یک امپریالیسم آمریکا در منطقه را دارند/ سیاستی مستقل و ملی دانستند. با مقایسه وسعت این سازمان و امکانات وسیع آن در ساد افکار عمومی موقی/ با وسعت فدراسیون فرانسه و امکانات ما در این زمینه بخوبی متوجه میشویم چه ضربهای این مواضع ارتجاعی به مواضع موقی ما زده و چگونه حرکت آنها در توجیع تبلیغات عوامفریبانه رژیم/ حقوق/ منافع و مبارزات خلق زحمتکش و استثمار شده ما را پامال نموده است. در این رابطه فدراسیون فرانسه با پوششهای کامل و بحق با انتشار جزوهای جواب شایسته و دندان شکنی بانها داد و ما فعلا در اینجا وارد جزئیات امر نمیشویم.

در کنگره شانزدهم کنفدراسیون/ قلمنامه ای مبنی بر محکوم کردن مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روز" ارائه شد که کنگره آنها را عین مخالفت خط راست تصویب نمود. مواضع

مندیست که رژیمهای شنیده میشود که گویا این با اصلاح افراد موقی از خود انتقاد کرده اند یا اینکه در حال انتقاد از خود هستند. که حرفی پنج واری از حقیقت بوده و این افراد همچنان بروی مواضع ارتجاعی خود اصرار و پافشاری دارند. این مسئله فقط مربوط رژیم ارتجاعی و وابسته شاه نبوده بلکه دربر گیرنده مجموعه ای از رژیمهای نظیر رژیم ایران است.

بدین جهت است که ما بروی این دستاورد جنبش موقی خود تاکید کرده و خواهان آنیم که کسانی که ادعای مبارزه با رژیم پهلوی/ این مزدور امپریالیسم/ را دارند موضع خود را صریحا اعلام کنند. کاری که خط راست هر بار از زیر آن شانه خالی کرده است و میکند.

سند شماره ۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (افشاء تنوری رویزیونیستی "سه دنیا" توسط سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان)

### " ۱ / مسئله مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روژ"

در ماه ژوئن سال گذشته (۱۹۷۴) شاه خائن برای بیش تر به تاراج گذاردن ثروت های ملی خلق ما، به فرانسه آمد. بنا بر سنت کنفدراسیون، که هیچگاه مسافرت های این خائن به منافع خلق ما را بی جواب نمی گذارد، فدراسیون فرانسه وارد یک کارزار وسیع افشاگرانه شد و از سازمان های مترقی فرانسوی و خارجی در راه این هدف کمک گرفت. یکی از سازمان هایی که فدراسیون فرانسه با آن تماس گرفت سازمان "اومانیته روژ" بود که پس از سه جلسه بحث و گفتگو که بیش از ۸ ساعت طول کشید اعلام کردند که از مواضع فدراسیون فرانسه در افشای سیاست وابسته به امپریالیسم شاه دفاع نمی کند.

آنها نه تنها از مواضع مترقی ما دفاع نکردند، بلکه در جهت مواضع ارتجاعی خویش تا بدانجا پیش رفتند که اعلام نمودند که شاه سیاستی مستقل و ملی دارد و در منطقه بر ضد دو ابر قدرت مبارزه می کند. تجزیه و تحلیل غلط آنها را بدانجا کشاند که ژاندارم شماره یک امپریالیسم آمریکا در منطقه را دارنده سیاستی مستقل و ملی دانستند. با مقایسه وسعت این سازمان و امکانات وسیع آن در سطح افکار عمومی مترقی، با وسعت فدراسیون فرانسه و امکانات ما در این زمینه به خوبی متوجه می شویم چه ضربه ای این مواضع ارتجاعی به مواضع مترقی ما زده و چگونه حرکت آنها در توجیه تبلیغات عوام فریبانه رژیم، حقوق، منافع و مبارزات خلق زحمتکش و استثمار شده ما را پامال نموده است. در این رابطه فدراسیون فرانسه با هوشیاری کامل و به حق با انتشار جزوه ای جواب شایسته و دندان شکنی به آنها داد، و ما فعلاً در اینجا وارد جزئیات امر نمی شویم.

در کنگره شانزدهم کنفدراسیون، قطعنامه ای مبنی بر محکوم کردن مواضع ارتجاعی سازمان "اومانیته روژ" ارائه شد که کنگره آنرا علی رغم رای مخالف خط راست تصویب نمود.

مدتی است که زمزمه های شنیده می شود که گویا این باصطلاح افراد مترقی از خود انتقاد کرده اند، یا اینکه در حال انتقاد از خود هستند. که حرفی پوچ و عاری از حقیقت بوده و این افراد همچنان به روی مواضع ارتجاعی خود اصرار و پافشاری دارند. این مسئله فقط مربوط به رژیم ارتجاعی و وابسته شاه نبوده، بلکه در برگیرنده مجموعه ای از رژیم های نظیر رژیم ایران است.

بدین جهت است که ما بروی این دست آورد جنبش مترقی خود تاکید کرده و خواهان آنیم که کسانی که ادعای مبارزه قاطع با رژیم پهلوی، این مزدور امپریالیسم، را دارند موضع خود را صریحاً اعلام کنند. کاری که خط راست هر بار از زیر آن شانه خالی کرده است و می کند."



## سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

سند شماره ۸ مندرج در بخش: (خط میانه و مخدوش کردن خط مشی سیاسی جمهوری توده‌ای چین)

## خط میانه و مخدوش کردن خط مشی سیاسی جمهوری توده‌ای چین

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا  
عضو کنفدراسیون جهانی

تا مرگ دیکتاتورها - مثل سرنگونی رژیم سلطنتی - تا پیروزی کامل زحمتکشان مبارزه ادامه دارد

اعضا و هواداران کنفدراسیون جهانی در شمال کالیفرنیا -

بیگفتگو است که اکنون مدتی است که بحران سیاسی عمیق و همه جانبه ای صفوف جنبش دانشجویی خارج سازمان رزمنده ای کنفدراسیون جهانی دربر گرفته و تمامی دانشجویان مسئول و ایرانیان میهن - پرست از آن آگاهند . بحران سیاسی فوق نامسا منیهای فراوانی ببار آورده که از جمله میتوان چند بارگی تشکیلات کنفدراسیون جهانی ، تضعیف توان مبارزه ضد رژیم و سیاسی کنفدراسیون و تشتت عمیق حاکم بر آن را نام برد . امروز وظیفه بیرون کشیدن کنفدراسیون جهانی و صفوف نهضت دانشجویی خارج از بحران و نامسا منیهای کنونی میباشد که در صدر ویالای وظایف کلیسیه دانشجویان مسئول و مبارز قرار گیرد و همت همگان در این راه بکار افتد . آنان که تمامی فعالیت خویش را به گرد تحکیم و حرکت صفوف جنبش دانشجویی خارج برپا رسته و دستاوردهای انقلابی نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق قهرمان ایران و وظایف ارزشمند جنبش دانشجویان بکار دنیا ندارند ، مجرمانه خالی نمودن از زیر بار مسئولیت خلیری که اکنون بر دوش ماست کاری انجام نداده اند .

دانشجویان متفکر در سازمان شمال کالیفرنیا آگاهند که پس از کنگره ۲۳ سازمان آمریکا و بهرزه پس از شورای فوق العاده سازمان آمریکا بحران درونی سازمان شمال تشدید یافته و با خروج عده ای از اعضا سازمان شمال از کنفرانس حوزه ( ایسا مبر ) دامنه تشتت و جدائی و انشعاب به منتها درجه خویش رسیده است . در عین حال بر همگان آشکار است که بحران درونی سازمان ما که بدین انشعاب انجامیده است نه پدیده ای مجزا بلکه مرتبط به اوضاع کنفدراسیون جهانی و بحران سیاسی موجود در جنبش دانشجویی خارج است . متج از آن میباشد پس برای پی بردن به دلایل آنچه که در سازمان ما اتفاق افتاده است میباشد در درجه اول به بحران سیاسی کنفدراسیون جهانی پرداخت و از خلال آن مسائل درونی سازمان شمال کالیفرنیا را با زیافت .

کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی ( اتحادیه ملی ) بر مبنی یک ضرورت تاریخی در شرایطی که بنحی حکومت ترور و خفقان محمدرضا شاهی حلقوم خلق را میفشردا زگرد هم آئی دانشجویان آزادخواه و استقلال طلب در خارج از کشور بوجود آمد . همروال با رشد جنبش خلق در داخل کشور و تکامل مبارزه درونی جنبش دانشجویان خارج کنفدراسیون از یک سازمان صرفا ضد دیکتاتوری به سازمانی ضد امپریالیست و دمکراتیک بدل گشت و بهر اورد وظایف خطیر جنبش دانشجویی خارج همت گماشت . در این مختصر بیان مفصل روند تکامل کنفدراسیون جهانی ممکن نبوده و ما تنها به ذکر آن مسائل عمده ای که بگرد آنان خط مشی این سازمان پرورده گشته و اساس مبارزه درونی میان جریانات مختلف بر سر آنان بوده است بپردازیم زیرا ما نیکه مبارزه های همه جانبه و گسترده در جریان است پس از گذشت مدتی یک یا چند نکته اساسی مبارزه ظاهر میگردد که سرنوشت وجهت مبارزه بستگی به حل آنان خواهد داشت . در نهضت دانشجویی خارج این مسائل و نکات درعالمترین شکل خویش در چگونگی برخورد و مبارزه با رژیم منقور محمدرضا شاهی و امپریالیسم و در چگونگی بسیج و آموزش توده دانشجویان این مبارزه متبلور گشته و ایما د مبارزه درونی را تعیین نموده است . بهترین تبلور این حقیقت را می توان از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی دنبال نمود . در سال ۱۹۷۰ رژیم شاه در تشدید یورش خویش بر



نهضت دانشجویی خارجاً قدام به "غیر قانونی" نمودن کنفدراسیون جهانی کرده و عضویت در آنرا مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ نمود. در شرایطی این چنین که یورش ددمنشانه حکومت پاسخی شایسته و قاطع میطلابت و توده دانشجویان استوار و خویشت را در مبارزه قاطع با رژیم در عمل با ثبات رسانیده بود و جریانات موجود در جنبش دانشجویی خارجاً دو پاسخ متضاد به این یورش رژیم دادند: از این دو پاسخ یکی پاسخ راست - روان موجود در کنفدراسیون بود. اینان تزلزل در مبارزه قاطع ضد رژیمی را با سرفروند آ و ردن عقب - نشینی در مقابل این یورش پاسخ گفته و منشوری به کنفدراسیون عرضه نمودند که در آن فعالیت و مبارزه کنفدراسیون در "چهار رچوب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر محدود" گفته بود و در توجیه عقب ماندگی و تزلزل خویش در توجیه بائین کشانیدن سطح کنفدراسیون تا سطح کار در چهار رچوب قانونی که رسمیت سلطنت محمد رضا شاهی را تأیید مینماید اینان "حقانیت مبارزه" خواست وسیع ترین توده - ها "عقب نشینی منظم و فعال" "عدم رشد کافی نیروهای مولده" و توجیهات بسیار دیگری را به جنبش دانشجویی ما عرضه نمودند. در این "عقب نشینی فعال" نیروهای جریانات گوناگونی شرکت داشتند که گرچه توجیهات گوناگونی را نیز تحمل خویش ساخته بودند اما در غالب نمودن مشی رفرمیستی و راست روان به برجانبش دانشجویی ما متحد القول بودند که در منشور کدانی پیشنهادی به کنگره ۱۲ کنفدراسیون متبلور گشته بود. منشور فوق که بنام "منشور کمیسیون هیئت دبیران" مشهور است در غالبی که مل با منشوری بود که طرفداران کمیته مرکزی حزب توده ایران از سازمان گراتس بدین کنگره آورده بودند و از این لحاظ برنامه تمامی جریانات فوق در پاسخ به یورش رژیم یگان و همگون بود.

پاسخ دیگر در مقابل این "عقب نشینی فعال" مبارزه قاطع بر علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بر مبنی خواست سرنگونی رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم از ایران به پیش گذارده و مبارزه درونی - سرنوشت این جنبش بگردان اساسی ترین مسائل نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق ایران بمدی نوین یافت. منشور کدانی رفرمیستی آنچنان افشاشد که آورندگان مجبور به تضییع آن گشتند و منشور دیگر به تصویب رسید که بقول خودشان "روح" منشور نخستین را بدون الفاظ "کار در چهار رچوب قانون اساسی" حفظ نموده بود. بدنبال کنگره ۱۲ کنفدراسیون اساسی ترین صف بندی درون جنبش دانش - خویشی میان دو مشی ادا نه یافت. آیندو پاسخ بیان دودیدگاه دو برنامه و دومی نسبت به وظایف نهضت دانشجویی خارجاً و مبارزه بر علیه رژیم پهلوی و امپریالیسم بود و هست و امروز پس از گذشت بیش از ۵ سال از آن تاریخ همچنان به قوت خویش بر جای مانده و عموماً تا تکامل مبارزه درونی میان این دومی است که سرانجام به تکوین تشکیلات مجزا که در واقع عالی ترین سطح تجلی این دومی میباشد انجامیده است. پس برای آنکه به مضمون و محتوی تشکیلاتهای چندگانه ای که اینک در جنبش دانشجویی خارجاً ظاهر گشته اند پی برده شود برای آنکه علت چندپارگی کنفدراسیون روشن گردد مینویست روند تکاملی مبارزه ایران که در عالیترین شکل خود به این جدایی تشکیلاتی انجامیده است مورد بررسی قرار داد.

همانگونه که ذکر گردید در میان کسانی که عقیده اند که و راست روی خویش را کرنش در مقابل حمله رژیم پاسخ گفته اند جریانات مختلفی موجود بودند. جمعی از اینان عملکرد خویش را این چنین تشریح نمودند که از آنجا که شرایط انقلابی در جامعه ایران موجود نبوده و تکامل تضادهای طبقاتی



شد کافی ننموده است در نتیجه در شرایط کنونی وظیفه اساسی جنبش مردم ایران مبارزه برای  
 آنچنان "قوانین دمکراتیکی" که در چهار رچوب آنان نیروهای مولده جامعه بتوانند بدرجه رشد  
 کافی برسند و در نتیجه میبایست که در چهار رچوب قانون اساسی ایران به فعالیت و مبارزه پرداخت  
 و درانتظار شرایط مناسب نشست. طرفداران و دنباله روان آن روزی این نظریه همان نمایندگانی  
 امروز نیز تحت هدایت و رهبری نویسندگان و مانده و سازشکارنشریه "سپهر" یا تکیه به همان  
 تئوریها به انشعاب خویش از کنفدراسیون جهانی جامعه عمل پویا ننموده و از آن خارج گردیدند.  
 جریانات دیگر موجود در این صف بندی یا تکیه به مشی راست روانه ای که جنبشهای توده‌ای را در سطح  
 خواستهای مطالباتی "قانونی" محدود مینماید بدینجا رسیدند که "حقانیت مبارزه" خواست  
 وسیع ترین توده‌ها "توده‌ای نمودن کنفدراسیون" در این شرایط بحرانی حکم مینماید که با  
 "یک عقب نشینی فعال" کنفدراسیون از گردن حملات رژیم به اصطلاح مصون بماند و توده‌های  
 دانشجویان از طرف آن پراکنده نگردند. حمله رژیم در واقع آن فرصت مناسبی بود که ایشان واقفیت  
 مشی راست روانه خویش را بروز داده و در زمینه جنبش دانشجویی به عمل گذارند. دوازدهمین کنگره  
 کنفدراسیون از بسیاری جهات نقشی ویژه در تاریخ جنبش دانشجویی ایران ایفا مینماید. شرایط  
 بحرانی همواره تمامی جریانات و نظرات سیاسی را و میدارده که با مشی و برنامه‌ای مطابق با واقعیت  
 سیاست واقعی خویش پایبندان گذارند و کنگره ۱۲ کنفدراسیون از این لحاظ این چنین نقشی را  
 ایفا نمود. در جریان مسائل این کنگره بود که دومی دوبرنادر مقابل یکدیگر قلم نمودند و  
 آینده کنفدراسیون در گرو سرانجام مبارزه میان این دومی قرار گرفت. کنفدراسیون جهانی و  
 نهضت دانشجویی ایران در چه کدام راه را باید دریغ گیرد؟ راهی که سرانجامش تبدیل کنفدراسیون به  
 یک سازمان صنفی و مطالباتی در عقب مانده ترین سطح آن و در چهار رچوبی رفرمیستی است و یا راهی که  
 در صدر آن اساسی ترین خواست نهضت انقلابی و استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق ایران در راه سرنگونی  
 بساط این رژیم و قطع نفوذ امپریالیسم قرار دارد؟ دو پاسخ متضاد داده شده در شرایط بحرانی  
 کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی در واقع و در نهایت ایندوره را در مقابل جنبش دانشجویی ایران  
 قرار میداد.

بسیاری از راست روان کنونی بر آنند که بحث پیرامون خط مشی کنفدراسیون جهانی بحثی تحمیلی  
 بوده و هست و خاطره شان از اینگونه مباحث آزرده میباشند و حق برای آنان که با تکیه به عقب -  
 افتاده ترین خواستهای موجود در میان دانشجویان ایران در چه گام بر میداشتنند میدارند اساسی ترین  
 وظیفه انقلاب ایران و تربیت توده دانشجویان میباید هم بحثی تحمیلی بشمار آید.  
 جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور بمثابه بخشی لا ینفک از نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک  
 خلق ایران وظیفه مند است که با درس آموزی از گذشته نهضت ویا تکیه بر دستاوردهای ارزشمند آن در  
 آن راهی گام بردارد که خلق قهرمانان ایران آنرا برای رهایی از یوغ برده گی امپریالیسم و ارتجاع  
 یومی در راه رسیدن به جامعه‌ای مستقل و دمکراتیک ترسیم نموده است. جنبش دانشجویی ایران در  
 خارج از کشور وظیفه مند است تا سمت و محتوی و مضمون برنامه‌ها و مبارزات خویش را بگرد آن خواستی  
 ترسیم نماید که جنبش انقلابی ایران ترسیم نموده است. آنان که راهی جز این در مقابل جنبش  
 دانشجویی ایران در خارج از کشور قرار داده و میهند در واقع خواهان آنند که عقب مانده گی خویش  
 را برای جنبش تحمیل نمایند.

بهر رو درباره روند و چگونگی حرکت و تکامل بخشی از صف بندی راست روان کنگره ۱۲ که بدنبال  
 نویسندگان نشریه "سپهر" از کنفدراسیون انشعاب نمودند به تفصیل در مباحث پیرامون کنگره ۲۳  
 ما زمان آمریکا سخن رانده شده و در این مختصر نیازی به تکرار آنان نمیباشد و فقط را به مطالعه  
 رزم شماره ۱ و اظهاریه شیکاگو رجوع مینمایم.

بخش دیگر موجود در این صف بندی راست که تحمیل عقب ماندگی خویش را به جنبش دانشجویی در سر  
 پرورانده است پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی مسیر حرکت قهرمانی و سیستماتیزه شدنش را به  
 سرعت دنبال نموده در این مختصر باز فرصت شکافتن تمامی جوانب این تکامل قهرمانی موجود



نیست و ما به نکراساسی ترین تبلورات آن بسنده می نمایم. در طول این چندساله از این راست روان اسناد جامی در توضیح خط سیاسیشان برجای مانده است که برای نمونه میتوان به "رساله ما میورگ"، "رساله گیس"، "بحث آزاددا نشجو"، "رساله مونیک" اشاره نمود. در درون این اسناد و در خلال مباحث پیرامون خط مشی جنبش دانشجویی است که خط مشی سیستم تیزه شده راست اینان تکامل یافته و ظاهر میگردد. تزها و فرموله شده توسط اینان در این دوران به اختصار بشرح زیر است: نخست آنکه جنبش های توده ای و سازمان های توده ای توان مبارزه در راه خواست های ریشه ای موجود در جامعه را نداشته و می باید خواست های خویش را بگرد مسائل مثالیاتی و صنفی محدود نمایند با طرح خواست سرنگونی رژیم و قلع نفوذ امپریالیسم در کنفدراسیون و خلع می آن کنفدراسیون خصلت توده ای خویش را از دست داده و به سازمان "آوانگارد" و "حزبی" تبدیل میگردد در نتیجه برای "حفظ و گسترش" کنفدراسیون میباید که این سازمان بمثابه سازمانی صنفی - میهنی که در برخی موارد فعالیت های سیاسی نیز انجام میدهد عمل نماید و در غیر این صورت و با طرح شما سرنگونی رژیم توده ها از اطراف آن خواهند رسید.

دیدگاه فوق که جز محدود نمودن دامنه و محتوی مبارزه توده ای دانشویان و دیگر اقل روایات خلقی نتیجه ای ندارد، در شرایط کنونی جامعه ایران و انقلاب دمکراتیک و ملی طراز نوین آن نه بر دمکراتیسم انقلابی بلکه بر لیبرالیسم بورژوازی منطبق بوده و تئوریزه امیال و خواسته های اقل خورده بورژوازی مرفه و راست خارجه میباشد. گنشت بیش از چهار سال از مبارزه درونی بکرد خط مشی کنفدراسیون در عمل نشان داده است که راست روی این بخش از کنفدراسیون نه ناشی از این یا آن اشتباه زودگذر کناری بلکه ناشی از یک سیستم فکری و دیدگاه سیستم تیزه شده راست و عقب مانده و محدود میباشد که تبلور عملی اش را در چگونگی پاسخگویی به اساسی ترین مسایل مقابل پای نهضت دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق ایران و جنبش دانشجویی خارجه باز یافته است. کسانیکه در طول

این چند ساله در حرف و در عمل به مخالفت با انکسار سیاست های انقلابی در درون کنفدراسیون برخاسته و در مقابل به صنفی گری مبتذل و سیاست زدایی و بسیج توده بگرد مسایل عقب افتاده کوشیده اند کسانیکه در مقابل فعالیت های رزمنده دفاعی کنفدراسیون تبلیغ بگرد مسایل دانشگاهی دانشویان خارجه را علم کرده اند کسانیکه با درک نادرست و انحرافیشان از خطرا بر قدرت شوروی و اعمال قارسی زبان آن کمیته مرکزی حزب توده "مبارزه" بر علیه اینان را در حرف و در عمل بر مبارزه ضد رژیم - اشان مقدم ساخته اند. کسانیکه برای جنبش کارگری ایران اکونومیسم و برای جنبش دانشجویی خارجه راست روی و صنفی گری را ترویج نموده اند. این چنین کسانی نه حامین و مبلغین یک مشی انقلابی و قاطعه بلکه حامین و مبلغین یک مشی اکونومیستی و راست روانه میباشند و در عمل نیز جز این نکرده اند پس از گذر ۱۲ کنگره کنفدراسیون جهانی تحت تاثیر رشد مبارزات درونی کنفدراسیون تغییراتی صفوف متحدین کنگره ۱۲ پدیدار گشت. از یکسو تا کنگره ۱۴ کنفدراسیون اینان دست در دست یکدیگر گام بر میداشتند و تئوریهایشان را نیز از انبان کهنه نویسندگان کنونی سپهر و اندیشه های "علمی" راست روان دیگر بدست میاوردند. اما این دوران با رشد مبارزه مسلحانه گروهها و سازمانهای انقلابی داخل کشور و تحت تاثیر این مبارزه بخشی از این صفوف بندی را دیکالیزه گشت و از آن جدا شد. راست روانی که در طول این دوران با این بخش از صفوف بندی کنگره ۱۲ همراه بوده و در عین حال در مقابل حملات ضد کمونیستی اینان کوشش مینمودند پس از این جدایی از یکسو به تقویت سیاسی سردمداران کنونی سپهر پرداختند و از سوی دیگر "مشی چریکی" شهری بمثابه عمده ترین خطر مقابل نهضت انقلابی ایران ارزیابی نموده و برای نمونه "۱۱ فرمان" مشهور خویش را در سمینار جنوب کالیفرنیا عرضه نمودند. اکنون که دیگر میان متحدین کنگره ۱۲ شکر آب شده بود اینان به ناگاه به یاد دفاع از جمهوری توده ای چین، مبارزه با شوروی و پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک درونی



کنفدراسیون افتادند. اما آنچه میکوبیدند نه انحرافات "ملیون" بلکه حرکت رزمنده موجود در میان آنان بود. نمونه این مسئله به روشنی در مخالفت اینان با انکاس نقل قولهای مبارزین داخل کشور مبتنی برخواست آنان به سرنگونی رژیم وانکاس شمار "سرنگون با درژیم منفورپهلوی" در ارگانهای کنفدراسیون جهانی متبلور گردیده. پس از این گذرگاه در طول سالهای گذرگاه ۱۵ و ۱۶ کنفدراسیون جهانی خط راست کنونی حرکت قهقرا بی و راست روانه خویش را ادامه و تمهید بخشید و فقط بعضی از آنان کوشیدند تا راست روی خویش را از زاویه "چپ" توجیه نمایند. "دمکراسی نوین" "شوروی" و امثالهم نمونه توجیهاتی است که اینان در شرایط حاد مبارزه درونی و افشا هرچه بیشترشان در سلاح جنبش عمومی خلق برای حفظ خود در مقابل مشی انقلابی علم نمودند. اما مبارزه ماسکها را میدرید و این ظاهر چپ نیز بویژه امروز دیگر قادر به پنهان نمودن ماهیت راست اینان نمیشد.

مبارزه درونی چندساله گذشته گرچه بگرد این مسئله اساس جریان بوده است اما تزلزل برسر این جریان در نتیجه موجبات انحرافات دیگری نیز گشته است. از جمله این مسائل که بویژه در شرایط کنونی با توجه به اوضاع جهانی اهمیت فراوانی کسب مینماید. یکی مسئله "کمیتة مرکزی حزب توده" و "ابر قدرت شوروی و دیگری مسئله سازمانهای چون "اوملئته روژ" و "اکتبرلیگ" میباشد. "کمیتة مرکزی حزب توده" امروز بمثابة ستون پنجم ابر قدرت شوروی و بنگاه جاسوسی فارسی زبان آن در راه برآورده امیال سیطره جویانه ابر قدرت شوروی عمل مینماید. تکامل منطقی مشی رفرمیستی رهبری حزب توده در جریانات انشعاب جنبش بین المللی کمونیستی در سالهای ۱۹۶۰ بدینجا انجامید که اینان در این مبارزه نه در سمت انقلابی کشورهایی چون چین و آلبانی بلکه در صفوف مرتدان خروشچی قرار گیرند و برترهای سازشکارانه خویش پشیمانی بین المللی را نیز هموار سازند. ابر قدرت شوروی جهت نفوذ در ایران و کسب سیطره در این منطقه از طرق گوناگون اقتصادی - نظامی - سیاسی میکوشد و عملکرد کمیتة مرکزی نیز چیزی نیست مگر تا بسی از امیال ابر قدرت شوروی. این سیاست امروز عمده ترین روند خویش را در کوشش جهت نفوذیابی در نهضت استقلال طلبانه و دمکراتیک خلق و وجهه معامله قرار دادن آن در مقابل رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا مینماید. در برخورد کمیتة مرکزی به رژیم شاه و جنبش دانشجویی خا رجه پس از گرویدنش به کمپ تپان خروشچی و دوران یکسان اما ظاهراً میتوان نام برد که خود تا بسی از چگونگی مناسبات دوا بر قدرت آمریکا و شوروی است. تا آنجا که شوروی میکوشید با آمریکا از در سازش درآید رژیم منفور محمد رضا شاه رژیم موقتی بود که از طریق مناسباتش با شوروی چاه انقلاب ایران را هموار میساخت و از آن زمان که تضادهای میان دوا بر قدرت آمریکا و شوروی تشدید گردیده حکومت محمد رضا شاه حکومتی شد که سدرای ترقی ایران است. در هر حالت چه دست بوسی آستان پهلوی وجه فحاشی بدان و هر دو برای دارو بسته کمیتة مرکزی حزب توده مفهوم سیاستی یکسان دارد که اهدافش نفوذیابی در ایران و سازش با حکومت طبقات ارتجاعی و کسب سیطره ابر قدرت شوروی میباشد. هر آنچه که اینان در میان نهضت انجام میدهند هدفی جز آنچه که ذکر گردید ندارند.

تزمانی کمیتة مرکزی برای جنبش دانشجویی مادر دوران نخستین هکادر در چهار رچوب قانون اساسی کوشش جهت قانونی کردن کنفدراسیون در عرصه ایران و ارتباط نزدیک با ابر قدرت شوروی و امثالهم بود. از دیدگاه اینان کنفدراسیون بمثابة سازمانی توده ای یا یلصرفا به مسائل صنفی و قشری و مطالبات ایجابی در آنجویان پرداخته و در این حد فعالیت نماید. خلاصه گفته باشیم تزمانی اینان در رابطه با قانونمندیهای جنبش دانشجویی در تعلق بقا مل بوده است و زمین روست که اینان پس از گذرگاه دوازده از کمیتة مرکزی خواستند تا حسن نیت نشان داده و اکنون که "چپ رو" ها (یعنی طرفداران جای دادن سرنگونی در مشی کنفدراسیون) ایزوله گشته اند از در دوستی با کنفدراسیون درآیند. و تمجب آور نیست که در این دوران راست روان جنبش دانشجویی مادر مبارزه شان با کمیتة مرکزی تنها وابستگی این دارو بسته را به شوروی و سیاستهای منتج از این وابستگی را مورد حمله قرار میدادند و کلمه ای در افشا خط مشی کمیتة مرکزی برای جنبش دانشجویی از آنان یافت نمیکرد.

تزمانی کمیتة مرکزی برای جنبش دانشجویی مادر مبارزه یا رژیم در دوران دوم در واقع همان اهداف سابق را در پوشش "سرنگونی رژیم کنونی" دنبال نمود و در اینجا نیز راست روان جنبش دانشجویی مانع



به جای افشا ماهیت سیاستهای کمیته مرکزی آتش حمله خویشتن را بروی "چپرو"ها گذاشت و جملاتی از  
 "نیل" منشور شما در واقع همان خواست کمیته مرکزی است "و" سرنگونی شما همان سرنگونی کمیته  
 مرکزی است "ورد زبانه ن گردید".

واقعیت آنست که اینان بسبب مشی راست روانه و تزلزلشان در مبارزه قاطع علیه حکومت تازه نیکه  
 بر این مشی باقی نماندند توان مبارزه قاطع و حقیقی را بر علیه دارو دسته کمیته مرکزی نداشته و  
 نمیتوانند داشته باشند. ستون اساسی برنامه کمیته مرکزی پسا زبانه کشاندن جنبش ما با دشمنان طبقه  
 تیشان میباشد و تنها با پیروی از یک مشی قاطع و انقلابی است که میتوان توطئه های کمیته مرکزی و  
 ابر قدرت شوروی را عقیم گذاشت و نه صرفا با سروصدا در باره انقیاد ملی و خطر کودتای شوروی راست  
 روان جنبش دانشجویی را رجه با درک غلط از خطر ابر قدرت شوروی و خلاصه نمودن آن در امکان کودتای  
 روسی در ایران که خود ناشی از درک غلط اینان از شرایط ایران و پایداری های نفوذ ابر قدرت شوروی  
 است به تبلیغات در جنبش بست زدند که نتیجه ای جز منحرف نمودن اینان از مبارزه با تضادهای عمده  
 جامعه محصولی بپا رنیا ورده است. بهترین تبلیغات این انحراف به هنگام شهید شدن حکمت جو بدست جلا د  
 محمد رضا شاهی ظاهر گشت که خط راست بجای گذاشتن لبه تیز تیغ حمله بروی رژیم و اعتراض به این  
 جلادی و شکنجه با بهره گیری از انحراف برخی دیگر آتش حمله خویشتن را بروی کسانی گشود که در مقابل  
 رژیم قاشیستی شاه به اعتراض برخاسته بودند. از دیگر مسائل مهم مقابل پای کنفدراسیون جهانی و  
 نسبت دانشجویی را رجه مسئله چگونگی برخورد به تظاهرات ارتجاعی سازمانهای از قبیل  
 "اوما نیکه روز" و "اکتبر لیک" میباشد. امروز در سطح جهانی ما شاهد تغییرات شگرفی میباشیم از  
 یکسو بحران عمومی سرمایه داری جهانی امروز عمقی نوین یافته و در نتیجه تضادهای میان امپریا  
 لیستهای گوناگون و در صدر آنها دوا بر قدرت به منتهی درجه تشدید یافته است و از سوی دیگر انقلاب  
 در سرتاسر جهان گسترش یافته و صفوف خلقها و ملل مستعبد شده جهان کشورهای انقلابی و ازبند رسته و کار  
 گران و زحمتکش کشورهای سرمایه داری در مقابل امپریا لیستها و سگان زنجیری شان صف بندی کرده و  
 در سرتاسر جهان نبردی سهمگین در جریان است. در شرایطی این چنین سازمانهای چون "اکتبر لیک" و  
 "اوما نیکه روز" به تبلیغ سیاستهای اقدام ورزیده اند که سازمان میان خلق و ضد خلق، مخدوش نمودن  
 صفوف انقلاب و دفاع از نیروهای ارتجاعی را به پیش میگذارند و اینان در حرف و در عمل به دفاع از  
 حکومت جلا دمنش شاه و امپریا لیسم برخاسته و جنبش مردم ایران را به سازهی با این دشمنان ترغیب نموده  
 با تداوم نورهای شاهانه از دیدگاه اینان مبارزه با امپریا لیسم و کشتار خلق دلاورمان از نظر اینان  
 جلوگیری از نفوذ ابر قدرت شوروی و به پیش گذاردن خواست سرنگونی این رژیم بدیده اینان ترسکستی  
 و چپ روانه میباشد و در دینانه تر آنکه مداحی رژیمهای چون شاه و قاپوس را اینان بنام کشوری چون  
 جمهوری توده ای چین انجام میدهند. این کارلجن پاشی بروی پرچم سرخ جمهوری توده ای چین و  
 اوما نهایی کبیرا انقلابی آنست. راست روان جنبش دانشجویی را رجه در زمانیکه این سازمانها  
 موازین و منافع خلقهای ایران و عمان را لگدمال کرده و مردم را به اتحاد با شاه و قاپوس میخواندند  
 در زمانیکه اینگونه سازمانهای بجای همراه انداختن تظاهراتهای اعتراضی در مقابل شاه به مقابل  
 با مبارزات دفاعی کنفدراسیون بر میخواستند و بجای مبارزه قاطع با این تظاهرات و طرفداران، در عمل این  
 گونه سازمانها را بمثا به متحدین بیون المللی خویشتن تلقی کرده و وزیر بال و پر خویشتن حفاظت نمودند.  
 تزلزل اینان در مقابل تظاهرات ارتجاعی اکتبر لیک و امثالهم محصول تزلزل آنان در مبارزه قاطع ضد  
 رژیم و ضد امپریا لیستی و دیدگاه محدود و عقب مانده شان بوده و میباشد. از نظر اینان پاسداری از  
 منافع خلقهای قهرمان عمان و ایران در مقابل حملات ارتجاعی اکتبر لیک و امثالهم "کارگزاران  
 استراتژی رویزیونیسم بین المللی" و "دکمونستی" است. افرادی از این قماش باید در درجه اول قبل  
 از برچسب زدنهای این چنین بر خویشتن و تظاهرات خود نگاه کنند تا روشن شود که چه کسانی کارگران -  
 کداهین سیلست ویرنا مه اند.

خلاصه کنیم راست روان جنبش دانشجویی ما پس از گذر ۱۲ و در جریان مبارزه درونی جنبش دانشجویی  
 را رجه با اشتباه شرعیه بیشتر حرکت قهرمانی و سیاستما تیزه بدن خط مشی راست روانه شان را پیموده و



امروزه با این چنین خطای در جنبش دانشجویی خارج مبدل گردیده اند و ویژه گی این خطا مفی در آنست که  
بتمام مسائل اساسی مقابل پای نهضت از زاویه دیدگاهی راست روانه پاسخ گفته و در تئوری سیاست  
و عمل راست روی خویش را سیستماتیزه کرده است.

کنگره ۱۶ کنفدراسیون جهانی در جریان بحران عمیق حاکم بر نهضت دانشجویی خارج تشکیل شد.  
این کنگره گرچه توانست از لحاظ مصوبات و قلمنا مهای در زمینه های مختلف و از جمله تصویب  
مشورکنونی کنفدراسیون دست آوردهای گرانبهای برای جنبش دانشجویی خارج بیاورد اما  
نتوانست بر چرخ سیاسی حاکم بر کنفدراسیون پایا ن بخشید و از بسیاری جهات بیان تشدید این بحران  
بود. بدنبال کنگره ۱۶ کنفدراسیون بحران تصمیق یافت و بخشی از کنفدراسیون بسرمداری نویسندگان  
سازشکار نشریه "سپهر" از کنفدراسیون جهانی انشعاب نمودند مضمون این انشعاب، ترزلزل در مقابل  
امپریالیسم آمریکا و ابر قدرت شوروی و رژیم شاه کوشش جهت یافتن متهمین در میان طبقات -  
ارتجاعی حاکمه و در همسویی با برنامه و امیال کمیته مرکزی حزب توده ایران بود. عالیترین تبلور  
این انشعاب را در کنگره ۲۳ سازمان آمریکا شاهد بودیم لیکن پس از این انشعاب بحران درونی  
کنفدراسیون پایا ن نپذیرفت و ادامه یافت. امتداد این بحران از آن جهت بود که پایدهای مادی  
بحران سیاسی موجود در نهضت دانشجویی خارج یعنی دیدگاه محدود و عقب مانده و راست همچنان  
بر جای مانده و در مقابل دستاوردهای انقلابی نهضت مقاومت میورزید.

بدنبال کنگره ۲۳ سازمان آمریکا وبا توجه به ضرورت پایا ن بخشیدن به ناپسا مانیهای موجود  
در کنفدراسیون شورای سازمان آمریکا در ۲۷ اکتبر نشست فوق العاده خود را تشکیل داد. تشکیل  
این شورا از دو جهت ضروری بود. نخست آنکه در جریانات پس از کنگره ۲۳ سازمان آمریکا حرکت  
انشعاب خط راست به سردمداری دبیر فرهنگی سازمان آمریکا بویژه در جنوب کالیفرنیا تصمیق  
یافته و این سازمان را به جدایی و تفرقه کشانیده بود و از سوی دیگر با توجه به اینکه کنفدراسیون  
ارگان رهبری کننده نمیداشت لازم میبود تا پیشنهاد جامعی جهت تشکیل شورای عالی کنفدراسیون  
وسپس کنگره ۱۷ کنفدراسیون تدوین گردد.

این شورا در میان موجی از مقاومت و اعتراضهای بی پایا ن در راست روان تشکیل گردید و پس از يك  
روز بحث با تاکید به روی ضرورت اتحاد همگان در کنفدراسیون بگرد مفی رزمنده و دستاوردهای آن  
نکات زیر بمثل به مضمون محتوی فعالیتها ی کنفدراسیون بتصویب رسانید:

۱- اکنون جنبش آگاهان و انقلابی ایران بروشنی اعلام داشته است که ایجاد جامعه ای  
مستقل و دمکراتیک بر ویرانه های جامعه کنونی ایران بجز از طریق سرنگونی قهری رژیم  
خودکامه و مطلقه شاه بمثل به دولت طبقات حاکمه و تاراندن امپریالیسم به هر رنگ و لباسی  
از میهن ما به دست پرتوان توده های رنجبران ایران ممکن نیست. از این جهت خواست  
آگاهان جنبش دانشجویی ایران و کنفدراسیون بمثل به تشکیلات رهبری کننده بخش خارج از  
کشور آن مبنی بر سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه و تاراندن امپریالیستها از میهن ما که در  
منشور کنگره ۱۶ نیز درج گردیده است معین کننده مضمون و محتوی کلیه فعالیتها ی  
کنفدراسیون جهانی است.

۲- رژیم خودکامه و ارتجاعی شاه نماینده و مجری منافع مجموعه طبقات حاکمه و وابستگی  
کامل و قلمای به سرمایه داری جهانی و خواسته امپریالیسم آمریکا ارباب مستقیم و جهت  
دهنده رژیم شاه بوده و به همین علت نیروی عمده امپریالیستی حاکم بر میهن ما محسوب  
میگردد. از این رو پیکان مبارزه مردم ایران در راه جامعه ای مستقل و دمکراتیک بطور عمده  
متوجه رژیم محمدرضا شاه و ارباب مستقیم امپریالیسم آمریکا ست. کنفدراسیون جهانی  
نیز در زمینه مبارزه بر علیه مجموعه ارتجاع و امپریالیسم پیکان عمده مبارزه خود را متوجه  
این دشمنان عمده مردم ایران مینماید.

۳- مبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا از مبارزه، مرز بندی قلمی و پیکار بر  
علیه سائید دشمنان خلق و خاصه ابر قدرت دیگر دولت ضد خلقی و ضد انقلابی اتحاد شوروی و نوکر



ان فارسی زبان آن‌ها روسته کمیته مرکزی جدا نمیباشد. اتحاد شوروی در رقابت با عمومی خویش با امپریالیسم آمریکا برای کسب سیادت جهانی و بطور ویژه استیلای بر خاور میانه می‌کوشد تا از طریق اعمال خویش در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران نفوذ کرده و این جنبش را تا به رقابت خویش با امپریالیسم آمریکا و احداث استعمارگرانه خویش نموده و بدین وسیله با حفظ مناسبات طبقاتی موجود در جامعه و طبقات حاکمه در قدرت تنها قرارگاه رژیم را به نفع خویش تغییر دهد. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه تلاشهای و احداث ضد انقلابی و ارتجاعی اتحاد شوروی بمثابه یکی از دوا بر قدرت جهانی و کمیته مرکزی بمثابه عامل فارسی زبان این ابر قدرت پیکار کرده و مرز بندی خویش را بر علیه آن قاطعتر می‌نماید.

۴- نیروی اصلی بر اندازی رژیم شاه و تاراندن امپریالیستها را از میهن ما توده های زحمتکشان ایران تشکیل میدهند. از این رومبارزه کنفدراسیون بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم درمسمومی و وحدت منافع قطعی با توده های زحمتکش قرار دارد. جهت مبارزه جنبش دانشجویی ها اتحاد دویونند آنها یکی آن با جنبش طبقات زحمتکش جامعه بوده و بدون چنین امری جنبش دانشجویی موفق به انجام پیگیرانه وظایف خویش نبوده و مسیر انقلابی نخواهد یافت.

۵- اکنون سراسر جهان جنبش های انقلابی و کارگری در اتحاد با خلقهای آزاد شده از یوغ امپریالیسم و ارتجاع مبارزه بی امان را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خاصه دنیوی اصلی این اردوگاه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی سازمان میدهند. این مبارزات انقلابی یگانه نیروی محرکه عصر حاضر و تعیین کننده مسیر آتی عصر ماست. کنفدراسیون در مبارزه بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم بر حسب وظایف ملی و بین المللی خویش درمسمومی و وحدت منافع کامل با این مبارزات انقلابی قرار داشته و نیروی متحد خویش را تنها و تنها جنبش های انقلابی و آزادی بخش خلقهای جهان نهضت انقلابی طبقه کارگر جهان و سازمانهای پیشقراول آن کشورها و انقلابی از بند رسته و آزاد جهان دانسته و از مبارزات مردم جهان بر علیه اردوگاه ازمم گسته امپریالیسم و ارتجاع قاطعانه و بدون قید و شرط دفاع مینماید. یکی از تجلیات فوری این اتحاد در کنفدراسیون اکنون در مبارزه قاطع خویش برای درهم شکستن و بیرون راندن ارتش تاج و زر شاه و دفاع از خلق قهرمان عمان بر مبنی جنبه توده ای برای رایب عمان " در راه استقلال و دمکراسی عمان و سرنگونی قابوس و همه مرتجعین و تاج و زرگران نشان میدهد.

۶- کنفدراسیون در مبارزه خویش بر علیه ارتجاع و امپریالیسم بر علیه کلیه تمایلات ارتجاعی که بجای دل بستن به قدرت توده ای مردم و مبارزه قاطعی در راه سرنگونی رژیم شاه و تاراندن امپریالیستها از میهن ما در جهت تابع نمودن مبارزه مردم با رقبای آنها درون امپریالیستی و ارتجاعی و خاصه رقابت دوا بر قدرت تلاش مینماید و از اینرو بجای اتحاد با طبقات زحمتکش جامعه در میان محافل و گروههای ارتجاعی و دولتهای امپریالیستی متحد خویش را میجوید و از این طریق راه جدایی قاطعی جنبش دانشجویی و دمکراتیک را برگزیده اند و قاطعانه مبارزه میکند.

علاوه بر این کنفدراسیون با هرگونه نظرات ارتجاعی از قبیل نظرات گروههای بی چون و چوما نیه "مروژ" و "اکتبرلیک" که بخشی از ارتجاع ایران خاصه محمد رضا شاه را متحد جنبش ما و در موضع مترقی جلوه میدهند قویا مبارزه کرده و از رخنه چنین نظراتی بدرون جنبش دانشجویی خارج جلوه گیری نموده و این امر را از مجموعه مبارزه خود بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم جدا نمیدانند.

در مقابل مسایل و پیشنها داتی اینچنین که در واقع بیان فشرده دستاوردهای جنبش دانشجویی خارج میباشد، راست روان چه کردند؟ از یکسو با توسل به بهانه های بی پایه تشکیلاتی از شرکت در شورا خوداری کرده از سوی دیگر به سرعت بتدارک انشعاب پرداختند. انشعابی که با خروج ایقان از کنفدرانس ۶ ساله مبرهن حوزه و عدم شرکتشان در برنامه های مرکزی سازمان آمریکا و نشی مکرر رهنمودها مرکزیت سازمان آمریکا و برگزاری جلسات جداگانه از سازمان شمال کالیفرنیا بالاخره صورت تحقق به خویش گرفت. آنچه که ایقان کردند در واقع اعلام جدایی از آن مضمون و



معتوی است که نکات بالا ذکرگشته است. امروز شاید بتوان در میان سروصداها و فراوان و بیایه و با  
توسل به حربه‌های نادرست تشکیلاتی مضمون اساسی انشعاب کنونی را بصورت "عدم احترام به حقوق دمکر  
اتیک" و "مژمونی طلایی چپ‌روها" تعریف کرد و برای مدتی نیز به زندگی سیاسی خویش بر این مبنی ادا  
نا دوجمی نیز بر این پایه‌ها با استفاده از محیط گروه گرایانه خارج از کشور بدنبال خویش کشانید.  
امروز شاید بتوان به توده گفت که این انشعاب بدان خاطر صورت پذیرفت که در فلان کنفرانس بر سر آنکه  
کدامین دبیر ریاست سمینا را برعهده گیرد اختلاف موجود بود و در نتیجه به انشعاب کشانیده شد. آری  
شاید امروز بتوان با این چنین مسائلی چندپارگی این یگانگی تشکیلات جنبش دانشجویی خارج از کشور این  
سنگری را که جنبش انقلابی داخل کشوری را داشتند میباید و میباید در توجیه نمود. شاید امروز بتوان  
بر همه چیز مهر "کمیتة مرکزی حزب توده" را کوبید و با اصلاح دستاویز سیاسی نیز فراهم کرد. اما نهضت  
انقلابی مردم با اینگونه توجیهات سروکار نیست. هکست که ندانده انشعاب را ستروان نتیجه مطلق و  
ادامه سیاستی است که اینان در چند سال گذشته دنبال نموده و تعمیق داده اند. هکست که ندانده که این انشعاب  
بدان خاطر صورت پذیرفت که راست‌روان‌خواهان مبارزه به گردن ستاردهای نهضت دانشجویی خارج و  
جنبش انقلابی مردم ایران نبوده و راه جدایی کامل از مضمون انقلابی نهضت را آغاز نموده اند. آنچه که  
اینان کردند پشت پا زدن به تمامی دستاوردها و اصول جنبش دانشجویی خارج و کنفدراسیون جهانی بود  
نه هیچ چیز دیگر.

مبارزه‌ای که پس از کنگره ۱۲ کنفدراسیون جهانی بگرد خط مشی و برنامه مبارزاتی کنفدراسیون آغاز  
گردیده بود اکنون عالیت‌ترین تبلور خویش را بصورت تشکیلاتی چندگانه در نهضت دانشجویی خارج از کشور  
ظاهر نموده است. مریک از این تشکیلات در واقع همان مضمون و محتوی سیاسی را دنبال میکنند که در  
کنگره ۱۲ کنفدراسیون به پیش گذاشته بودند. دوسایست دوشی در عالیت‌ترین حد تکامل خویش به دو  
تشکیلات انجامیده است.

خواست ما در این مختصر آن نبوده که به ذکر وقایع این یا آن جلسه. این موضع و یا آن برجسب  
پردازیم. زیرا مقتضای اینگونه مسائل تنها تبلوراتی از آن مبارزه است که در درون نهضت  
دانشجویی در جریان بوده است. اما چنانچه که لازم آید در آینده به این کار نیز اقدام خواهیم ورزید  
و از طرف دیگر خواهیم کوشید تا در اسرع وقت تاریخ تکاملی مبارزه درونی کنفدراسیون و بویژه خط راست  
را در سلسله جاسمی در اختیار همگان قرار دهیم.

#### رفیقان

امروز در شرایطی که بحران همه جانبه و فزاینده اقتصادی حاکم بر جامعه فلاکت زده ما از یک  
حکومت ترور و خفقان محمدرضا شاهی از سوی دیگر برگردیده خلق ستم‌دیده ایران شلاق میکشند. در شرایطی  
که رژیم ژاندارم منصف پهلوی بحکم اربابان آمریکایی بکشتار خلق قهرمان عمان پرداخته است.  
در شرایطی که رژیم دلاورانه خلق قهرمان ایران از کارگران و محققان تا دانشجویان و روحانیان مبارز  
و بلاخره سازمانها و گروههای انقلابی و مسلح اوجی نوین یافته است. در شرایطی که حکومت پهلوی  
سپیل برنامه‌های تبلیغاتی رنگارنگ و ناشیسم رستاخیز را در خارج از کشور نیز جریان داده است،  
وظایف خالصی بر دوش ما سنگینی میکنند، وظایفی که از همه سو و با تمام نیرو باید به برآورد  
آنان همت گماریم.

باید که برگرد دستاوردهای نهضت دانشجویی خارج و جنبش انقلابی خلق متحد شده و بی‌مثال به گردانی  
مبارزات جنبش انقلابی خلق ایران وسیع‌ترین مبارزات را در تمامی زمینه‌ها بر علیه حکومت منفور  
پهلوی و اربابان امپریالیست برپا سازیم. از دیگر سو از آنجا که کماکان زمینه عینی اتحاد بگرد  
یک سیاست و برنامه قاطع ضد رژیمی از میان نرفته است باید برای اتحاد مجدد مجموعه جنبش  
دانشجویی خارج از کشور بگرد این چنین سیاستی و برنامه‌ای کوشا باشیم.

رژیم محمدرضا شاهی از بحران و نابسا مانیهای کنونی نهضت دانشجویی خارج شادمان است.

اما مبارزه قاطع و گسترده در راه آرمانهای والای خلق دلاور ایران و کوشش جهت اتحاد مجدد  
مجموعه جنبش دانشجویی خارج بگرد اینچنین آرمانهایی شادمانی ویرا به عزایعی مبدل خواهند  
ساخت. در این راه بکوشیم.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق قهرمان  
ایران  
سرنگون باد رژیم منفور پهلوی. کوتاه باد دست امپریالیستها  
از ایران  
مرگ بر دو ابر قدرت آمریکا و شوروی  
جای دادن باد خاطره شهدای خلق  
اتحاد - مبارزه - پیروزی

سازمان دانشجویان ایرانی در شمال کالیفرنیا



سند شماره ۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (خط میانه و مخدوش کردن خط مشی سیاسی جمهوری توده‌ای چین)

"از دیگر مسائل مهم مقابل پای کنفدراسیون جهانی و نهضت دانشجویی خارجه مسئله چگونگی برخورد به ترها و نظرات ارتجاعی سازمان‌هایی از قبیل "اومانیته روژ" و "اکتبر لیک" می‌باشد. امروز در سطح جهانی ما شاهد تغییرات شگرفی می‌باشیم. از یکسو بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی امروز عمقی نوین یافته و در نتیجه تضادهای میان امپریالیست‌های گوناگون و در صدر آنها دو ابرقدرت به منتهی درجه تشدید یافته است و از سوی دیگر انقلاب در سر تا سر جهان گسترش یافته و صفوف خلق‌ها و ملل ستم‌دیده جهان کشورهای انقلابی و از بند رسته و کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری در مقابل امپریالیست‌ها و سگان زنجیری‌شان صف‌بندی کرده و در سر تا سر جهان نبردی سهمگین در جریان است. در شرایطی این چنین سازمان‌هایی چون "اکتبر لیک" و "اومانیته روژ" به تبلیغ سیاست‌هایی اقدام ورزیده‌اند که سازش میان خلق و ضد خلق، مخدوش نمودن صفوف انقلاب و دفاع از نیروهای ارتجاعی را به پیش می‌گذارند، اینان در حرف و در عمل به دفاع از حکومت جلاد منش شاه و امپریالیسم برخاسته و جنبش مردم ایران را به سازش با این دشمنان ترغیب نموده‌اند. مانورهای شاهانه از دیدگاه اینان مبارزه با امپریالیسم و کشتار خلق دلاور عمان از نظر اینان جلوگیری از نفوذ ابرقدرت شوروی و به پیش گذاردن خواست سرنگونی این رژیم بدیده اینان ترسکیستی و چپ روانه می‌باشد و ردیالانه‌تر آنکه مداحی رژیم‌هایی چون شاه و قابوس را اینان بنام کشوری چون جمهوری توده ای چین انجام می‌دهند. این کار لجن پاشی بروی پرچم سرخ توده‌ای چین و آرمان‌های کبیر انقلابی آنست. راست روان جنبش دانشجویی خارجه در زمانی که این سازمان‌ها موازین و منافع خلق‌های ایران و عمان را لگد مال کرده و مردم را به اتحاد با شاه و قابوس می‌خواندند، در زمانی که اینگونه سازمان‌ها بجای براه انداختن تظاهرات‌های اعتراضی در مقابل شاه به مقابله با مبارزات دفاعی کنفدراسیون برمی‌خاستند، بجای مبارزه قاطع با این نظرات و طرد آنان، در عمل این گونه سازمان‌ها را به مثابه متحدین بین‌المللی خویش تلقی کرده و به زیر بال و پر خویش حفاظت نمودند. تزلزل اینان در مقابل نظرات ارتجاعی "اکتبر لیک" و امثالهم محصول تزلزل آنان در مبارزه قاطع ضد رژیمی و ضد امپریالیستی و دیدگاه محدود و عقب‌مانده شان بوده و می‌باشد. از نظر اینان پاسداری از منافع خلق‌های قهرمان عمان و ایران در مقابل حملات ارتجاعی "اکتبر لیک" و امثالهم "کارگزاری استراتژی رویونیسم بین‌المللی" و "ضد کمونیستی" است. افرادی از این قماش باید در درجه اول قبل از برجسب زنی‌هایی این چنین بر خویشان و نظرات خود نگاه کنند تا روشن شود که چه کسانی کارگزاران کدامین سیاست و برنامه اند."

## سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

طرح ها و مسائلی چند برای کنگره امسال

۲۱۳

طرح ها و مسائلی چند برای کنگره امسال

فعالیت سال گذشته در ایران نشان داد که بعضی از مسائل گذشته یا تکرار می شود و یا حدت خود را از دست داده اند، در همین حال برخی مسائل دیگر مطرح شده اند که عموماً تا پیش از این در مرکز فعلی ایران مسائل امر چین، رابطه آن با ایران و مسائل مشترک هر دو کشور است. به غیر از ستیغ با کرسی - ستیغ در ارتباط با کارگزاران - بخوبی بخیر می بیند و حدت چین در سال گذشته بیشتر یافته است. در برخی حالات عکس العمل مدافعان از دانشجویان و فعالین در قبال سیاست خارجی چین، ایران، عکس العمل طبعی - و یا حدت برای نزدیکی و همبستگی و ملی طبعی - بوده است. در اینجا و اینجا بحث می شود که عکس العمل برای هر دو کشور به یکدیگر نزدیک تر گردیده اند. برای مثال کمونیست برای هر دو کشور یک مسئله است. تأثیر هف آفرین هم چین او بقیه کارگران داشت.

در زیر به طرح چند مسئله مهم در این زمینه می پردازیم:

- ۱- رفقای ما و اکثر همکاران ما در چین توده ای با اطلاع در ایران درباره سوزناکترین مسئله توده ای در ایران آذربایجان است. نظر آنان بر اینست که این اطلاع و این موضع گیری در کنگره آینده از طاعت غایت گمان رود. اما طرح این مسئله در کنگره با چند مشکل روبرو خواهد شد.
- اولاً با احتمال کم در اطلاع به اکثریت و اتحادیه آذربایجان به صلاح ما و چین توده ای که با ما همکاری می نماید با اطلاع به دادن استدلال قوی با بحث تقویت جنبه های کمونیست و نزدیکی بیشتر جناح ایران هم چین خواهد شد که این نیز در ایران آذربایجان است. جنبه های دیگر در اطلاع کنگره به مسئله اطلاع به ستیغ و حق کمونیست - غیر ستیغ - هم این مسئله در کنگره مطرح گردد.
- کلیت ما باید آماره باشیم که با طرح برگزیده شدن در چین و ستیغ ها یکی آن با ایران
- در جلد به چین توده ای را بدست خود دارد به بحث مختلف در این زمینه. در اطلاع به ستیغ
- آنها ~~در اطلاع به ستیغ~~ در اطلاع به ستیغ کمونیست کمونیست به ستیغ اطلاع به ستیغ در ایران و فعالین با آن
- در اطلاع به ستیغ خواهد بود - با برگزیده شدن صدای کمونیست و ستیغ در این کنگره به ستیغ
- کمونیست - برای رد اطلاع به ستیغ در ایران - در ایران - با ستیغ با ستیغ اطلاعات
- گاهی در دست در اطلاع به ستیغ به ستیغ و ستیغ به ستیغ به ستیغ به ستیغ
- در حالی که انتظار داریم به ستیغ از طاعت کنگره به ستیغ به ستیغ

۱



۳ - سندگیر م شاید در این نگاره بر سر شود، طرح مجرا منشور کنفداسیون  
 می باشد. از آنجا که سال گذشته نسبت به این منشور، محققان آن و با عرض نکات آن  
 بین رتقا همان سالان نظرات گوناگون و جداول است، لازم است مع این طلب نظر ضررا  
 نسبت به آن ابراز دارد، تا در نگاره بعد رتقا به وجه این نکته باشد. ~~معمول~~ معین بر این  
 نظرات <sup>منشور</sup> اساس ~~محور~~ جمع و قابل پذیرش است. چند ایراد کوچک در این جدول وجود دارد.  
 طرح مجرا منشور به طرح این ایرادات کوچک نزدیک نیست چه بحر نشان داده است که عمرها  
 طرح مجرا کشیدیل به نمودش کردن مجموعه و نمایش بیشتر آن بگردد. چنانچه دیگران منشور را  
 طرح کردند تاثیر متواضع به تقسیم آن پیرازیم. تا اگر این <sup>نقطه</sup> نظر طایفه منشور است، باید  
 تبیین کند که باید کردگی کرد و آنرا در نگاره طرح یافت

۴ - پیشنهاد میشود که طبق تقریب هفت مرکز را در کنار رتقا نظر سوانتی بر هفت  
 در ما هم نظر سوانتی را برای بررسی کنفداسیون به هم گوشه گذاری جهت باشد که با سه نوازه جمله ملی  
 به کار شود چنانچه مرتب شکست، طرح صد به هفت مرکز معین بر اینها است غیر مستقیم و غیر  
 در آن میزان متن با جدول از آن دیگر غیر مدنی نیست عملی گردد.

۵ - برای در بر این ندراسیون و کنفداسیون پیشنهاد میشود که رتق گودرز، رتق ارس  
 رتق



سند شماره ۹ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

### "طرح‌ها و مسائلی چند برای کنگره امسال"

فعالیت سال گذشته دبیران نشان داد که بعضی از مسائل گذشته یا تقریباً حل شده و یا حدت خود را از دست داده‌اند، در عین حال برخی مسائل دیگر پدید آمده‌اند که عموماً تازگی دارند. و مرکز ثقل این مسائل امر چین، رابطه آن با ایران و مسائل دیگری که بهر حال مستقیم یا غیر مستقیم با مارکسیسم-لنینیسم در ارتباط‌اند قرار گرفته‌اند. به خوبی می‌توان دید که ضدکمونیسم و ضد چینی در سال گذشته رشد یافته است. در برخی حالات عکس‌العمل عده‌ای از دانشجویان و فعالین در قبال سیاست خارجی چین با ایران، عکس‌العملی طبیعی - و یا حداقل برای فردی غیر کمونیست و ملی طبیعی - بوده است که متأسفانه در این جا و آن جا تحت تاثیر عکس‌العمل‌های ضد کمونیستی قرار گرفته‌اند و مجموعاً در یک موضع قرار گرفته‌اند. شرایط کنونی برای جدا کردن دانشجویان میهن پرست ملی از ضد کمونیست‌ها بسیار دشوار است. آن چه روشن است آنست که کنگره آینده تا حدود زیادی تحت تاثیر صف آرائی ضد چینی‌ها و بقیه قرار خواهد داشت.

در زیر به طرح چند مسئله مهم و پیشنهاداتی در این زمینه می‌پردازم:

۱ - رفقای ما و اکثر هواداران چین توده‌ای با درج اطلاعاتی دبیران در باره سفر اشرف به چین توده‌ای در ۱۶ آذر مخالف‌اند. نظر آنان بر اینست که این اطلاعات و این موضع‌گیری در کنگره آینده از طرف نمایندگان رد شود. اما طرح این مسئله در کنگره با چند مشکل روبرو خواهد شد.

اولاً به احتمال قوی رد اطلاعاتی، رای اکثریت را نخواهد آورد و این به صلاح ما و چین توده‌ای نخواهد بود. ثانیاً مخالفت با اطلاعاتی بدون استدلال قوی باعث تقویت جبهه‌ی ضد کمونیست‌ها و نزدیکی بیش‌تر جناح‌های ضد چینی خواهد گشت که این نیز زیان آور است. پیشنهاد می‌شود که ما طرح‌کننده مسئله اطلاعاتی نباشیم و حتی کوشش کنیم - غیر مستقیم - که این مسئله در کنگره مطرح نگردد.

لیکن ما باید آماده باشیم که با طرح هرگونه پیشنهادی در زمینه چین و سیاست خارجی آن با ایران که حمله به چین توده‌ای را هدف خود دارد به شدت مخالفت ورزیم.

۲ - کوشش کنیم به جای طرح مجدد اطلاعاتی دبیران و مخالفت با آن - که از هر لحاظ مشکل خواهد بود - با هرگونه صدای ضد کمونیستی و پیشنهاد ضد چینی در این کنگره مبارزه کنیم. برای رد اطلاعاتی که دبیران - و تنها دبیران - ماه‌ها قبل با زیرکی خاصی و استدلالات گاهی درست در ۱۶ آذر به چاپ رسانده‌اند ما ناتوانیم و جبهه قوی‌ای نمی‌توانیم به دنبال خود بکشیم در حالی که رد انتقاد و حمله به چین از طرف کنگره به مراتب سهل‌تر است.

۳ - مسئله دیگر که شاید در این کنگره بررسی شود، طرح مجدد منشور کنفدراسیون می‌باشد. از آن جا که در سال گذشته نسبت به این منشور، محتوی آن و یا برخی نکات آن بین رفقای سازمان نظرات گوناگون وجود داشت، لازم است که این جلسه نظر خود را نسبت به آن ابراز دارد، تا در کنگره جمله‌ی رفقا موضع یکسان داشته باشند. بر این نظرم که منشور در اساس خود صحیح و قابل پذیرش است. چند ایراد کوچک در این جا و آن جا وجود دارد. طرح مجدد منشور به خاطر رفع این ایرادات کوچک نیز درست نیست. چه تجربه نشان داده است که عموماً طرح مجدد برای رفع ایرادات غیرمهم تبدیل به مخدوش کردن مجموعه و نارسائی بیش‌تر آن می‌گردد. چنانچه دیگران منشور را مطرح کردند ما نیز می‌توانیم به تصحیح آن بپردازیم. اما اگر رفقا نظر دارند که منشور اساساً باید تغییر کند که باید فکر دیگری کرد و آن را در کنگره مطرح ساخت.

۴ - پیشنهاد می‌شود که طبق تصویب هئیات مرکزی اکنون رفقا نظر موافق بدهند که ما دو نفر کاندید برای دبیری کنفدراسیون بدهیم کوشش ما در این جهت باشد که با سه نفر از جبهه ملی همکاری شود چنانچه موفق نگشتیم، طرح مصوبه هیات مرکزی مبنی بر انتخابات غیر لیستی و شرکت در هیات دبیران حتی با وجود افراد دیگر غیر روبریزونیست عملی گردد.

برای دبیران فدراسیون و کنفدراسیون پیشنهاد می‌شود: رفیق گودرز، رفیق آرش."

## سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کفدراسیون)

## بخشنامه داخلی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

رفقای عزیز

راجع بمسائلی که در مورد مناسبات دولتی میان جمهوری توده‌ای چین و دولت ایران پیش آمده است توجه شما را به مراتب زیرین معطوف می‌داریم. <sup>روشن است، ما جمهوری توده‌ای چین</sup> نظر سازمان ما به جمهوری توده‌ای چین را که برهبری حزب بزرگ کمونیست چین و رفیق مائوتسه دون، رهبر خلق چین و همه خلق‌های جهان، در ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم به پیش می‌رود، تسخیر ناپذیر سوسیالیسم و مدافع نیرومند خلق‌های مبارز سراسر گیتی میدانیم. ما سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین را که مطابق با ماده ۱۶، "پیشنهاد درباره خط مشی اصلی جنبش بین‌المللی <sup>روشن است</sup> کاملاً تأیید می‌کنیم. ماده مذکور چنین است:

"بسط و توسعه مناسبات دولتی، کمک متقابل و همکاری بین کشورهای اردوی سوسیالیستی مبتنی بر پایه اصل انترناسیونالیسم پرلتری، مبارزه در راه همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای دارای نظام‌های گوناگون بر اساس اصول پنج-گانه و مبارزه علیه سیاست تجاوز و جنگ امپریالیسم، و پشتیبانی از مبارزات انقلابی خلق‌ها و ملل ستمدیده. تمام این سه نکته رابطه متقابل داشته از یکدیگر جدائی ناپذیر بوده و از یکی از آنها نمیتوان صرف نظر کرد."

بویژه در این موقع که امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیست‌ها بمنظور انفراد جمهوری توده‌ای چین و محاصره آن و حمله بر این مرکز انقلاب جهانی بدسیسه سازی مشغول‌اند ما برای عادی شدن روابط جمهوری توده‌ای چین و دولت‌های با رژیم‌های دیگر مبارزه می‌کنیم و این امر را در جهت تقویت نفوذ جمهوری توده‌ای چین و تضعیف امپریالیسم و سوسیال‌امپریالیسم و بسود خلق‌های گیتی می‌شماریم.

نظر سازمان ما نسبت با استقرار روابط سیاسی میان جمهوری توده‌ای چین و ایران و چگونگی آن روشن است. ما علی‌الاصول هوادار استقرار چنین روابطی هستیم ولی این امر به هیچ وجه نباید در قضاوت درباره ماهیت ارتجاعی و ضد ملی رژیم کودتا و در مبارزه بر ضد آن خدشه‌ای ایجاد کند. رژیم ایران کوشیده است و میکوشد تا اقدام خود را وسیله سوء استفاده قرار دهد و در نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی ایران تفاق بیفکند. وظیفه ما افشا این دسیسه است. بعقیده سازمان ما پا در میانی پر تظاهر اشرف پهلوی و سایر افراد خانواده سلطنتی در امر استقرار روابط با جمهوری توده‌ای چین عملاً بمنظور گل آلود کردن آب و ایجاد شبهاتی بسود رژیم ارتجاعی و ضد ملی محمد رضا شاه صورت گرفته است. سازمان ما نقش شاه را در سرنگونی حکومت مصدق و بر هم زدن عملی قانون ملی شدن صنعت نفت و حراج ثروت‌های ملی ایران از نظر دور نمیدارد و نقش کونی نمایندگان او را در اویک نقش منافقانه و تفرقه افکنانه تشخیص میدهد. ما با هرگونه نظری که احیاناً در ماهیت رژیم محمد رضا شاه بعنوان رژیم ضد ملی و وابسته با امپریالیسم شبهه ایجاد کند شدیداً مخالفیم. ما این عقاید خود را صریحاً و مشروحاً در صفحات توفان اعلام داشته و جای هیچگونه تردید باقی نگذاشته‌ایم.

اما بدیهی است که بر خور ما بهر عمل جمهوری توده‌ای چین که مرکز انقلاب جهانی و بزرگترین مدافع خلق‌های جهان و از جمله خلق ایران است بر خور دوستانه است. ما معتقدیم که برای انقلاب کردن باید خواه در داخل کشور و خواه در عرصه بین‌المللی نیروهای دوست را از دشمن باز شناخت و آنگاه با هر یک از آنها رفتاری جزاگانه داشت. اختلاط دوست با دشمن و اتخاذ روش یکسان نسبت به هر دو آنها نشانه نابینایی سیاسی و مایه شکست حتمی است. در اوضاع بغرنج کونی جهان و ایران پیش‌آمدن مسائلی که حل آنها محتاج توضیح صبورانه و تبادل نظر صمیمانه در میان نیروهای دوست باشد کم نخواهد بود و هر روش دیگری که در مورد اینگونه مسائل اتخاذ شود مسلماً اشتباه‌آمیز و بسود دشمنان تفاق افکن است.

مأسفانه در جریانات ماههای اخیر حتی برخی از عناصر میهن پرست و دموکرات نیز تحت تأثیر عمل فتنه انگیز و تفاق افکن و رویزیونیست‌ها قرار گرفته‌اند و دانسته یا نادانسته به تبلیغات ضد کمونیستی و ضد جمهوری توده‌ای چین دامن می‌زنند. انعکاس این امر را میتوان در کفدراسیون دانشجویان مشاهده کرد که در آنجا افرادی در تلاش‌اند تا برخی از نکات چگونگی استقرار روابط ایران با جمهوری توده‌ای چین را دستاویز ساخته کفدراسیون را به اتخاذ روش دشمنانه نسبت به جمهوری توده‌ای چین یکشانند. بجای آنکه در موقع خود به تماس دوستانه با اتحادیه دانشجویان چین و مقامات اجتماعی و دولتی جمهوری توده‌ای چین بپردازند و مسائل را صمیمانه در میان گذارند با انتشار نامه سرگشاده غیر دوستانه است زدند و کفدراسیون را در موقعیت نا استوار و نادرست قرار دادند. سپس چون کنگره سیزدهم کفدراسیون به اقدامی بر ضد جمهوری توده‌ای چین رضایت نداد برخی از عناصر اصرار ورزیدند که چگونگی سیاست جمهوری توده‌ای چین نسبت با ایران بعنوان مسئله شبهه انگیزی در دستور بحث سازمان‌ها قرار گیرد و اینک با وجود آنکه مسائل بسیار مهمی مربوط بمبارزات روز مردم ایران در برابر سازمان‌های دانشجویی مطرح است مقرر گردیده که چهار جلسه از جلسات آنها ببحث درباره سیاست مذکور اختصاص یابد. بدیهی است که اگر کفدراسیون با اتخاذ روش غیر



- ۲ -

دوستانه نسبت به جمهوری توده‌ای چین کشانده شود و مرکز سوسیالیسم و انقلاب جهانی را با امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم در یک ردیف بگذارند این امر فقط مایه شادی رویزیونیست‌ها و تقویت مواضع امپریالیست‌ها و نیروهای ارتجاعی و بزیان خلق ما و از آنجمله بزیان کفدراسیون جهانی خواهد بود و شکست بزرگ بر اعتبار او وارد خواهد کرد.

وظیفه رفقای ماست که در سازمان های دانشجویی و در کنگره کفدراسیون روشنی موافق مصالح نیروهای انقلابی ایران و منافع کفدراسیون دانشجویان اتخاذ کنند. ما باید در کلیه مجامع و محافل دانشجویی با تمام قوا بکوشیم که اولاً مواضع خود را نسبت بر رژیم ضد ملی محمد رضا شاه گسلاروشن نگهداریم و نقش او را در خاورمیانه و در سازمان اوپک بر ملا گردانیم. ثانیاً ماهیت جمهوری توده‌ای چین را که محصول ده‌ها سال مبارزات بی سابقه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است، کانون سوسیالیسم و انقلاب است بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی و مدافع خلقهای جهان است، هم‌رزم دوشادوش خلق کره در جنگ بر ضد تجاوز امپریالیسم آمریکا بوده است، پشت جبهه خلق دلاور ویتنام است، یاری رساننده بنهضت فلسطین و ظفار است بخوبی توضیح دهیم. ثالثاً این نکته را روشن گردانیم که اگر چه در روابط جمهوری توده‌ای چین با دولت ایران نکات قابل بحث و مورد اختلافی پیش آمده باشد این امر هرگز نباید در قضاوت ما نسبت به جمهوری توده‌ای چین سایه بیفکند و هرگز نباید روش ما با شائبه دشمنی آلوده گردد. و بدیهی است که گذراندن قطعنامه بر ضد جمهوری توده‌ای چین عیبی است دشمنانه و ناشی از یکسان گرفتن دوست و دشمن.

باین طریق رفقای ما با <sup>توجه</sup> صبورانه و جلب نظر توده دانشجویان با تمام قوا خواهند کوشید که در مجامع و محافل دانشجویی و در کنگره کفدراسیون از گذراندن قطعنامه بر علیه جمهوری توده‌ای چین جلوگیری و امید بسیار می‌رود که نیروهای سالم در کفدراسیون غلبه کنند و نگذارند کفدراسیون در سرانسیب ضد کمونیستی بلغزد و اقدامی بسود رویزیونیست‌ها و عمال ارتجاع و امپریالیسم انجام دهد.

اما اگر مبارزات رفقای ما موثر واقع نشد و کنگره با اکثریت آراء در صدور قطعنامه ای بر علیه جمهوری توده‌ای چین بر آمد آن آخرین اقدام برای حفظ کفدراسیون از این لغزش بد فرجام چه خواهد بود؟

بنظر ما در چنین مرحله‌ای - و فقط در چنین مرحله‌ای - رفقای ما پیشنهاد بدهند که کنگره پیش از اتخاذ نظر و بجای صدور قطعنامه مذکور هیئتی برای تماس با مقامات دانشجویی و سایر مقامات اجتماعی و دولتی جمهوری توده‌ای چین و توضیح مواضع کفدراسیون و مبادله آراء به جمهوری توده‌ای چین اعزام دارد. شاید این اقدام نیز نتواند از فتنه‌انگیزی برخی از عناصری که در دشمنی با جمهوری توده‌ای چین عناد می‌ورزند جلوگیری و معلوم نیست پس از آن نامه غیر دوستانه ای که هیئت دبیران کفدراسیون در مورد سیاست چین توده‌ای نگاشتند درخواست ملاقات و مذاکره از طرف کفدراسیون در نزد رفقای چینی به نتیجه برسد. ولی در هر صورت، شاید این پیشنهاد بتواند در برابر اقدام نسنجیده و زیان بخش صدور قطعنامه بر ضد جمهوری توده‌ای چین مانعی ایجاد کند.

هنوز تا تشکیل کنگره کفدراسیون و فدراسیون وقت باقی است و این مدت مسلماً حوادث بسیاری در انتظار ماست. ولی از هم اکنون باید رفقای ما درباره روش سازمان ما در مسئله فوق کاملاً روشن باشند و بر طبق آن مبارزات خود را در مراحل مختلف گسترش دهند. ما امید بسیار داریم که مبارزات رفقای ما و سایر نیروهای سالم درون کفدراسیون بتواند بتواند توده دانشجویان را که علی‌الاصول دوستدار جمهوری توده‌ای چین اند بسیج کند و آنها را در جلوگیری از اقدامات ضد کمونیستی و ضد جمهوری توده‌ای چین در کفدراسیون موفق گرداند.

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

ظ ۴۸ - ۴۸ مه ۱۹۷۲



سند شماره ۱۰ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

## "بخشنامه داخلی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان"

رفقای عزیز

راجع به مسائلی که در مورد مناسبات دولتی میان جمهوری توده‌ای چین و دولت ایران پیش آمده است توجه شما را به مراتب زیرین معطوف می‌داریم.

نظر سازمان ما به جمهوری توده‌ای چین روشن است. ما جمهوری توده‌ای چین را که به رهبری حزب بزرگ کمونیست چین و رفیق مائوتسه دون، رهبر خلق چین و همهٔ خلق‌های جهان، در ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم به پیش می‌رود دژ تسخیر ناپذیر سوسیالیسم و مدافع نیرومند خلق‌های سراسر گیتی می‌دانیم. ما سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین را که مطابق با مادهٔ ۱۶ "پیشنهاد در بارهٔ خط مشی اصلی جنبش بین‌المللی کمونیستی" است کاملاً تأیید می‌کنیم. مادهٔ مذکور چنین است:

"بسط و توسعهٔ مناسبات دولتی، کمک متقابل و همکاری بین کشورهای اردوی سوسیالیستی مبتنی بر پایهٔ اصل انترناسیونالیسم پرولتری، مبارزه در راه همزیستی مسالمت‌آمیز با کشورهای دارای نظام‌های گوناگون‌اند بر اساس اصول پنج‌گانه و مبارزه علیه سیاست تجاوز و جنگ امپریالیسم، و پشتیبانی از مبارزات انقلابی خلق‌ها و ملل ستمدیده، تمام این سه نکته رابطهٔ متقابل داشته از یکدیگر جدائی ناپذیر بوده و از یکی از آنها نمی‌توان صرف‌نظر کرد".

بویژه در این موقع که امپریالیست‌ها و سوسیال امپریالیست‌ها به منظور انفراد جمهوری توده‌ای چین و محاصرهٔ آن و حمله بر این مرکز انقلاب جهانی به دسیسه‌سازی مشغولند ما برای عادی شدن روابط جمهوری توده‌ای چین و دولت‌هایی با رژیم‌های دیگر مبارزه می‌کنیم و این امر را در جهت تقویت نفوذ جمهوری توده‌ای چین و تضعیف امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و بسود خلق‌های گیتی می‌شماریم.

نظر سازمان ما نسبت با استقرار روابط سیاسی میان جمهوری توده‌ای چین و ایران و چگونگی آن روشن است. ما علی‌الاصول هوادار استقرار چنین روابطی هستیم ولی این امر به هیچ وجه نباید در قضاوت در بارهٔ ماهیت ارتجاعی و ضد ملی رژیم کودتا و در مبارزه بر ضد آن خدشه‌ای ایجاد کند. رژیم ایران کوشیده است و می‌کوشد تا اقدام خود را وسیلهٔ سوء استفاده قرار دهد و در نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی ایران نفاق بیفکند. وظیفهٔ ما افشاء این دسیسه است. بعقیدهٔ سازمان ما با درمیانی پر تظاهر اشرف پهلوی و سایر افراد خانوادهٔ سلطنتی در امر استقرار روابط با جمهوری توده‌ای چین عملاً به منظور گل آلود کردن آب و ایجاد شبهاتی بسود رژیم ارتجاعی و ضد ملی محمد رضا شاه صورت گرفته است. سازمان ما نقش شاه را در سرنگونی حکومت مصدق و برهم زدن عملی قانون ملی شدن صنعت نفت و حراج ثروت‌های ملی ایران از نظر دور نمی‌دارد و نقش کنونی نمایندگان او را در اوپیک نقش منافقا نه و تفرقه افکنانه تشخیص می‌دهد. ما با هر گونه نظری که احیاناً در ماهیت رژیم محمد رضا شاه رژیم ضد ملی و وابسته به امپریالیسم شبهه ایجاد کند شدیداً مخالفیم. ما این عقاید خود را صریحاً و مشروحاً در صفحات توفان اعلام داشته و جای هیچ‌گونه تردید باقی نگذاشته‌ایم.

اما بدیهی است که برخورد ما به هر عمل جمهوری توده‌ای چین که مرکز انقلاب جهانی و بزرگ‌ترین مدافع خلق‌های جهان و از جمله خلق ایران است برخورد دوستانه است. ما معتقدیم که برای انقلاب کردن باید خواه در داخل کشور و خواه در عرصهٔ بین‌المللی نیروهای دوست را از دشمن باز شناخت و آنگاه با هر یک از آنها رفتاری جداگانه داشت. اختلاط دوست با دشمن و اتخاذ روش یکسان نسبت به هر دو آنها نشانهٔ نابینائی سیاسی و مایهٔ شکست حتمی است. در اوضاع بغرنج کنونی جهان و ایران پیش آمدن مسائلی که حل آنها محتاج توضیح صبورانه و تبادل نظر صمیمانه در میان نیروهای دوست باشد، کم نخواهد بود و هر روش دیگری که در مورد اینگونه مسائل اتخاذ شود مسلماً اشتباه‌آمیز و بسود دشمنان نفاق افکن است.

متأسفانه در جریان‌های اخیر حتی برخی از عناصر میهن‌پرست و دموکرات نیز تحت تأثیر عمال فتنه‌انگیز و نفاق‌افکن و رویزیونیست‌ها قرار گرفته‌اند و دانسته یا نادانسته به تبلیغات ضد کمونیستی و ضد جمهوری توده‌ای چین دامن می‌زنند.

انعکاس این امر را می‌توان در کنفدراسیون دانشجویان مشاهده کرد که در آنجا افرادی در تلاش اند تا برخی از نکات چگونگی استقرار روابط ایران با جمهوری توده ای چین را دست‌آویز ساخته کنفدراسیون را به اتخاذ روش دشمنانه نسبت به جمهوری توده ای چین بکشانند. بجای آنکه در موقع خود به تماس دوستانه با اتحادیه دانشجویان چین و مقامات اجتماعی و دولتی جمهوری توده ای چین بپردازند و مسائل را صمیمانه در میان گذارند بابتشار نامه سرگشاده غیر دوستانه دست زدند و کنفدراسیون را در موقعیت نا استوار و نادرست قرار دادند. سپس چون کنگره سیزدهم کنفدراسیون به اقدامی بر ضد جمهوری توده‌ای چین رضایت نداد برخی از عناصر اصرار ورزیدند که چگونگی سیاست جمهوری توده‌ای چین نسبت بایران مسئله شبهه انگیزی در دستور بحث سازمان‌ها قرار گیرد و اینک با وجود آنکه مسائل بسیار مهمی مربوط به مبارزات روز مردم ایران در برابر سازمان‌های دانشجویی مطرح است مقرر گردیده که چهار جلسه از جلسات آنها به بحث درباره سیاست مذکور اختصاص یابد. بدیهی است که اگر کنفدراسیون به اتخاذ روش غیر دوستانه نسبت به جمهوری توده‌ای چین کشانده شود و مرکز سوسیالیسم و انقلاب جهانی را با امپریالیسم و سوسیال‌امپریالیسم در یک ردیف بگذارند این امر فقط مایه شادی رویزونیست‌ها و تقویت مواضع امپریالیست‌ها و نیروهای ارتجاعی و بزبان خلق ما و از آنجمله بزبان کنفدراسیون جهانی خواهد بود و شکست بزرگ بر اعتبار او وارد خواهد کرد. وظیفه رفقای ماست که در سازمان‌های دانشجویی و در کنگره کنفدراسیون روشی موافق مصالح نیروهای انقلابی ایران و منافع کنفدراسیون دانشجویان اتخاذ کنند. ما باید در کلیه مجامع و محافل دانشجویی با تمام قوا بکوشیم که اولاً مواضع خود را نسبت به رژیم ضد ملی محمد رضا شاه کاملاً روشن نگه‌داریم و نقش او را در خاورمیانه و در سازمان اوپک برملا گردانیم. ثانیاً ماهیت جمهوری توده‌ای چین را که محصول ده‌ها سال مبارزات بی سابقه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است، کانون سوسیالیسم و انقلاب است، بزرگ‌ترین نیروی ضد امپریالیستی و مدافع خلق‌های جهان است، هم‌رمز دوشادوش خلق کره در جنگ بر ضد تجاوز امپریالیسم آمریکا بوده است، پشت جبهه خلق دلاور ویتنام است، یاری رساننده به نهضت فلسطین و ظفار است بخوبی توضیح دهیم. ثالثاً این نکته را روشن گردانیم که اگر چه در روابط جمهوری توده‌ای چین با دولت ایران نکات قابل بحث و مورد اختلافی پیش آمده باشد این امر هرگز نباید در قضاوت ما نسبت به جمهوری توده ای چین سایه بیفکند و هرگز نباید روش ما با شائبه دشمنی آلوده گردد. و بدیهی است که گذراندن قطعنامه بر ضد جمهوری توده ای چین عملی است دشمنانه و ناشی از یکسان گرفتن دوست و دشمن.

به این طریق رفقای ما با توضیح صبورانه و جلب نظر توده دانشجویان با تمام قوا خواهند کوشید که در مجامع و محافل دانشجویی و در کنگره کنفدراسیون از گذراندن قطعنامه بر علیه جمهوری توده ای چین جلوگیری و امید بسیار می‌رود که نیروهای سالم در کنفدراسیون غلبه کنند و نگذارند کنفدراسیون در سراسیمه‌ی ضد کمونیستی بلغزد و اقدامی بسود رویزونیست‌ها و عمال ارتجاع و امپریالیسم انجام دهد.

اما اگر مبارزات رفقای ما موثر واقع نشد و کنگره با اکثریت آراء در صدد صدور قطعنامه‌ای بر علیه جمهوری توده‌ای چین بر آمد آن آخرین اقدام بر ای حفظ کنفدراسیون از این لغزش بد فرجام چه خواهد بود؟

بنظر ما در چنین مرحله‌ای - و فقط چنین مرحله‌ای - رفقای ما پیشنهاد بدهند که کنگره پیش از اتخاذ نظر و بجای صدور قطعنامه مذکور هئیتی برای تماس با مقامات دانشجویی و یا سایر مقامات اجتماعی و دولتی جمهوری توده‌ای چین و توضیح مواضع کنفدراسیون و مبادله آراء به جمهوری توده‌ای چین اعزام دارد. شاید این اقدام نیز نتواند از فتنه انگیزی برخی از عناصری که در دشمنی با جمهوری توده ای چین عناد می‌ورزند جلو گیرد و معلوم نیست پس از آن نامه غیر دوستانه‌ای که هیئت دبیران کنفدراسیون در مورد سیاست چین توده‌ای نگاشتند در خواست ملاقات و مذاکره از طرف کنفدراسیون در نزد رفقای چینی به نتیجه برسد. ولی در هر صورت، شاید این پیشنهاد بتواند در برابر اقدام نسنجیده و زیان‌بخش صدور قطعنامه بر ضد جمهوری توده ای چین مانعی ایجاد کند.

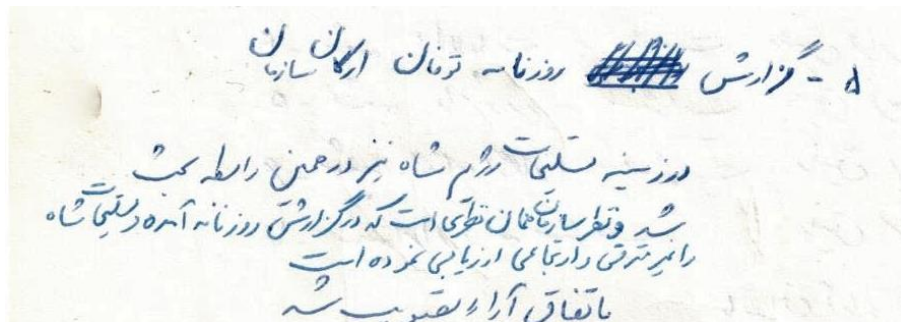
هنوز تا تشکیل کنگره کنفدراسیون و فدراسیون وقت باقی است و این مدت مسلماً حوادث بسیاری در انتظار ماست. ولی از هم اکنون باید رفقای ما درباره روش سازمان ما در مسئله فوق کاملاً روشن باشد و بر طبق آن مبارزات خود را در مراحل مختلف گسترش دهند. ما امید بسیار داریم که مبارزات رفقای ما و سایر نیروهای سالم درون کنفدراسیون بتوانند توده دانشجویان را که علی‌الاصول دوستدار جمهوری توده‌ای چین اند بسیج کند و آنها را در جلوگیری از اقدامات ضد کمونیستی و ضد جمهوری توده‌ای چین در کنفدراسیون موفق گردانند.

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

## سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

## بخشنامه داخلی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان



سند شماره ۱۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

"۵ - گزارش روزنامه توفان ارگان سازمان

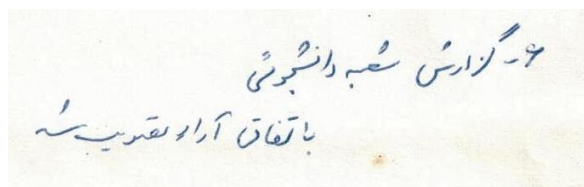
در زمینه تسلیحات رژیم شاه نیز در همین رابطه بحث شد و نظر سازمان همان نظری است که در گزارش روزنامه آمده و تسلیحات شاه را غیر مترقی و ارتجاعی ارزیابی نموده است.  
باتفاق آراء تصویب شد"



## سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

گزارش شعبه دانشجویی



سند شماره ۱۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

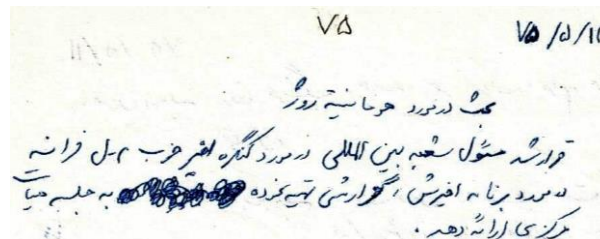
"۶- گزارش شعبه دانشجویی

باتفاق آراء تصویب شد"

## سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

## بحث در مورد هومانیته روژ



سند شماره ۱۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

۱۹۷۵/۵/۱۳"

بحث در مورد هومانیته روژ

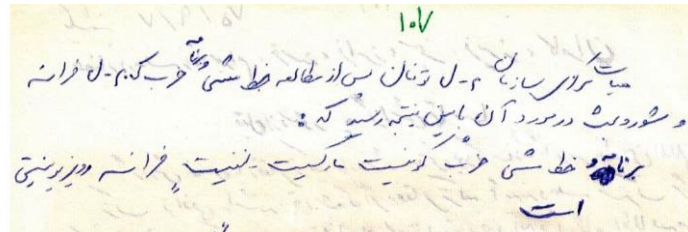
قرار شد مسئول شعبه بین‌المللی در مورد کنگره اخیر حزب م-ل فرانسه در مورد برنامه اخیرش، گزارشی تهیه نموده به جلسه

هیأت مرکزی ارائه دهد."

## سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

برنامه و خط مشی حزب "کمونیست مارکسیست-لنینیست" فرانسه رویونیستی است



سند شماره ۱۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (مواضع توفان در مورد جمهوری توده‌ای چین سوسیالیستی در کنفدراسیون)

"هیات مرکزی سازمان م-ل توفان پس از مطالعه خط مشی و برنامه حزب ک. م-ل فرانسه و شورو بحث در مورد آن به این

نتیجه رسید که:

برنامه و خط مشی حزب "کمونیست مارکسیست-لنینیست" فرانسه رویونیستی است."



## سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

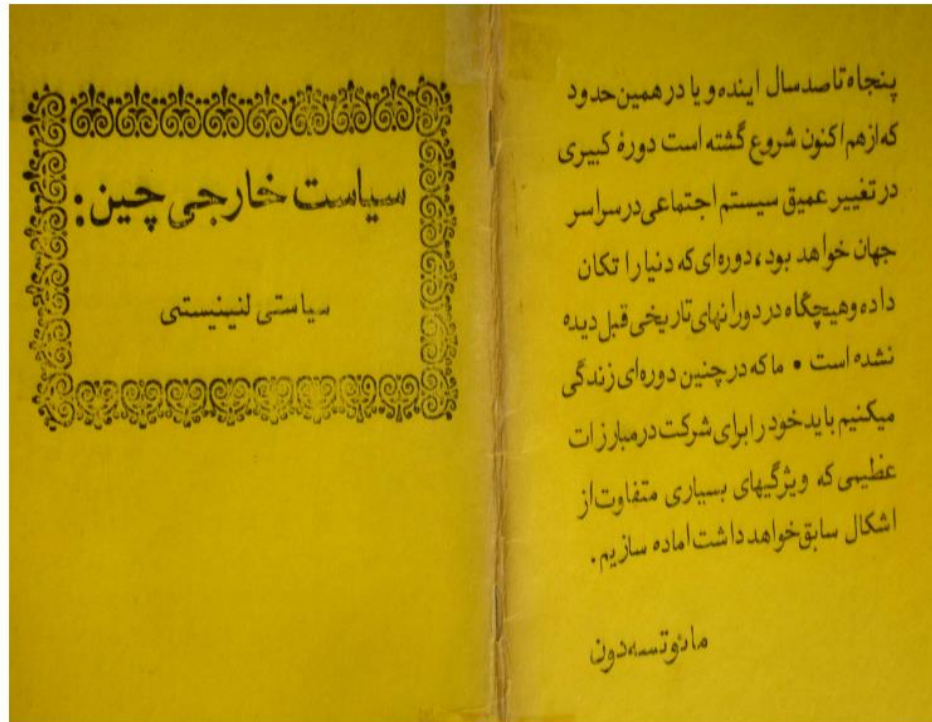
مندرج در بخش: (دودوزه بازی سیاسی خط میانه در مورد اتخاذ موضع نسبت به نظریات انحرافی جمهوری توده‌ای چین)

دفاع از سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین به نام "سیاست خارجی چین: سیاستی لنینیستی"

## سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (دو دوزه بازی سیاسی خط میانه در مورد اتخاذ موضع نسبت به نظریات انحرافی جمهوری توده‌ای چین)

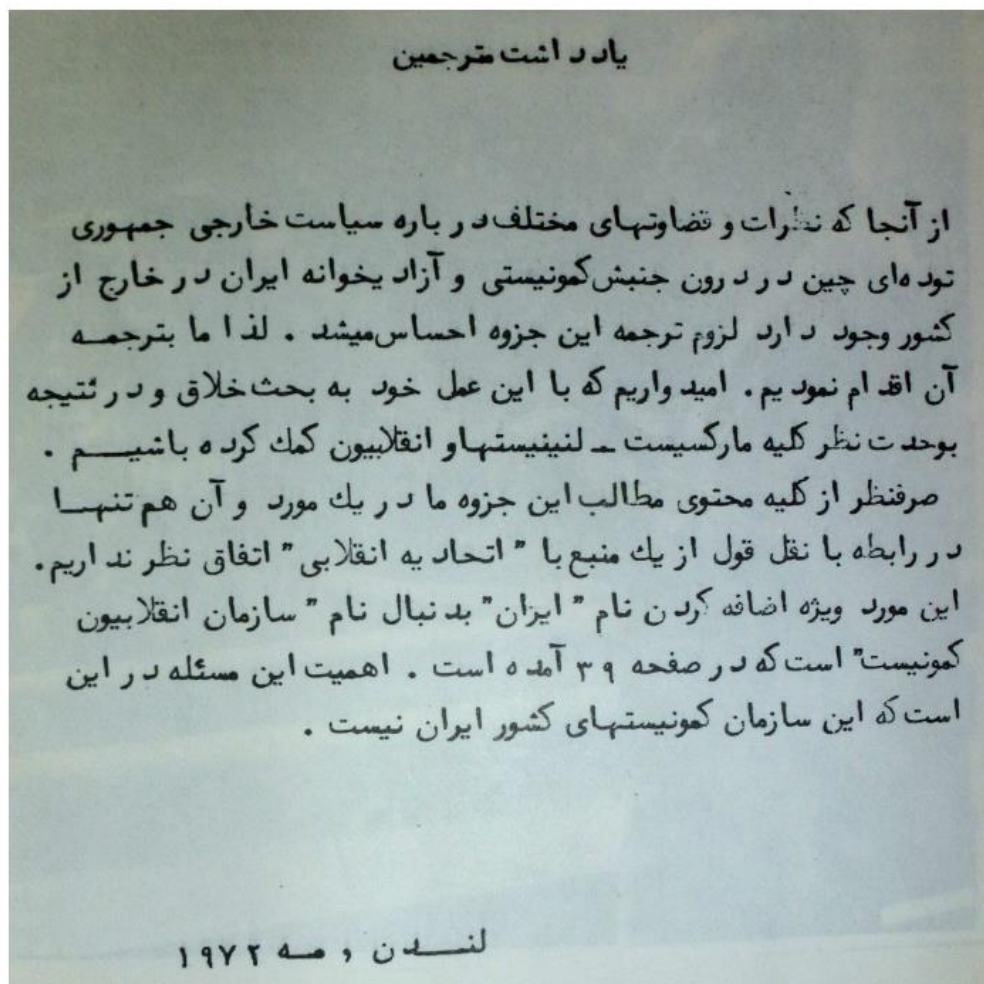
دفاع از سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین به نام "سیاست خارجی چین: سیاستی لنینیستی"



سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (دو دوزه بازی سیاسی خط میانه در مورد اتخاذ موضع نسبت به نظریات انحرافی جمهوری توده‌ای چین)

"این جزوه براساس مصاحبه‌ای با اعضاء نمایندگی اتحادیه انقلابی که در ماه‌های سپتامبر تا اکتبر ۱۹۷۱ از چین بازدید نمودند تدوین گردیده است. اتحادیه انقلابی این جزوه را در پاسخ به یک سری از سئوالاتی که در مورد سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین در سال گذشته مطرح گردیده منتشر می‌نماید. در پایان این جزوه فهرستی از مقالات و جزوات وجود دارد که معتقدیم به درک همه‌جانبه‌تری از اصولی که سیاست خارجی چین را امروز هدایت می‌کند، کمک می‌نماید."



یادداشت مترجمین

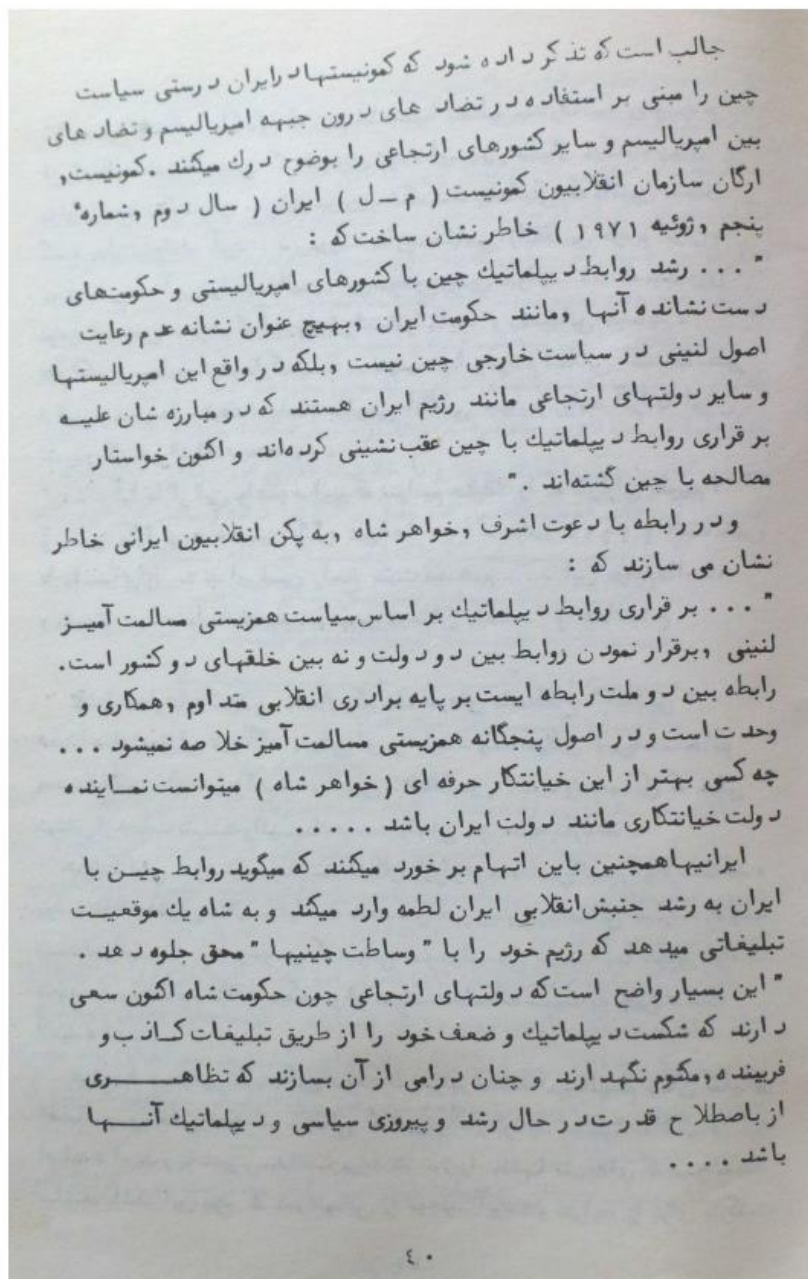
از آنجا که نظرات و قضاوت‌های مختلف درباره سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین در درون جنبش کمونیستی و آزادی‌خواهانه ایران در خارج از کشور وجود دارد لزوم ترجمه این جزوه احساس می‌شود. لذا ما به ترجمه آن اقدام نمودیم. امیدواریم که با این عمل خود به بحث خلاق و در نتیجه بوحث نظر کلیه مارکسیست-لنینیست‌ها و انقلابیون کمک کرده باشیم.

صرفنظر از کلیه محتوی مطالب این جزوه ما در یک مورد و آن هم تنها در رابطه با نقل قول از یک منبع با "اتحادیه انقلابی" اتفاق نظر نداریم. این مورد ویژه اضافه کردن نام "ایران" بدنبال نام "سازمان انقلابیون کمونیست" است که در صفحه ۳۹ آمده است. اهمیت این مسئله در این است که این سازمان کمونیست‌های کشور ایران نیست.

لندن، مه ۱۹۷۲

سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (دو دوزه بازی سیاسی خط میانه در مورد اتخاذ موضع نسبت به نظریات انحرافی جمهوری توده‌ای چین)



سند شماره ۱۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (دو دوزه بازی سیاسی خط میانه در مورد اتخاذ موضع نسبت به نظریات انحرافی جمهوری توده‌ای چین)

"...برقراری روابط دیپلماتیک بر اساس سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز لنینی و برقرار نمودن روابط بین دو دولت و نه بین خلق‌های دو کشور است. رابطه بین دو ملت رابطه‌ایست برپایه برادری انقلابی متداوم، همکاری و وحدت است و در اصول پنجگانه همزیستی مسالمت‌آمیز خلاصه نمی‌شود... چه کسی بهتر از این خیانت‌کار حرفه‌ای (خواهر شاه) می‌توانست نماینده دولت خیانت‌کاری مانند دولت ایران باشد...".



## سیاست خارجی چین:

## سیاستی لنینیستی

"پنجاه تا صد سال آینده و یا در همین حدود که از هم اکنون شروع گشته است دوره کبیری در تغییر عمیق سیستم اجتماعی در سراسر جهان خواهد بود، دوره‌ای که دنیا را تکان داده و هیچ‌گاه در دوران‌های تاریخی قبل دیده نشده است، ما که در چنین دوره‌ای زندگی می‌کنیم باید خود را برای شرکت در مبارزات عظیمی که ویژگی‌های بسیاری متفاوت از اشکال سابق خواهد داشت آماده سازیم

مائوتسه دون

## یادداشت مترجمین

از آنجا که نظرات و قضاوت‌های مختلف در باره سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین در درون جنبش کمونیستی و آزادی‌خواهانه ایران در خارج از کشور وجود دارد لزوم ترجمه این جزوه احساس می‌شود. لذا ما به ترجمه آن اقدام نمودیم. امیدواریم که با این عمل خود به بحث خلاق و در نتیجه یوحدت نظر کلیه مارکسیست-لنینیست‌ها و انقلابیون کمک کرده باشیم.

صرفنظر از کلیه محتوی مطالب این جزوه ما در یک مورد و آن هم تنها در رابطه با نقل قول از یک منبع با "اتحادیه انقلابی" اتفاق نظر نداریم. این مورد ویژه اضافه کردن نام "ایران" بدنبال نام "سازمان انقلابیون کمونیست" است که در صفحه ۳۹ آمده است. اهمیت این مسئله در این است که این سازمان کمونیست‌های کشور ایران نیست.

لندن مه ۱۹۷۲

... مبارزه مردم و دولت ایران پشتیبانی نمایند و خرما را همراه با همه غذاهای خود مصرف می‌نمودند و در نان و در آش و در همه غذاها. معذالک، "سی - آی - ا" و ارتش ارتجاعی ایران دولت بورژوا - ملی و ضد امپریالیستی را واژگون ساخت و حکومت پادشاهی را مجدداً مستقر ساخت. اما امروز حتی آن حکومت پادشاهی ارتجاعی هم با امپریالیست‌ها اختلافاتی دارد. چینی‌ها با حکومت ایران بر پایه کوشش‌های آن حکومت در مقابله با سلطه امپریالیستی و اگر چه محدود، مایل به وحدت هستند.

این به هیچ‌وجه نه بدین معناست که چین از حکومت ایران در سرکوبی مردم پشتیبانی می‌نماید، و نه بدین معناست که به کمک و پشتیبانی خود به مبارزین ایران ادامه نخواهد داد. حقیقت عیناً خلاف اینست. جنبه دیگر روابط چین و ایران این است که در شرایط سر آغاز عقب نشینی نیکسون، حتی وابستگی اساسی ایران به دولت ایالات متحده و شاه را همچنان به داشتن نظر دوستانه‌تری نسبت به چین وادار کرده است.

تجربیات دوره بعد از جنگ جهانی نشان داده است که امپریالیسم آمریکا بسرکردگی تمام امپریالیست‌ها، عنقریب جنگ‌های تجاوزکارانه‌ای را در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بر پا ساخته است. و در عوض توده‌های مردم این قاره‌ها علیه امپریالیسم آمریکا مبارزه کرده‌اند. در چنین شرایطی، استراتژی صحیح بین‌المللی علیه امپریالیسم آمریکا، استفاده از کوچک‌ترین تضاد برای منفرد ساختن دشمن اصلی و ایجاد وسیع‌ترین جبهه متحد ممکن از کلیه نیروهائی که می‌توانند در صحنه‌های مختلف مبارزه و اختلافات بین‌المللی متفق یا متحد شوند، می‌باشد.

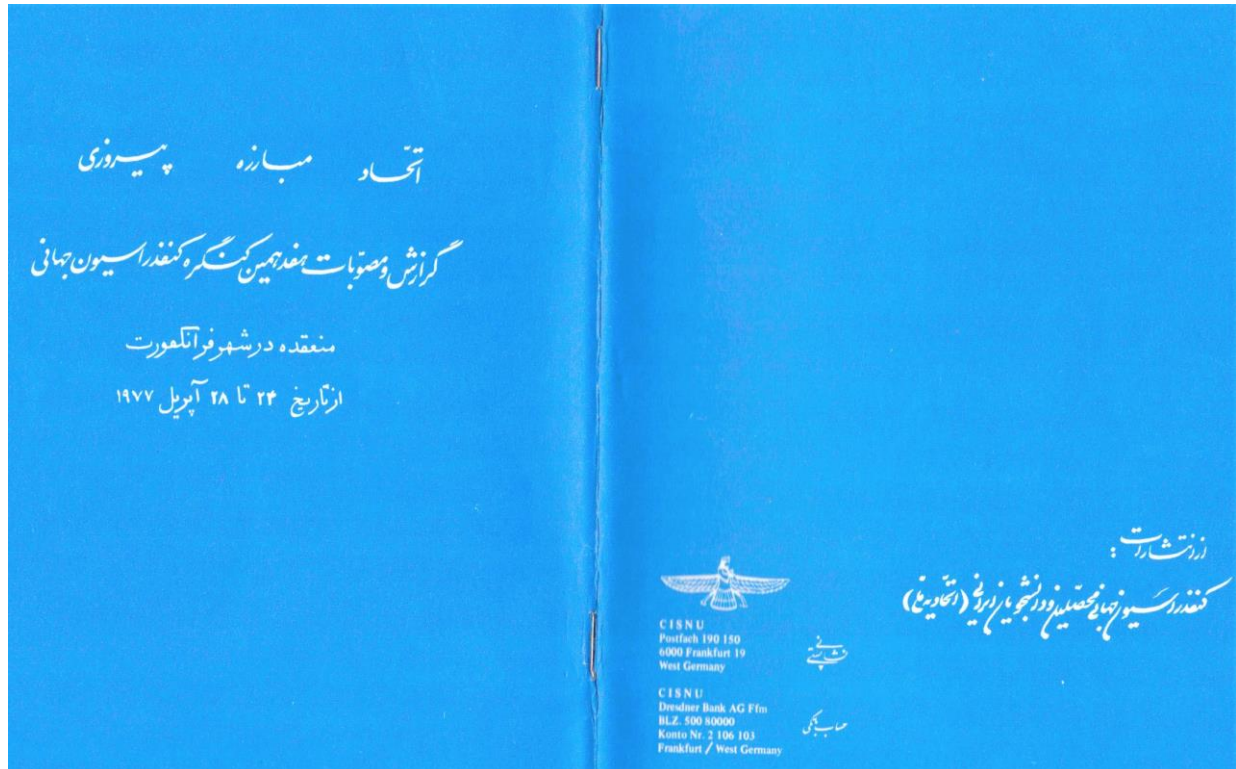
سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین و سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز به مثابه بخشی از آن و تطابق کاملی با اجرای چنین استراتژی دارد.

"کمونیست" ارگان سازمان انقلابیون کمونیست (مارکسیست-لنینیست) ایران سپتامبر ۱۹۷۱

## سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (سقوط جمهوری توده‌ای چین به قعر رویزیونیسم، خیانت به سوسیالیسم و مواضع سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در کنفدراسیون جهانی)

مصوبات هفدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی



سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (سقوط جمهوری توده‌ای چین به قعر رویزیونیسم، خیانت به سوسیالیسم و مواضع سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در کنفدراسیون جهانی)

به سند زیر به نقل از "گزارش و مصوبات هفدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی منعقد در شهر فرانکفورت از تاریخ ۲۴ تا ۲۸ آپریل ۱۹۷۷" توجه کنید:

## بخش بین‌المللی

با شکست امپریالیسم آمریکا در هندوچین و پیروزی خلق‌های این منطقه، مبارزات خلق‌های ستمدیده سراسر رشد و شکوه بیشتری بخود گرفت. هرچند امپریالیسم آمریکا در هندوچین با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد ولی از شدت جنایات و حملات تجاوزکارانه اش کاسته نشده و هم‌چنان بعنوان ابرقدرتی بزرگ برارودگاه غرب سرکردگی مینماید. رژیم ضد خلقی و ضد انقلابی شوروی نیز بمثابة ابرقدرتی بزرگ و استیلاگر جهت کسب سیطره با امپریالیسم آمریکا در عرصه جهانی به تاخت و تاز مشغول است. تضاد میان دو ابرقدرت برای کسب منافع بیشتر در کشورهای سه قاره و هم‌چنین برای تقسیم جهان گاهی به رقابت (که غالباً وعده است) و گاهی به تبانی (که نسبی و موقتی است) میانجامد. در اوضاع کنونی که امپریالیسم آمریکا مدافع "دموکراسی" در جهان گردیده و شوروی نیز با ماسک سوسیالیستی که بر چهره خویش زده به توطئه‌چینی بر علیه خلق‌های ستمدیده جهان و جنبش‌های آزادبخش مشغولند، وظیفه کلیه عناصر آگاه و مترقی است که ماهیت سیاست‌ها و عملکردهای امپریالیسم آمریکا را در سطح جهانی افشاء نموده و ماسک سوسیالیستی ابرقدرت شوروی را از چهره اش برداشته و بیش از گذشته بافشای همه‌جانبه‌ی ماهیت ضد خلقی و ضد انقلابی اش در سطح جهانی بویژه خاورمیانه اقدام نماید. کسانی که در اوضاع کنونی جهان در کوره راه مبارزه سمت حرکت صحیح را تشخیص ندهند - یعنی یا به امپریالیسم آمریکا کم‌بهره دهند و آنرا زار و ناتوان ارزیابی نمایند و یا اینکه در مقابل شوروی ضد خلقی و ضد انقلابی تزلزل نشان دهند - بانحراف کشیده خواهند شد. با رشد و آگاهی و بیداری خلق‌های ستمدیده جهان این مبارزات هر روز گسترش بیشتر مییابد و اوضاع را روز بروز بسود خلق‌ها و بضرر امپریالیسم و کلیه مرتجعین سیر میدهد و گرایش عمده در جهان انقلاب است. خلق‌ها پیروز میشوند و این خلق‌ها هستند که نیروی محرکه تاریخ اند.

دبیر روابط با تحلیل از شرائط فوق به تدوین برنامه‌های بین‌المللی اقدام مینماید.



سند شماره ۱۶ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (سقوط جمهوری توده‌ای چین به قعر رویونیسم، خیانت به سوسیالیسم و مواضع سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در کنفدراسیون جهانی)

### "بخش بین‌المللی"

با شکست امپریالیسم آمریکا در هندوچین و پیروزی خلق‌های این منطقه، مبارزات خلق‌های ستمدیده سراسر رشد و شکوه بیش‌تر بخود گرفت. هر چند امپریالیسم آمریکا در هندوچین با شکست مفتضحانه ای روبرو شد ولی از شدت جنایات و حملات تجاوزکارانه اش کاسته نشده و همچنان ابرقدرتی بزرگ بر اردوگاه غرب سرکردگی می‌نماید. رژیم ضد خلقی و ضد انقلابی شوروی نیز به مثابه ابرقدرتی بزرگ و استیلاگر جهت کسب سیطره با امپریالیسم آمریکا در عرصه جهانی به تاخت و تاز مشغول است. تضاد میان دو ابرقدرت برای کسب منافع بیش‌تر در کشورهای سه قاره و هم چنین برای تقسیم جهان گاهی به رقابت (که غالب و عمده است) و گاهی به تبانی (که نسبی و موقتی است) می‌انجامد. در اوضاع کنونی که امپریالیسم آمریکا مدافع "دموکراسی" در جهان گردیده و شوروی نیز با ماسک سوسیالیستی که بر چهره خویش زده به توطئه چینی بر علیه خلق‌های ستمدیده جهان و جنبش‌های آزادی‌بخش مشغولند، وظیفه کلیه عناصر آگاه و مترقی است که ماهیت سیاست‌ها و عملکردهای امپریالیسم آمریکا را در سطح جهانی افشاء نموده و ماسک سوسیالیستی ابرقدرت شوروی را از چهره اش برداشته و بیش از گذشته بافشای همه‌جانبه‌ی ماهیت ضد خلقی و ضد انقلابی اش در سطح جهانی بویژه خاورمیانه اقدام نماید. کسانی که در اوضاع کنونی جهان در کوره‌راه مبارزه سمت حرکت صحیح را تشخیص ندهند - یعنی یا به امپریالیسم آمریکا کم بها دهند و آنرا زار و ناتوان ارزیابی نمایند و یا اینکه در مقابل شوروی ضد خلقی و ضد انقلابی تزلزل نشان دهند - بانحراف کشیده خواهند شد. با رشد و آگاهی و بیداری خلق‌های ستمدیده جهان این مبارزات هر روز گسترش بیش‌تر می‌یابد و اوضاع را روز بروز بسود خلق‌ها و بضرر امپریالیسم و کلیه مرتجعین سیر می‌دهد و گرایش عمده در جهان انقلاب است. خلق‌ها پیروز می‌شوند و این خلق‌ها هستند که نیروی محرکه تاریخ اند.

دبیر روابط با تحلیل از شرائط فوق به تدوین برنامه‌های بین‌المللی اقدام می‌نماید."

## سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (سقوط جمهوری توده‌ای چین به قعر رویزیونیسم، خیانت به سوسیالیسم و مواضع سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در کفدراسیون جهانی)

قطعه‌نامه در باره مشی ارتجاعی مطرود از جنبش دانشجویی

## قطعه‌نامه درباره مشی ارتجاعی مطرود از جنبش دانشجویی

انشعاب اخیر از صفوف پاسداران سنن درخشان کفدراسیون جهانی، انشعابی از مواضع جنبش ملسی و دمکراتیک خلق ما و لذا جدائی از جنبش شرقی دانشجویی نیز می‌باشد. بینش ارتجاعی انشعاب به این بهانه که امپریالیسم آمریکا بر اثر ضربات مهلك خلقها و بحران اقتصادی گرفتار ضعف و فتور و در حال افول است و ابر قدرت روسیعت خصلت مهاجم و تقویت نیروی نظامی خود به دشمن عمده خلقهای ایران تبدیل شده است، آتش حطه خود را بجای آنکه بر روی رژیم شاه و امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا که خلقهای میهن ما را به بند کشیده اند متمرکز سازد، متوجه ابر قدرت شوروی و ستون پنجم آن میکند. حامین این مشی ارتجاعی مدعی اند که برای حفظ صلح در جهان بایستی به ایجاد "جبهه واحد"ی با شرکت وسیع همه نیروهای ضد دوا بر قدرت حتی شرکت بدنامترین، ارتجاعی ترین و فاشیستی ترین نیروهای ارتجاعی جهان دست یازید و با توجه به توصیفی که از بی‌آزاری امپریالیسم آمریکا میکنند عملاً "جبهه واحد" ابتکاری خویش را معطوف مبارزه علیه ابر قدرت شوروی مینمایند. مشی ارتجاعی مطرود از جنبش ملسی و دمکراتیک خلق ما و بطریق اولی جنبش دانشجویی با نفی سرکرده گرای امپریالیسم آمریکا، تغیر ماهیت برای امپریالیسم قائل بوده و علیرغم اینکه لفظاً در مقابل دوا بر قدرت موضعگیری میکنند، در حقیقت یک ابر قدرت بیشتر نمی‌شناسند.

این نظریه غارت امپریالیستهای اروپائی و ژاپن در ایران را با رضایت نظاره میکند و از مبارزه علیه آنان میگریزد. و باین ترتیب به مشاطه گر امپریالیسم بدل گشته و از کینه و نفرت توده دانشجویی نسبت به امپریالیسم بهر رنگی که باشد میکاهد. آنها در پراتیک گذشته خویش در امر مبارزه علیه امپریالیسم اروپا اخلا ل کردند و در سوئد با سازمانهای فاشیستی و صیهونیستی جبهه واحد ضد فاشیستی خلق کردند. در سطح میهنی شاه را که با هزاران بند مرئی و نامرئی به امپریالیسم آمریکا بسته شده و حقوق بگیر "سیا" است، در حال تعویض ارباب جلوه میدهند و ابر قدرت شوروی را دشمن عمده خلقهای ایران نمودار میسازند.

شاخص این جریان، دورویی، تزویر و عدم صداقت آن است. آنچه را که میگویند پس از مدتی پس میگیرند که آماج حطه نگردند. این عقب نشینی ضروری را از آن جهت انجام میدهند که در محل و محفل دیگر با آسودگی بیشتری تفکر ارتجاعی و خائنانه خویش را تبلیغ نمایند. دانشجویانی را که تسلیم فریکاری او گشته اند با همین تبلیغات بسیج میکنند و آنها را از مبارزه علیه رژیم باز داشته و بجارزه علیه ابر قدرت شوروی میکشانند. این عده که از چهره خونخوار امپریالیسم آمریکا چهره دوست ترسیم میکنند و او را در بستر بیماری زار و نزار جلوه گر میسازند و بر پریشانی و درماندگی او اشک حسرت میریزند از مشی انقلابی ملی و دمکراتیک خلق ما بریده اند.

هفدهمین کنگره کفدراسیون جهانی چنین مشی ارتجاعی و ضد خلقی را از جنبش دانشجویی مطرود دانسته و با طرد کامل این مشی مبارزه قاطع خود را علیه آن ادامه میدهد. لذا این بخش با چنین مشی‌ای در حلقه وحدت قرار ندارد.

سند شماره ۱۷ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

مندرج در بخش: (سقوط جمهوری توده‌ای چین به قعر رویزونیسم، خیانت به سوسیالیسم و مواضع سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در کنفدراسیون جهانی)

## "قطعنامه در باره مشی ارتجاعی مطرود از جنبش دانشجوئی"

انشعاب اخیر از صفوف پاسداران سنن درخشان کنفدراسیون جهانی، انشعابی از مواضع جنبش ملی و دمکراتیک خلق ما و لذا جدائی از جنبش مترقی دانشجوئی نیز می‌باشد. بینش ارتجاعی انشعاب به این بهانه که امپریالیسم آمریکا بر اثر ضربات مهلک خلق‌ها و بحران اقتصادی گرفتار ضعف و فتور و در حال افول است و ابرقدرت روس بعلت خصلت مهاجم و تقویت نیروی نظامی خود به دشمن عمده خلق‌های ایران تبدیل شده است، آتش حمله خود را بجای آنکه بر روی رژیم شاه و امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا که خلق‌های میهن ما را به بند کشیده‌اند متمرکز سازد، متوجه ابرقدرت شوروی و ستون پنجم آن می‌کند.

حاملین این مشی ارتجاعی مدعی اند که برای حفظ صلح در جهان بایستی به ایجاد "جبهه واحدی" با شرکت وسیع همه نیروهای ضد دو ابرقدرت حتی شرکت بدنام‌ترین، ارتجاعی‌ترین و فاشیستی‌ترین نیروهای ارتجاعی جهان دست یازید و با توجه به توصیفی که از بی‌آزاری امپریالیسم آمریکا می‌کنند عملاً "جبهه واحد" ابتکاری خویش را معطوف مبارزه علیه ابرقدرت شوروی می‌نمایند. مشی ارتجاعی مطرود از جنبش ملی و دمکراتیک خلق ما و بطریق اولی جنبش دانشجوئی با نفی سرکرده‌گرانی امپریالیسم آمریکا، تغییر ماهیت برای امپریالیسم قائل بوده و علی‌رغم اینکه لفظاً در مقابل دو ابرقدرت موضع‌گیری می‌کنند، در حقیقت یک ابرقدرت بیش‌تر نمی‌شناسند.

این نظریه غارت امپریالیست‌های اروپائی و ژاپن در ایران را با رضایت نظاره می‌کند و از مبارزه علیه آنان می‌گریزد. و به این ترتیب به مشاطه گر امپریالیسم بدل گشته و از کینه و نفرت توده دانشجو نسبت به امپریالیسم به‌هر رنگی که باشد می‌کاهد. آنها در پراتیک گذشته خویش در امر مبارزه علیه امپریالیسم اروپا اخلاص کردند و در سوئد با سازمان‌های فاشیستی و صیهونیستی جبهه واحد ضد فاشیستی خلق کردند. در سطح میهنی شاه را که با هزاران بند مرئی و نامرئی به امپریالیسم آمریکا بسته شده و حقوق‌بگیر "سیا" است، در حال تعویض ارباب جلوه می‌دهند و ابرقدرت شوروی را دشمن عمده خلق‌های ایران نمودار می‌سازند. شاخص این جریان، دو روئی، تزویر و عدم صداقت آن است. آنچه را که می‌گویند پس از مدتی پس می‌گیرند که آماج حمله نگردند. این عقب نشینی ضروری را از آن جهت انجام می‌دهند که در محل و محفل دیگر با آسودگی بیش‌تری تفکر ارتجاعی و خائنانه خویش را تبلیغ نمایند. دانشجویانی را که تسلیم فریکاری او گشته اند با همین تبلیغات بسیج می‌کنند و آنها را از مبارزه علیه رژیم باز داشته و به مبارزه علیه ابرقدرت شوروی می‌کشانند. این عده که از چهره خونخوار امپریالیسم آمریکا چهره دوست ترسیم می‌کنند و او را در بستر بیماری زار و نزار جلوه گر می‌سازند و بر پریشانی و درماندگی او اشک حسرت می‌ریزند از مشی انقلابی ملی و دمکراتیک خلق ما بریده‌اند.

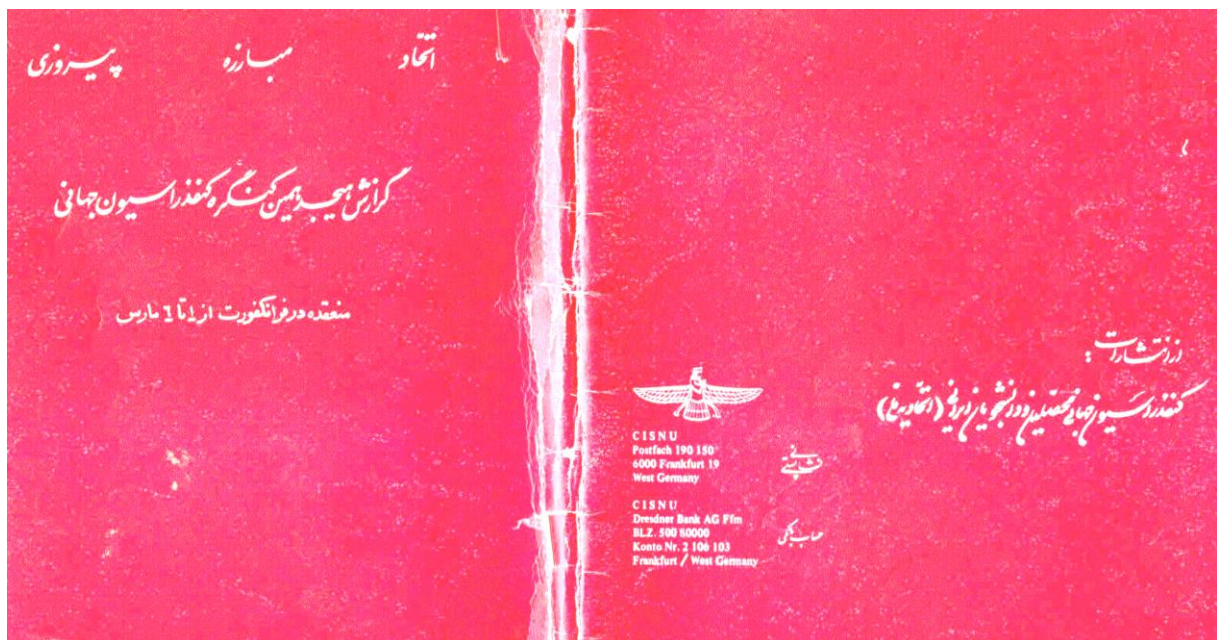
هفدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی چنین مشی ارتجاعی و ضد خلقی را از جنبش دانشجوئی مطرود دانسته و با طرد کامل این مشی مبارزه قاطع خود علیه آن ادامه می‌دهد. لذا این بخش با چنین مشی‌ای در حلقه وحدت قرار ندارد."



## سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

"گزارش هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی منعقد در فرانکفورت از ۱ تا ۶ مارس سال ۱۹۷۸" بازتاب یافته است،  
مندرج در بخش: (سقوط جمهوری توده‌ای چین به قعر رویزونیسم، خیانت به سوسیالیسم و مواضع سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در کنفدراسیون جهانی)

قطعه‌نامه در باره سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین در مورد ایران



**قطعه‌نامه درباره سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین  
در مورد ایران**

هیچ‌کس نمی‌تواند کنفرانس جهانی سیاست خارجی دولت جمهوری توده‌ای چین را در مورد رژیم ایران که ملهم از متنی ارتجاعی و ضدانقلابی نون است، یعنی برای اینکه رژیم فاشیستی و ماهیتا فاشیستی شاه را "مستقل و ملی" اعلام کرده و سیاست تسلیحاتی او را مورد تأیید قرار داده، نقد. رژیم شاه را در اوج دشت دانسته، برای این رژیم سرسپرده "مبارزات ضد امپریالیستی" قائل است و معایر سنا فخر خلق و انقلاب ایران از نیابسی کرده و آنرا محکوم مینماید.

سند شماره ۱۸ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهاردهم

"گزارش هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی منعده در فرانکفورت از ۱ تا ۶ مارس سال ۱۹۷۸" بازتاب یافته است،

### "قطعنامه در باره سیاست خارجی جمهوری توده‌ای چین در مورد ایران"

هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی سیاست خارجی دولت جمهوری توده‌ای چین را در مورد رژیم ایران که ملهم از مشی ارتجاعی و ضدانقلابی نوین است، مبنی بر اینکه رژیم فاشیستی و ماهیتا ضدملی شاه را "مستقل و ملی" اعلام کرده و سیاست تسلیحاتی او را مورد تأیید قرار داده، نقش رژیم شاه را در اوپک مثبت دانسته، برای این رژیم سرسپرده "مبارزات ضد امپریالیستی" قائل است، مغایر منافع خلق و انقلاب ایران ارزیابی کرده و آنرا محکوم می‌نماید."

( گزارش هیجدهمین کنگره کنفدراسیون جهانی منعده در فرانکفورت از ۱ تا ۶ مارس سال ۱۹۷۸ - صفحه ۳۸).

